

پیام مروی

مجله علمی فرهنگی حوزه علمیه مروی
شماره بیستم؛ تابستان سال ۱۴۰۳



علی علیه السلام یک شخصیت جهانی



برای خدا قیام کنید و سپس فکر کنید



نقش غدیر در اکمال دین و ضرورت امامت



امیرالمومنین علی علیه السلام، منادی وحدت



بسم الله الرحمن الرحيم

■ هیئت تحریریه: اساتید و حجج اسلام
امیر حسین منصوری، شمس آبادی و طلاب
محترم، سیدعلی حسینی، محمد قاسمی شادهی

■ ویراستار: محمد جواد راستگو
■ طراحی و صفحه‌آرایی: سید حسین عربی

■ ایمیل: pajuhesh.marvi@gmail.com
■ نشانی سایت: www.howzehmarvi.ir
■ کانال پرسش و پژوهش:
@pajouheshgaranemarvi

■ صاحب امتیاز: حوزه علمیه مروی تهران
■ مدیر مسئول: حجت الاسلام محمد اسکندری
■ سردبیر: حجت الاسلام هادی شمس آبادی
■ جانشین مدیر مسئول: محمد قاسمی شادهی

■ آدرس: خیابان ناصر خسرو، کوچه مروی، پلاک ۳۲،
حوزه علمیه مروی
■ تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۱۹۱۱۵
■ کدپستی: ۱۱۱۶۸۱۹۷۶۱

مجله علمی فرهنگی حوزه علمیه مروی
شماره بیستم؛ فصل نامه تابستان ۱۴۰۳

شناسنامه

سخن رهبری (علی حاکمی برای همه زمان ها) ۴

سخن تولیت ۷

سخن سردبیر ۱۱

ویژه نامه عید غدیر

دوره تربیت مبلغان غدیر ۱۳

امیر المومنین (ع) طلایه دار وحدت ۲۲

معرفی کتاب ۲۴

یادداشت ها و مقالات

چالش های فضای مجازی در روابط عاطفی همسران ۳۱

اهداف و بایسته های رفتار معتدلانه والدین در خانواده ۴۱

بررسی نقش مدارس در نهادینه کردن حجاب در بین دانش آموزان ۵۰

نشست ها

نشست تخصصی امام صادق (ع) ۶۱

بررسی تحركات امام از دهه ۲۰ تا دهه ۴۰ ۶۶

گنجینه مروی ۷۲

آموزش

روش های پارافریز کردن مقاله ۸۵



سخن رهبری (علی حاکمی برای همه زمان ها)

مسئله غدیر مسئله بسیار مهمی است در تاریخ اسلام. اولاً، اصل این حادثه عجیب و مهم و این بیان شریف که «**مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ**»، چیزی نیست که فقط شیعه آن را نقل کرده باشد؛ این جزو مسلمات است. آن کسانی که خواسته‌اند اشکال کنند، ایراد کنند، اصل صدور این بیان را مورد تردید قرار نداده‌اند، [بلکه] رفتند سراغ تأویل و توجیه و معناکردن این جمله. اصل حادثه یک مسئله مسلم تاریخی و اسلامی است. شبهه‌هایی هم که در معنای این جمله به ذهن بعضی از نورسیدگان و نوکیسه‌گان فکری و معرفتی امروز می‌رسد، همان حرف‌هایی است که هزار سال است این حرف‌ها مطرح بوده است. جواب‌های آن‌ها به وسیله علمای بزرگ داده شده و جای کمترین شبهه‌ای در اصل این مسئله و حادثه و معنای جمله رسول اکرم که سؤال کرد از مردم «**أَلَسْتُ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ**». اشاره به آیه قرآن بود که «**الْأَنْبِيَاءُ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ**» و بعد از آن این جمله که «**مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ**». اصل این مسئله جای هیچ تردیدی نیست. آنچه در مورد محتوای این جمله تاریخی و شریف و پر مغز بایستی بیان بشود، [اینکه] غیر از نصب امیرالمؤمنین به خلافت و امامت بعد از نبی اکرم و وصایت پیغمبر، که معنای رایج و شایع این جمله است، یک مضمون مهم دیگری در این بیان وجود دارد که نباید مورد غفلت قرار بگیرد و آن پرداختن اسلام به امر حکومت و امر سیاست امت و اهمیت این موضوع از نظر اسلام است. آن کسانی که سعی کردند اسلام را از مسائل اجتماعی و از مسائل سیاسی برکنار بدارند و آن را منحصر کنند به مسائل شخصی و مسائل خصوصی زندگی افراد و در واقع، نگاه سکولار به اسلام داشته باشند که تبلیغات دشمنان و دست‌های دشمنان هم این بینش را در بین مسلمانان در طول سالیان دراز ترویج کرده است، جوابشان مسئله غدیر است. پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در آن موقعیت حساس، در آخرین ماه‌های زندگی، به دستور خدای متعال یک مسئله اساسی و مهم را بیان می‌کنند و آن عبارت است از پرداختن به مسئله حکومت برای بعد از زمان پیغمبر. اینجا نصب امیرالمؤمنین فقط به معنای نصب جنبه‌های معنوی نبود، بلکه می‌شود گفت که مسئله جنبه‌های معنوی قابل نصب نیست؛ آنچه قابل نصب است عبارت است از: حکومت، کشورداری، سیاست، مدیریت جامعه اسلامی. این را پیغمبر اکرم به مردم توصیه کرد. این نکته بسیار مهمی است که مسئله غدیر پاسخ دندان‌شکنی است به همه کسانی که فکر می‌کنند و تبلیغ می‌کنند که اسلام را از مسائل سیاست و مسائل حکومت و مانند این‌ها برکنار بدارند. بنابراین، این دو حقیقت، یعنی حقیقت نصب امیرالمؤمنین به عنوان امامت بعد از پیغمبر و مسئله پرداختن به حکومت و





سیاست و امامت و اداره امت بعد از پیغمبر، این دو موضوع بسیار مهم و حساس، در مسئله غدیر وجود دارد و جزو معارفی است که غدیر متضمن آن است و درس بزرگی است برای همه‌ی مسلمانان، برای امروز و فردای مسلمین.

آنچه امروز ما باید به آن توجه کنیم این است که مسئله غدیر یک مسئله اعتقادی است. شیعه و پیروان مکتب اهل بیت و مکتب امامت، به مسئله غدیر پایبندند. این پایه و اساس تفکر شیعه است، بدون تردید و جای بحث نیست. کسانی که شبهه دارند و کسانی که بحث دارند، می‌توانند در محافل علمی، در مجالس تخصصی، بنشینند راجع به این بحث کنند. منطق شیعه قوی، حجت شیعه حجت قاطع و بدون تردیدی است؛ لکن این در زندگی عمومی مسلمانان، در همگامی مسلمانان با یکدیگر، در برادری مسلمانان با یکدیگر، باید اثر نگذارد.

۱۳۹۵/۶/۳۰ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر.

۲. اینکه در بعضی از تعبیرات گفته شده است که عید غدیر عیدالله الاکبر و از همه اعیاد بالاتر است، علت این و وجه این چیست؟ خب، در قرآن کریم آیاتی هست که به غیر از مسئله غدیر به مسئله دیگری قابل تطبیق نیست. همین آیه معروف «الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا» که در اوایل سوره مائده است، با غیر مسئله‌ای در وزن و اهمیّت و اندازه مسئله غدیر، قابل تطبیق نیست. فقط یک چنین مسئله‌ای است که می‌تواند تعبیر «الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ» درباره‌اش بیاید. آن کسانی که در مضمون این آیات خدشه کرده‌اند، حرف‌هایی می‌زنند، مطالبی گفته‌اند، مخالفین و کسانی که قضیه غدیر را قبول ندارند این آیه را به نحوی تأویل کرده‌اند؛ لکن این بخش از آیه قابل تأویل نیست. امروز روزی است که دشمنان - کفار - از دین شما مأیوس شدند. چه چیزی مگر بر دین اضافه شد که دشمن را مأیوس کرد؟ آن احکامی که در این آیه، در اوّل سوره مائده، قبل و بعد از این فقره آمده است، مگر چقدر اهمیّت دارد؟ این تعبیر درباره نماز نیامده است، درباره زکات نیامده است، درباره جهاد نیامده است، درباره هیچ یک از احکام فرعی الهی نیامده است که «الْيَوْمَ يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»؛ پس این یک قضیه دیگری است. غیر از این احکام فرعی است. آن قضیه چیست؟ قضیه رهبری جامعه اسلامی، قضیه نظام حکومت و امامت در جامعه اسلامی. بله، ممکن است تخلف کنند، کما اینکه کردند. چند قرن بنی‌امیه و بنی‌عبّاس و امثال این‌ها با نام امامت و خلافت و مانند این‌ها پادشاهی کردند، سلطنت کردند، [اما] این لطمه‌ای نمی‌زند به فلسفه غدیر. ماجرای تعیین غدیر، ماجرای تعیین ضابطه است، تعیین قاعده است. یک قاعده‌ای در اسلام درست شد. پیغمبر اکرم، در ماه‌های آخر عمر، این قاعده را وضع کرد. آن قاعده چیست؟ قاعده امامت؛ قاعده ولایت. جوامع بشری از دیرباز حکومت داشتند. بشر انواع و اقسام حکومت‌ها را تجربه کرده است. اسلام این حکومت‌ها را، این نوع قدرتمندی‌ها و قدرت‌مداری‌ها را قبول ندارد، امامت را قبول دارد. این قاعده اسلام است. غدیر این را بیان می‌کند. قاعده حکومت و اقتدار و قدرت‌مداری در جامعه اسلامی با غدیر معین شد و پایه‌گذاری شد. اهمیّت غدیر این است. اهمیّت غدیر فقط این نیست که امیرالمؤمنین را معین کردند. این هم مهم است، اما از این مهم‌تر این است که ضابطه را معین کردند، قاعده را معین کردند. معلوم شد که در جامعه اسلامی حکومت سلطنتی معنا ندارد، حکومت شخصی معنا ندارد، حکومت زر و زور معنا ندارد، حکومت اشرافی معنا ندارد، حکومت تکبر بر مردم معنا ندارد، حکومت امتیازخواهی و زیاده‌خواهی و برای خود جمع کردن و افزودن معنا ندارد، حکومت شهوت‌رانی معنا ندارد. معلوم شد که در اسلام این جور است. این قاعده در غدیر وضع شد. وقتی این قاعده وضع شد، آن وقت «يَنْسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ»؛ دیگر دشمن‌ها از اینکه بتوانند مسیر این دین را تغییر بدهند مأیوس می‌شوند؛ چون مسیر دین آن وقتی تغییر پیدا می‌کند که آن نقطه اصلی، آن هسته اصلی، تغییر



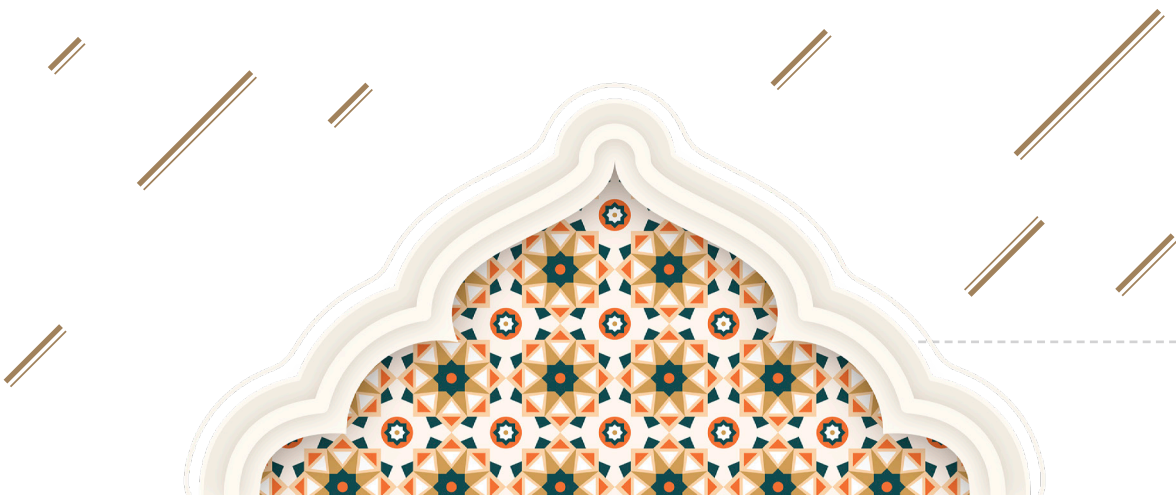
پیدا کند؛ یعنی هسته قدرت، هسته مدیریت، هسته ریاست؛ اگر تغییر پیدا کند، همه چیز تغییر می کند. بله، در واقعیت عملی تغییراتی به وجود می آید و افرادی از قبیل خلفای بنی امیه و بنی عباس سر کار می آیند به عنوان اسلام، حجاج بن یوسف هم [سر کار] می آید؛ اما این ها دیگر ضابطه را نمی توانند به هم بزنند. امروز اگر کسانی در دنیای اسلام، آن هایی که با معارف اسلامی آشنا هستند، مراجعه کنند به قرآن، مراجعه کنند به ضوابطی که در قرآن برای بندگی حق و زندگی و جهت گیری بندگان حق - یعنی ملت ها - در قرآن معین شده است، امکان ندارد به نتیجه ای برسند جز نتیجه امامت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و آنچه دنباله او است. این ادعای ما است و می توانیم این ادعا را کاملاً ثابت کنیم. هرکسی در دنیای اسلام، روشنفکران، متفکرین، صاحبان عقیده، کسانی که از اول با یک عقیده دیگری بار آمده اند، اگر قرآن را و ارزش های قرآنی و ضوابط قرآنی را برای زندگی جوامع بشری ملاک قرار بدهند، به هیچ نتیجه ای نمی رسند جز اینکه کسی مثل علی بن ابی طالب (علیه السلام) بایستی بر جوامع اسلامی حکومت بکند؛ یعنی راه این است. راه امامت است. این مربوط به غدیر.

خب، وقتی غدیر این قدر اهمیت دارد، آن وقت آن آیه شریفه دیگر که «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»، معنایش روشن می شود. اگر این حکم را ابلاغ نکنی، اصلاً رسالت را انجام نداده ای. پیغمبر ۲۳ سال است دارد مجاهدت می کند. آن مجاهدات مکه، آن مجاهدات مدینه، آن جنگ ها، آن فداکاری ها، آن گذشت ها، آن سخت گیری های بر خود، آن هدایت عظیم بشری که آن بزرگوار انجام داده است، این ها همه در این مدت انجام گرفته. این چه حادثه ای و چه عارضه ای است که اگر نباشد، همه این ها [گوی] نیست «وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»، این نمی تواند چند حکم فرعی باشد. این یک چیزی فراتر از این ها است. آن چیست؟ امامت است. اول امام کیست؟ خود پیغمبر. امام صادق (علیه السلام) در منا فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ كَانَ هُوَ الْإِمَامُ»؛ پیغمبر امام اول است؛ «ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ» و بعد بقیه ائمه.

۱۳۹۵/۶/۳۰ بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید غدیر.

۳. غدیر حادثه مهمی است. یک حادثه اصولی است. ناظر به توجه اسلام به مهم ترین رکن تشکیل نظام اسلامی و جامعه اسلامی است؛ یعنی مسئله امامت و مسئله ولایت و زنده نگهداشتن غدیر، به یک معنا زنده نگهداشتن اسلام است. مسئله فقط مسئله شیعه و معتقدین به ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیست. اگر ما مردم شیعه و مدعی پیروی از امیرالمؤمنین حقیقت غدیر را درست تبیین کنیم، هم خودمان درک کنیم، هم به دیگران معرفی کنیم، خود مسئله غدیر می تواند وحدت آفرین باشد. بحث اعتقاد قلبی و اتصال یک نحل دینی و مذهبی به یک اصل اعتقادی یک بحث است، شناخت مسئله بحث دیگری است. اسلام عالی ترین مسئله در باب تشکیل جامعه اسلامی و نظام اسلامی و دنیای اسلامی را در مسئله غدیر متجلی کرده است. امیدواریم که ما به معنای واقعی کلمه، به دنبال مفهوم و مضمون و معنای حقیقی غدیر و ولایت باشیم که این را شما جوان ها باید در ذهنتان داشته باشید و ان شاء الله در طول زندگی دنبال کنید.

۱۳۹۱/۸/۱۰ بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان.





سخن تو لیت

غدیر یک مسئله اعتقادی است

مسئله غدیر یک مسئله قرآنی، بینشی و اعتقادی است. غدیر از جهت جایگاه خود یک مکان است؛ اما از جهت حقیقت، بیانگر یک جایگاه بالایی است که خدای متعال برای پیامبر اسلام (ص) مقرر کرد تا در یک مقطع زمانی خاص حقیقتی را، به صورت عمومی، هم برای مسلمانان همزمان با نبی اکرم (ص) آشکار کند و هم تکلیف همه مسلمانان و مومنان به دین توحید را معین سازد؛ یعنی غدیر یک حقیقتی است که از عالم غیب در این عالم امکانی و ماده ظهور پیدا کرده که حلقه واسطه دقیق بندگان در زندگانی دنیا با عالم غیب است که البته این حلقه واسطه، در زمان نبی اکرم (ص)، خود وجود مبارک نبی اکرم (ص) بود. منتها خدای متعال خواسته است که این رابطه بین عالم و دنیای غیب همواره تا قیامت در

این عالم شکل بگیرد. غدیر نه تنها در این عالم، بلکه در عالم پس از این

هم برای کسانی که غدیر و رسالت غدیر به آنها برسد، زندگی ساز و

حقیقت ساز است. حقیقت غدیر، ظهور ولایت الهیه، پس از

نبی اکرم (ص)، در این عالم است که می‌خواهد نشان دهد

که انسان در این عالم رها نشده و یک موجود متصل

به عالم غیب است. او موجود پوچی نیست و دارای

حقیقت است، حقیقت بسیار بلند. زندگی انسان

محدود به زندگی دنیایی نیست. زندگی دنیایی

به تنهایی مانند زندگی حیوانی است. تنها کمی

متنوع‌تر از زندگی حیوانات است؛ زیرا حیوانات

در خوردن، پوشیدن، مسکن و روابط گوناگون

پیچیدگی زندگی انسان‌ها را ندارند.

حقیقت غدیر این است که ما در قرآن آیه‌ای

همانند آیه تبلیغ، در سوره مائده، نداریم که

پیامبر گرامی اسلام (ص) را هم برای رساندن

پیامی تحریک و هم تهدید بکند و هم

پیامبر (ص) را تضمین کند. تهدیدش این

است که اگر این رسالت را به انجام نرسانی،

رسالتی که آوردی پوچ است. نبی اکرم (ص)

این همه زحمت طاقت فرسا و مقابله

با توطئه‌های مشرکین و محرومیت‌های

مختلف کشیدند. لحن و نحوه سخن گفتن

در این آیه خاص است. تعبیر «بلغ» را ما فقط

در این آیه داریم. یعنی «برسان». در آیات

دیگری فرمودند که کار حضرت رسول «بلاغ»

است؛ اما در این آیه سفارش اکید به رساندن

است. در اول رسالت بحث بلغ نیامده، بلکه





مستقیماً پیام داده شده: «**اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ**» [۱]. مسئله دوم در این آیه این است که چیزی بر پیامبر (ص) نازل شده بوده که آمده است: «**يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ**» [۲] معلوم می‌شود که این اولین مرحله نیست که این رسالت بر عهده پیامبر (ص) قرار داده شده. از پایان آیه این را می‌فهمیم که این رسالت بسیار خاص است. در آیات دیگر خود مطلب بیان می‌شود، مثلاً «**خمر حرام است**»، «**نماز واجب است**» اما در این مسئله اجمال وجود دارد. از اینجا معلوم می‌شود مسئله رساندن مسئله خاصی است؛ چراکه در ادامه می‌فرماید «**وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ**» [۳] اگر انجام ندهی، رسالت خدا را انجام ندادی. تضمین این آیه آنجاست که می‌فرماید: «**وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ**» [۴] خدا از تو حفاظت می‌کند. این نشان دهنده این است که پیامبر (ص) نیاز به این تضمین داشته که پشتوانه بیشتری از جانب خدا بیاید. قطعاً پیامبر (ص)، با آن عظمت، لحظه‌ای به غیر خدا توجه ندارد و با همه رنج‌هایی که در طول تاریخ برای ادای رسالتش داشته است، معلوم می‌شود حفظ جان‌ش مقصود نیست؛ بلکه حفظ آنچه می‌رساند منظور است. دلیل این نگرانی چیست؟ این یک نگرانی خاص است که می‌خواهد پیوند انسان با عالم غیب را بعد از خود برقرار کند که انسان بفهمد تا الان که این پیوند برقرار شده از جانب خداوند متعال گسسته نشده است. خدا به فکر ما هست و ما را لغو نیافریده و برای همان جهتی که آفریده است، برای ما راهبر معین می‌کند. این حقیقتی است که تمام موجودات از آن سرباز زده‌اند. آیه امانت می‌گوید: «**إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَتَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا**» [۵] ما امانت را بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها عرضه داشتیم، اما آن‌ها از برداشتن سر باز زدند و از آن ترسیدند و انسان آن را به دوش کشید، راستی که او بسیار بیدادپیشه و نادان است.» این امانت چیست؟ این امانت تحمل

ولایت الهی است که انسان می‌خواهد تحت تدبیر عالم غیب قرار بگیرد. این انسان حقیقتی دارد که می‌تواند متصل به عالم غیب شود. غیب هم نهایت ندارد؛ پس این انسان می‌تواند بی نهایت شود. بی نهایت شدن انسان این است که او تحت ولایت خدا برود. با وجود اهمیت غدیر و اینکه پیامبر (ص) سه روز مردم را در غدیر خم نگاه داشت و حجت خود را با آن‌ها تمام کرد و آیه هم نازل شد؛ اما چرا این اتفاق، بعد از ماجرای غدیر، فراموش شد. این موضوع هم از اهمیت مسئله غدیر است. چون پیغمبر، طبق نظر همه مفسرین و مورخین، اعلام کردند که این آخرین حج و اولین حج است. چون چنین حجتی را ایشان با مسلمین نرفته بودند. جایگاه‌های اجتماع متعددی در حج وجود دارد، مانند عرفات یا منا، که محل اجتماع است. اما در این مکان‌ها مسئله امامت امام علی (ع) را مطرح نکردند. این معلوم می‌کند که در این مراحل پیامبر (ص) می‌خواهند به مردم هشدار بدهند که این موضوع اهمیت دارد. این یکی از تاییدات این مسئله است. در قرآن کریم، آخر همین آیه، بیان می‌شود که «**إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ**» [۶]. علت نگرانی پیغمبر اکرم از این تبلیغ، این حقیقت است که البته وقتی شکافته شود، مسائل مختلفی در درونش هست. اولین و اصلی‌ترین نگرانی حضرت از گروهی است که هنوز ایمان کامل نیاوردند که یا به عالم غیب ایمان نداشتند یا به این ارتباط باور نداشتند. در اولین مراحل تبلیغ عده‌ای به سمت حضرت آمدند و گفتن ما به این شرط به شما ایمان می‌آوریم که بعد از خودت مسئله جانشینی را برای ما بگذاری. حضرت فرمود این از جانب من نیست، بلکه از جانب کسی است که مرا در این مقام قرار داده است. انسان ابعاد مختلفی دارد یک بعد او دنیاگرایی و مقام پرستی است. این مقام پرستی که چهره‌ای از هواپرستی است باعث می‌شود این مسئله مورد غفلت قرار گیرد؛ لذا بعد از رحلت پیامبر (ص) محمود بن لبید وقتی پیامبر (ص)



مثل این آیه که «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ» [۷] که می‌خواهد بیان کند جایگاه علی (ع) تنها در فرمایشات گوناگون خود حضرت که به آن سنت می‌گوییم نیامده، بلکه جایگاه ایشان در قرآن هم آمده است.

نکته بعدی این است که پیامبر (ص) ویژگی‌های گروندگان به علی (ع) بن ابیطالب و اهل بیت را برمی‌شمارد که ما خودمان را محک بزنیم. اینکه ما غدیر را به‌عنوان یک حقیقت ایمانی پذیرفتیم معنایش چیست. اول باید این پیوند قلبی را محکم کنیم که لازمه آن این است که بدانیم همواره تحت تدبیر خدا هستیم. تدبیر خدا به واسطه پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت علیهما السلام در زندگی ما جاری می‌شود و ظهور این تدبیر خدا در قیامت است که اگر قلبا و عملا تحت این تدبیر رفتیم به سعادت می‌رسیم. موضوع بعدی این است که حضرت خبرهای غیبی می‌دهند. عده‌ای، بعد از این قضیه، ایشان را تهدید می‌کنند. تهدیدها هم در خطبه طولانی غدیریه آمده که اینان اهل جهنم هستند. بنابراین، حضرت همه دین را در غدیر خلاصه کردند که فرمودند: «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ»

حضرت علی (ع) مختص شیعه نیست و یک شخصیت جهانی است

باید روی شخصیت ایشان تمرکز کنیم و ببینیم که چرا درباره شخصیت ایشان همه جا صحبت می‌شود. او یک شخصیت کامل است. در ارتباط عبودی با خدا کامل است و بعد از نبی اکرم (ص) کسی به پیش نمی‌رسد. در روابط خانوادگی در قله است، توجه کنیم که یک شخصیت این چنینی کار خانه را انجام می‌دهد. ما باید همه این‌ها را تحلیل کنیم. شخصیتی که نسبت به اعتقاداتش ذره‌ای کوتاه نمی‌آید. حاضر است اگر برادرش در برابر عقیده‌اش بایستد، برادرش را دم شمشیر بدهد. با هیچ کس، حتی فرزندش، نسبت به روشش که دین الهی است رودرواسی ندارد. وقتی ایشان را با افراد عادی مقایسه می‌کنیم می‌بینیم که دیگران وقتی یک مقدار

از دنیا رفت، در مدینه نبود و وقتی بازگشت مشاهده کرد که همه چیز به هم ریخته است. وی خدمت حضرت فاطمه (س) می‌آید که شما درباره علی (ع) صحبتی دارید؟ فاطمه (س) می‌فرماید: بعد از غدیر دیگر صحبتی نمانده. مسئله غدیر همه چیز را حل کرده و ما حرف مخفی نداریم. پس مخفی شدن ولایت امیرالمومنین بعد از غدیر لایه‌های مختلفی دارد. یک لایه مخفی آن که قرآن کریم بیان می‌کند مسئله عدم ایمان راسخ به وحی است و یک سری لایه‌های ظاهری وجود دارد که همان مقام پرستی و حب جاه است. همه ما امتحان می‌شویم. درست است که عده‌ای ایمان راسخ به وحی داشتند و تا پای جان برای پیامبر (ص) اکرم می‌ایستادند، اما همه این‌طور نبودند. در زمان پیامبر اکرم (ص) آیاتی نازل می‌شد که این موضوع را بیان می‌کرد، مثلا سوره توبه، در آیات متعددی چهره منافقین را بیان می‌کند. این به این معنی است که همه کسانی که در زمان حضرت بودند خالص نبودند.

خطبه غدیرپنج شاخصه دارد. آخرین فرمایش طولانی پیامبر (ص) و طولانی‌ترین فرمایش آن حضرت است. یک محور خطبه، معرفی خدای متعال است. چون اساس دین توحید است. ما باید معتقد شویم که موجودات و ما به چه حقیقتی متصل هستیم. خدایی که بی‌نهایت و ازلی و ابدی است و ما نمودی از حکمت او هستیم و ما را برای هدفی عالی آفریده است. این معرفی‌های گوناگون از نبی اکرم (ص) آمده که جای دیگری از آن حضرت نقل نشده است که می‌خواهد بیان کند که درک توحیدی برای هر کس، در هر درجه‌ای، زیربنای ایمان و نجات اوست.

نکته دوم، معرفی خودش است که من از جانب چنین خدایی هستیم و معارف من از جانب اوست و بعد از آن، حضرت از آیات قرآنی که درباره ولایت امیرالمومنین است استفاده می‌کند. آیاتی که تمامی مفاد آن ولایت حضرت علی (ع) است، مثل آیه ولایت یا آیاتی که حضرت علی را به‌عنوان فرد شاخص و کامل از مومنین معرفی می‌کند،

می‌گویند باید غلبه ظلم در عالم را نظاره گر باشیم تا امام زمان (عج) بیاید. خب امام زمان (عج) می‌خواهد قرآن را و دستورات امیرالمومنین (ع) را حاکم کند. در کجای دنیا قانون اساسی معارف الهی است و رهبریت آن مجتهد جامع الشرایط، عادل و پیرو اهل بیت است؟ در طول تاریخ حاکمیت این چنینی نداریم؛ حتی در زمان حضرت علی (ع) نگذاشتند چنین حاکمیتی محقق شود. این بهترین حجت برای حقانیت غدیر است.

تهدید شوند پایشان می‌لغزد. این‌ها بیانگر عدالت کامل امیرالمومنین (ع) است؛ چه وقتی که در راس حکومت نیست و چه زمانی که هست. حتی وقتی در راس حکومت هستند زندگی شخصی‌شان محدودتر است. چون می‌خواهند حقیقت را تجلی بدهند. این نشان دهنده اوج این شخصیت است که چقدر به عالم غیب پایبند است و مجسمه ظهور عالم غیب است؛ لذا این روایت در محور قرار گرفته که «علی مع الحق والحق مع علی. علی مع القرآن والقرآن مع علی.» [۸]

این شخصیت جامع وقتی می‌خواهد سخن بگوید همه سخنرانان عاجز می‌شوند. وقتی در مورد انسان کامل صحبت می‌کند هم‌ام جان می‌دهد و می‌فرماید این تاثیر موعظه است. وقتی ذغلب یمانی، که یکی از سخنرانان برجسته است، می‌خواهد سوالی بپرسد که علی (ع) نتواند پاسخ دهد می‌پرسد: «یا علی (ع) وقتی خدایت را بندگی می‌کردی دیده بودی؟» حضرت فرمود: «خدایی که ندیده باشم را بندگی نمی‌کنم.» و شروع به توصیف خدا می‌کند. در آخر این سوال کننده می‌گوید که من دیگر از این اشتباهات نمی‌کنم. ابن ابی الحدید می‌گوید دشمنان آمدند و نگذاشتند فضایل امیرالمومنین نشر پیدا کند.

درس امروز ما از غدیر

امروز انقلاب اسلامی نسیمی از غدیر است. ببینید این نسیم چه کرده است. چه جوان‌هایی را به اوج رساند. بعضی از شهدای ما ندای امام که آمد رفتند. این یک نمونه است. این ندا عالم را گرفته است. این همه توطئه‌های مختلف نظامی، اقتصادی و فرهنگی که به انحاء مختلف از طرف دشمنان صورت گرفت که می‌خواستند ندای انقلاب را خفه کنند. غدیر واقعی در این انقلاب است که بگوید دین زنده است. آن کسی که بگوید دین زنده نیست خودش مرده است و می‌خواهد ما را به مردگی بکشد. بعضی، برحسب ظاهر، دم از غدیر می‌زنند، اما غدیر را نفهمیدند و



سخن سردبیر



سرنوشت سازترین عید در تاریخ بشریت عید غدیر است؛ چراکه عید غدیر در راستای اعتقاد به توحید و نبوت است و جامعه بدون امامت و ولایت نابود شدنی است.

بنابراین، مهم‌ترین وظیفه حوزه‌های علمیه و طلاب و مبلغین تبیین مسئله امامت و ولایت و شناختن و شناساندن این خیمه گاه دین است؛ چراکه دین بدون امامت و ولایت دین کاملی نیست. به همین دلیل علمای اسلام، در طول تاریخ، به اهمیت این موضوع پی برده و با توجه به زمان و مکان شرایط خودشان به تشریح این عید الله اکبر پرداخته‌اند. امروزه موثرترین بانیان تفکر انسان‌ساز حوزه‌های علمیه هستند که باید در برابر تفکرات الحادی و سلفی بایستند و مهم‌ترین پیام غدیر به نسل حاضر را که تبعیت از ولی فقیه است به گوش جامعه بشری و جهانیان برسانند تا زمینه ساز ظهور منجی عالم بشریت بشوند. همان‌گونه که پیامبر اسلام، با ابلاغ وحی الهی، مسیر نورانی همراه با رسیدن به ولایت را ترسیم کردند.

ویژه نامه

عید سعید غدیر خم





دوره تربیت مبلغان غدیر

استاد حجت الاسلام والمسلمین محمدتقی سبحانی

پی حرکت عاشورا نهضت علمی و فرهنگی ایجاد کرد. مخالفان نتوانستند عاشورا را انکار کنند؛ نه تنها نتوانستند، بلکه شعاع حرکت عاشورا همه گروه‌های اسلامی را پر کرد. به طوری که حتی از جریان‌ها و گروه‌های غیر شیعه نتوانستند انکار کنند. عاشورا جزئی از فرهنگ آن‌ها قلمداد شد. الان اگر عزیزان از شرق دور تا شبه قاره تا همین کشورهای اطراف ما، هر جا می‌رویم عاشورا بخشی از فرهنگ عمومی جامعه است؛ مثلاً شما در کشوری مانند مصر اصلاً نمی‌توانید عاشورا را از فرهنگ آنجا جدا کنید. گاه حرکت‌های آن‌ها، گرایش‌های آن‌ها، برنامه‌های آن‌ها، از ما شیعیان در ایران شدیدتر است. حرمتی که آن‌ها نسبت به سیدالشهدا علیه السلام می‌گذارند، گرامیداشتی که برای واقعه عاشورا قائلند، عمقش و حضورش و تکان‌هایش در آن جامعه پررنگ است. ایشان می‌فرمایند ما چون عاشورا را جدی گرفتیم و امتداد دادیم، نه تنها مخالفتی بر نخواست، بلکه عاشورا فرهنگ‌ساز شد.

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بسم الله الرحمن الرحیم و صلی الله علی سیدنا و نبینا ابی القاسم محمد و علی آلہ الطیبین الظاهرین المعصومین سیما بقیة الله فی الارضین عجل الله تعالی فرجه الشریف

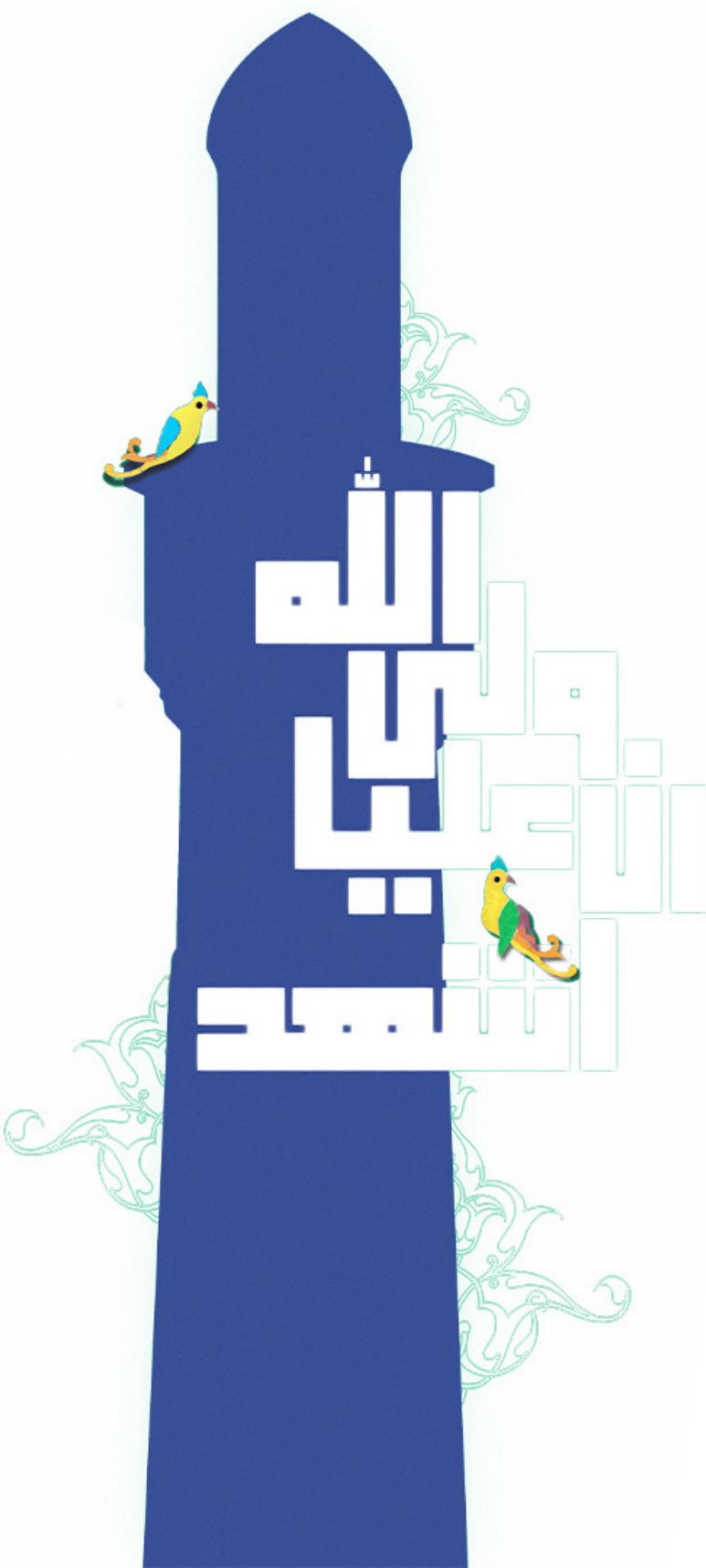
در این دوره فشرده واقعه غدیر را از ابعاد مختلف مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم. اساتید بزرگواری که هرکدام در جهتی تخصص دارند، بعدی از ابعاد غدیر را مورد بررسی قرار می‌دهند و این شاء الله این مجموعه گزارش‌ها، اطلاعات و تحلیل‌ها، پرتو جدیدی را بر مسئله غدیر خواهد افکند.

عقب ماندگی ما در مسئله امامت، در تبیین واقعی غدیر، باید در این مکان و این نوع مکان‌ها که فضایی ما جمع شده‌اند پایه‌گذاری شود. یکی از بزرگان، سال‌های خیلی دور، اوایل طلبگی ما یک نکته‌ای را اشاره کرد که همیشه این زنگ صدا و نوع نگاه در من بسیار مؤثر بود. ایشان می‌گفت شیعه عاشورا را بزرگ داشت و در



الان ما می‌توانیم بگوییم یکی از محورهای وحدت امت اسلامی واقعه عاشورا است و همه فرهنگ‌های عاشورا منتقل شده است؛ ظلم ستیزی عاشورا، تبیین معارف الهی عاشورا. این در کل جهان اسلام وجود دارد. ایشان می‌فرمود که ما این کار را در باب غدیر نکردیم. اگر در باب غدیر همچون حادثه عاشورا، فرهنگ غدیر، اندیشه غدیر، امتداد علمی و معرفتی غدیر، چپستی و چرایی غدیر را تبیین کرده بودیم، امروز نه تنها منکری نداشت، بلکه به تعبیر مرحوم شهید مطهری غدیر می‌شد محور وحدت اسلامی؛ اما الان شما نگاه می‌کنید که بسیاری حتی انکار می‌کنند و بسیاری سبک می‌شمارند؛ چون کسانی که باید غدیر را بزرگ می‌داشتند و تبیین می‌کردند و توسعه می‌دادند مقداری قصور و تقصیر داشتند و تنبلی کردند. من همیشه عرضم این است که ما باید غدیر را در کنار عاشورا، با همه عظمتش، با همه ابعادش، علمی و دقیق گسترش دهیم. حالا بعد اجتماعی و مناسکی و مراسمی‌اش یک بحث است که الحمدلله زنده شده است؛ اما آن بعد معرفتی که کار ماست، این باید در دستور کار جدی قرار بگیرد. از این جهت، در این مقدمه عرضم این است که این دوره‌ها می‌تواند سرآغاز یک حرکت جدید در عرصه غدیر باشد. هر کدام از ما به عنوان یک سفیر فکر و فرهنگ غدیر بتوانیم این اندیشه را در جای دیگری منتشر کنیم. شاگردانی داریم، دوستانی داریم، کیان اجتماعی و فرهنگی وجود دارد، باید این معارف که از اساتید گفته می‌شود تلقی شده و تبلیغ شود. من از یک زاویه دیگری سراغ غدیر می‌آیم؛ هر چند در همه بحث‌های غدیر این نکته مطرح است، ولی می‌خواهم یک خط مهم غدیر را باز کنم و عرضه کنم. اگر ما نتوانیم غدیر را در این سطح و با این ابعاد گسترش دهیم، حق غدیر ادا نشده است. بسیاری از ابهامات در غدیر باقی خواهد ماند. به تعبیری ما غدیر را تا در این سطح ارتقا و اعتلا ندهیم، غدیر جایگاه خودش و تأثیر خودش را نمی‌گذارد. برای این منظور خیلی کوتاه مقدمه‌ای عرض می‌کنم.

ما می‌دانیم که واقعه غدیر در ۱۸ ذی حجه سال دهم هجرت پیامبر، در حجة الوداع، اتفاق می‌افتد. بعد از آن، دو مناقشه شکل می‌گیرد. یک مناقشه بر سر اصل حادثه است. عده‌ای تلاش می‌کنند خود واقعه را مخفی کنند یا اصلش را انکار کنند یا از اهمیت آن بکاهند.





بندی مسئله ظاهراً قالبش یک شبهه است؛ اما خروجی این جریان بعدی از ابعاد غدیر را گشود و مسائلی در باب غدیر بر روی میز مطالعه قرار داد که به گمانم غدیر پژوهان و امامت پژوهان، این بعد را هم به صورت دقیق دنبال کنند، به صورت گسترده منتشر کنند و هم پژوهش‌های مهم و اساسی در این زمینه صورت بگیرد. نمی‌خواهم بگویم که این مسئله تازه است و نتیجه آن شبهه است؛ بلکه خواهم گفت که اصلاً عمق غدیر همین بوده است. اساس پیام غدیر همین است؛ اما این پیام اساسی و این بعد حیاتی غدیر در جدال‌های شیعه و سنی در بحث‌های مربوط به طرق حدیث و محتوای حدیث و دلالت حدیث گم شده است. به طوری که هرچه زمان گذشته است، آن پیام عمیق غدیر تبدیل شده به یک پیام حدّاقلی. نگاه حداکثری شد نگاه حدّاقلی. آن شبهه چه بود؟ به نظرم این مدخل بسیار خوبی است برای مطلبی که می‌خواهم عرض کنم. شبهه این است که بسیار خب غدیر تشکیل شد. شمای شیعه، شمای طرفداران ولایت و امامت ادّعا می‌کنید که غدیر برای اثبات جانشینی امیرالمؤمنین علیه الصلاة والسلام بود. سؤال این است که مگر قبل از غدیر به ادّعای خود شما پیامبر اکرم بارها مسئله ولایت و جانشینی را مطرح نکرده بودند؟ خود شما ادّعا می‌کنید و اسناد و مدارک هم ارائه می‌کنید که پیامبر در سال سوّم بعثت در یوم الدار امامت را معرّفی کردند. حدیث منزلت را مطرح کرده‌اند؛ می‌دانیم این حدیث «أنت منی بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبيّ بعدی»، بعضی‌ها تصوّر می‌کنند که این حدیث یک جا گفته شده است. خیر، اسناد و مدارک شیعه و سنی، حدّاقل در ده موطن آمده است. اسناد تاریخی می‌گویند حدیث منزلت توشط پیامبر خطاب به اصحاب گفته شده است. مگر در حدیث تشبیه، در حدیث مقاتله امیرالمؤمنین معرّفی نشده است؟ مگر در آیه ولایت، ذیل آیه ولایت پیامبر اکرم امیرالمؤمنین را معرّفی نکرده بودند؟ چطور شد در سال آخر هجرت، چند ماه پیش از وفات پیامبر اکرم صلوّاء الله علیه و آله

بعضی می‌گویند یک حادثه‌ای بوده، اختلافی بوده، یک دعوایی بوده بین امیرالمؤمنین و اصحاب، پیغمبر خواسته آنجا صلح و صفا ایجاد کند. بعضی خود واقعه را به کلی انکار می‌کردند و برخی هم می‌گفتند حالا چیزی هم نبوده، صدها حادثه مانند غدیر در زمان پیامبر اتفاق افتاده است. این جریان به سرعت خاموش می‌شود به نفع واقعه غدیر؛ یعنی تلاش خود اهل بیت برای اعتلای غدیر و اصحاب آن بزرگواران طوری شد که منکران به تدریج از صحنه خارج شدند. تقریباً از سده اوّل هجری که می‌گذریم، از سده دوّم غدیر هیچ گونه منکری ندارد. اگر منکری دارد، افرادی هستند که در واقع انکار بلادلیل هستند. جریان دوّمی که مقابل غدیر ایجاد شد این بود که اصل واقعه را می‌پذیریم که واقعه غدیر اتفاق افتاده و در جای خودش واقعه مهمّی هم بوده است و به تواتر هم نقل شده است، اما پیام غدیر معلوم نیست. اگر هم پیام مشخص است، آن چیزی که شیعیان در باب غدیر می‌گویند چنین چیزی نیست. اینجا واژه ولایت به این معنا می‌آید. اینجا مسئله نصرت به این معناست که عرض کردم. البته عرض کنم که هر زمینه شبهه‌ای که بوده بزرگان شیعه پاسخ داده‌اند؛ اما جریان رقیب سعی کرده یک شبهه جدیدی ایجاد کند. یعنی شبهاتی که امروز در باب حادثه غدیر در محتوای پیام غدیر هست، با پانصد سال پیش تفاوت می‌کند. ماهیتش یکی است اما عمقش، شواهدش، نوع بیانش متفاوت است. از این جهت، ما به عنوان کسانی که باید پیام آور غدیر باشیم، همیشه باید به روز باشیم. جریان‌های غدیر چگونه سعی می‌کنند پیام غدیر را در آن اختلال ایجاد کنند و پارازیت بیاندازند. ما سعی کنیم این پارازیت‌ها را برداریم تا آن چهره غدیر و پیام غدیر مخفی نشود. اما یک نکته‌ای در تاریخ در باب غدیر مطرح شد که ظاهراً اوّل هم به صورت یک شبهه مطرح بود. این به تدریج ذهن محققان غدیر پژوه را مورد توجّه قرار داد. مطلب در آغاز جنبه حاشیه‌ای داشت ولی هر چه زمان گذشته این بحث جدی‌تر شده است. صورت



چنین واقعه‌ای آن هم این طور که مردم را نگه داریم با آن تأکید مسئله ولایت را معرّفی کنیم. اگر مسئله مسئله ولایت و جانشینی است، اینجا دیگر بی معناست. پیامبر بارها فرموده‌اند ارائه این دیدگاه آن هم در آن شرایط، در آن ماه‌های واپسین بی معناست. لغو است. اگر کسی قرار بود بشنود شنیده است و آن کسی هم که نمی‌خواهد بشنود، چه فایده‌ای دارد؟ این سؤال و شبهه، از ناحیه مخالفین، شاید سابقه‌اش آن مقداری که می‌دانم، هشتصد سال، نهصد سال در آثار بزرگان ما و بزرگان اهل سنت، از هفتصد، هشتصد سال پیش حداقل این شبهه وجود داشته است. این یک سؤال بزرگ را در باب غدیر تولید کرده و آن سؤال این است: «غدیر اختصاصاتش و ویژگی‌هایش چیست؟ چه تفاوتی می‌کند بین معرّفی ولایت و امامت امیرالمؤمنین در غدیر و آن چیزی که بارها و بارها اتفاق افتاده است؟» این محلّ سؤال و بحث شده است. بزرگان اهل سنت آثار و پایان نامه‌ها و مقالاتی را از این زاویه نقد کرده‌اند. محققان ما هم وارد شده‌اند. خوب پاسخ چیست؟ ویژگی حادثه غدیر چه بود که آن را از ده‌ها معرّفی پیامبر اکرم در مواطن مختلف ممتاز کرد؟ چند نظریه بیان شد: ۱. عده‌ای گفته‌اند که ویژگی غدیر اعلان عمومی است. در موارد قبل اعلان عمومی نبوده است. در موارد قبلی حادثه‌ای اتفاق افتاده و جمعی از اصحاب هم بوده‌اند و نبی مکرم اسلام امیرالمؤمنین را معرّفی کرده‌اند؛ مثلاً در بحث ابلاغ سوره براءت، یک جمعی هستند. در ماجرای خندق، یک جمعی هستند. در جریان صلح حدیبیه، به مناسبت معرّفی شدند و یک جمعی هستند. اینکه همه جمع شوند و در یک جا ولایت امیرالمؤمنین اعلان عمومی شود، این برای اولین بار در غدیر اتفاق افتاده است و حوادث قبلی اعلان عمومی نیست. حالا من کاری ندارم که این دقیق است یا خیر؟! می‌گوییم بسیار خوب این یک وجهی است، می‌شود پذیرفت.

۲. عده‌ای آمده‌اند و گفته‌اند که غدیر هم به آن

معنا اعلان عمومی نبوده است؛ چون بسیاری از مسلمین رفته بودند. اگر این حادثه در کنار کعبه در حجة الوداع اتفاق افتاده بود، شما می‌گفتید اعلان عمومی است. کسانی در واقعه غدیر حضور پیدا کردند که مردم مدینه و اطراف مدینه بودند. جمعیت زیاد بود اما یک گروهی از مسلمان‌ها بودند. حالا بپذیریم که اعلان عمومی بود. بعضی‌ها گفته‌اند خیر، خصوصیت غدیر بیعت گرفتن از مسلمانان است. در هیچ کدام از مواقع و موارد گذشته، بیعتی از مسلمانان بر ولایت امیرالمؤمنین گرفته نشد. ممکن است که اقرار گرفته شده باشد ولو اقرار ضمنی؛ اما ویژگی غدیر بیعت است. یک به یک مسلمانان حاضر در آن واقعه آمدند با امیرالمؤمنین علیه السلام بیعت کردند و بَخَّ یا عَلَی گفتند و اعتراف کردند. این اعتراف برای اولین بار اتفاق افتاد. بعضی از اساتید گفته‌اند در واقعه غدیر این بیعت صحیح نیست و بیعتی اتفاق نیفتاده است. چرا؟ علی رغم وجود شواهد تاریخی متقن نقض کرده‌اند. گفتند بیعت مال چه کسی است؟ بیعت مال کسی است که حاکم است. بیعت وفا، بیعت طاعت معنایش این است. حاکمی آمده و به حکومت رسیده است، مولی علیهم می‌آیند بیعت می‌کنند و تعهد می‌دهند، ما اطاعت می‌کنیم. امیرالمؤمنین علیه السلام در روز غدیر که ولّی و حاکم نشدند که بخواهد بیعت بگیرد. پاسخ داده شده که این بیعت، بیعت طاعت به آن معنا نیست. این بیعت اقرار است. بیعت وفای به ولایت امیرالمؤمنین هست. بیعت عهد است. پس گروه دوم می‌گویند اختصاص غدیر به این است که در آن جا بیعت بود و قبلش نبود. چیزهای دیگری هم گفته‌اند.

عرض بنده این است که ویژگی حادثه غدیر و آن چیزی که پیام اصلی غدیر بود، اصل مسئله جانشینی نبود. معرّفی ولّی مسلمین بعد از پیامبر نبود. این مطلب روشن بود؛ هر چند در واقعه غدیر بر این نکته تأکید شد. نکته اصلی چه بود؟ آنچه نبی مکرم اسلام مأمور به ابلاغ بودند، پیوند میان غدیر و اصل دین بود. معرّفی



این‌ها در ادبیات علمی شان بحث در این بود که امامت جزئی از ارکان اسلام است. خب ما امروز می‌خواهیم این را تبیین کنیم با ابعاد علمی‌اش هم باید تبیین کنیم. این از آن بحث‌هایی است که اگر ناقص هم مطرح کنیم، نه مطلب جا می‌افتد و ممکن است که بدفهمی هم در آن به وجود بیاید. آیات مرتبط با غدیر خم به خوبی بر این نکته تأکید می‌کند که پیام غدیر، اثبات ولایت امیرالمؤمنین به عنوان رکنی از ارکان دین است. حداقل سه فقره وجود دارد در این آیات که این را اثبات می‌کند:

فقره اول، «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ»؛ خداوند یک رسالتی بر دوش تو گذاشته است. اگر ولایت امیرالمؤمنین را حذف کنی، اصلاً رسالت الهی تحقق پیدا نکرده است. تو اصلاً ابلاغ رسالت نکرده‌ای. ابلاغ رسالت خدا، این رکن رکنی به ابلاغ ولایت امیرالمؤمنین است.

فقره دوم، «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَاتَّمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي»؛ اکمال دین یعنی چه؟ یعنی اگر ولایت نباشد دین چیست؟ ناقص است. اکمال دین به خوبی نشان می‌دهد که ولایت و امامت، پیام غدیر به عنوان جزئی از دین است. اگر نباشد این دین ناقص است.

و فقره سوم که به نظر من از این‌ها مهم‌تر است: «وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»؛ حالا که ولایت امیرالمؤمنین ابلاغ شد، این دین اسلام شد. تا هنوز این ولایت نیامده است، دین اسلام نشده است. ممیزه اسلامیت اسلام به مسئله ولایت و امامت است.

همین سه فقره کافی است که نشان دهد پیام غدیر صرفاً مسئله جانشینی امیرالمؤمنین نیست؛ بلکه یک اصل اساسی ابلاغ می‌شود و آن اصل این است که اگر دین و اسلام بخواهد امتداد پیدا کند و پایدار بماند، پایداری اسلام به اصل ولایت و امامت اهل بیت است. بعد شما مضمون خطبه شریفه غدیر را ببینید. کاملاً آنچه که در آنجا دارد اعلام می‌شود این پیام است. مضمون اصلی آن روایات هم بیان امامت به

جایگاه غدیر، مرتبه غدیر در نظام معرفت دینی بود. اینکه ولایت امیرالمؤمنین جزء جدایی ناپذیر دینداری و دین ورزی است، این پیام اصلی غدیر بود. اینکه اسلام بدون ولایت امیرالمؤمنین اسلام نمی‌شود. این نکته اصلی واقعه غدیر بود و این به خوبی در آیات مرتبط با غدیر، احادیث مربوط به غدیر و در خطبه رسول مکرم اسلام صلوٰة الله علیه و آله تبیین شد.

من می‌خواهم غدیر را از این زاویه، خیلی کوتاه و فهرست وار اشاره کنم. غدیر می‌گوید اسلام و دین بدون وجود ولایت بعد از پیامبر، دین کامل نیست. دین مورد انتظار آن رسالتی که بر دوش پیامبر قرار داده شده است نیست. می‌دانیم این داستان از همان دوران حضور اهل بیت محلّ بحث اصحاب امامیه بوده است. تلقی عموم شیعه در دوران حضور از ولایت اهل بیت، ولایت امیرالمؤمنین یک چنین تلقی است که ولایت جزئی از دین است. ولایت صرفاً یک پذیرش، یک طاعت نیست. بله ما اسلام داریم. دین هم داریم. بهشت و جهنمی هم داریم؛ اما به هر حال یکی از احکام دین یا از اصول دین امامت است. در گذشته شیعه اعتقاد داشت که ولایت و امامت جزئی از اصول دین است. جزء اصول دین یعنی اگر حذف شود دین ناقص است. بعضی از بزرگان به دلایلی، از فقهای بزرگ ما از متکلمانی بزرگ ما در طول این سیصد سال گذشته یک تعبیری به کار بردند و گفتند که امامت جزء اصول دین نیست؛ بلکه جزء اصول مذهب است. کأنّ دین و اسلام اصولی دارد و در آن اصول کامل است و ما یک اصول مذهب داریم، اصول مذهب شیعه که شیعیان به آن اعتقاد دارند، ولی دیگران به آن اعتقاد ندارند، اما لطمه‌ای به دین نمی‌زند اسلامیت ما را زیر سؤال نمی‌برد. به دوستان عرض می‌کنم که این مطلب سابقه اش ۳۰۰ سال بیشتر در جهان تشیع نیست؛ آن هم بعضی از بزرگان ما گفته‌اند. همیشه در طول تاریخ، مرحوم شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، علامه حلی، خواجه طوسی اصلاً بحث این نبود که این‌ها جزئی از اصول مذهب است. تمام





عنوان جزئی از دین است. شما حدیث منزلت را چگونه توضیح می‌دهی؟ «یا علیّ أنت مئی بمنزلة هارون من موسى إلا أنه لا نبيّ بعدی» یعنی چه؟ هارون چه نقشی داشت نسبت به حضرت موسی؟ قرآن از نقش‌های حضرت هارون یاد کرده است. گفته «أشركه فی أمری»؛ شریک نبوت است. وزیر نبیّ است. خلیفه است. یعنی تمام آن ویژگی‌هایی که هارون در زمان حضرت موسی داشت مثل وزارت و نقش مشارکتی که دارد؛ همچنین نبوت حضرت موسی بدون وزارت و مشارکت هارون ناتمام است.

وقتی در آیه مباحله امیرالمؤمنین به عنوان نفس پیامبر معزفی می‌شود، این مفهوم نفس پیامبر چیست؟ یعنی جزئی از رسالت پیامبر است. ولایت امیرالمؤمنین اساس و رکنی از رسالت پیامبر است.

وقتی در حدیث سفینه گفته می‌شود که «مَنْ رَكِبَهَا نَجَا وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ» چه می‌گوید؟ می‌گوید کشتی اهل بیت کشتی نجات امت است، هر کسی سوار این کشتی نشد غرق می‌شود. در حدیث امن می‌گوید اهل بیت امان امت در آسمان و زمین هستند.

خب هرچه ما جلوتر می‌رویم می‌بینیم که نبی اکرم خطاب به امیرالمؤمنین می‌فرمایند من بر تنزیل قرآن قتال کردم و «تُقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ»؛ و تو بر تأویل قرآن مقاتله می‌کنی. تأویل قرآن یعنی چه؟ یعنی حقایق قرآن. من پیامبرم و رسالتم این بود که تنزیل قرآن را ابلاغ کنم و توضیح دهم و تبیین کنم. وظیفه تو به عنوان ولیّ و جانشین این است که بر سر حقایق قرآن بجنگی. مفاد و معانی حقیقی قرآن را باز کنی. معانی قرآن اصل قرآن است. کسی که تأویل قرآن را وارونه می‌کند، اصل قرآن را وارونه می‌کند.

حدیث ثقلین به صراحت می‌گوید وجود اهل بیت، در کنار قرآن، تنها رکن جلوگیری از ضلالت و گمراهی است. «مَا إِنْ تَمَشَّكُم بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا أَبَدًا»؛ ضلالت در چیست؟ ضلالت در اصل دین است، نه ضلالت در فروع دین و فروع مذهب. اگر در احادیث شیعه و سنی می‌آید که «مَنْ مَاتَ

وَلَمْ يَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِيتَةً جَاهِلِيَّةً»، میده جاهلیه چیست؟ میده جاهلیت یعنی کسی که رسالت ندیده است. جاهلیت کسانی بودند که با فرهنگی می‌زیستند که رسالت پیامبر را ندیده بودند. اگر کسی ولایت امام حق را نداشته باشد، حکمش حکم کسی است که رسالت ندیده است. فَمَا بَلَّغْتَ رسالتّه این را دیگر شیعه و سنی نقل کرده‌اند.

شما تمام آیات و روایات مرتبط با مسئله ولایت اهل بیت امیرالمؤمنین صلوة الله علیه را نگاه کنید می‌بینید که روحش همین است که ولایت رکن اساسی دین است و دین و اسلام کامل باز بسته اصل ولایت و امامت است. حالا باز یک خط کلی را من عرض کنم. این آیات و روایات اثبات امامت بود. شما ببینید بیانات اهل بیت در طول تاریخ در تبیین امامت، هر جا خواسته‌اند نظریه امامت را توضیح دهند با این بیان توضیح داده‌اند. حالا ما در این محافل عرض می‌کنیم. شما وقتی کتاب‌های کلامی ما را باز می‌کنید، می‌گویند امامت چیست؟ می‌گویند ریاست عامّه بر دین و دنیا. ریاست عامّه بر دین و دنیا را هم این طور معنا می‌کنیم که پیغمبر آمده، قرآن آمده، دین را گفته، شریعت را گفته تمام شده است و ما نیازمند مجری هستیم. امام آن رئیسی است که می‌تواند دین و دنیای مردم را آباد کند، بر اساس دین و شریعتی که پیامبر آورده است. کأنّ اینکه مسئله امامت در خود اصل شریعت و در اصل دین نقشی ندارد. این بیانی است که متکلمان ما کرده‌اند. این تعبیر در هیچ آیه و روایتی نیامده است. البته متکلمان ما هم این‌طور تعریف کرده‌اند چون خصمی داشته‌اند. می‌خواستند اصل امامت را ثابت کنند، با یک بیانی گفته‌اند که جریان رقیب هم همراهی کند و الا ما در هیچ جا تعریف امامت به ریاست عامّه در دین و دنیا نداریم. امامت ریاست؟ ریاست جزء اخیر امر امامت است.

شما یک مروری از آغاز بیانات اهل بیت در تفسیر و تعریف امامت تا پایان دوران حضور در باب امامت کنید. حتماً این نکته‌ای که عرض می‌کنم



در آغاز ورود به مرو دارند. مرحوم کلینی تحت عنوان نادُر جامع فی الإمامة این بیان را نقل کرده است. آنجا حضرت می‌فرمایند: «إِنَّ الإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ وَنِظَامُ الْمُسْلِمِينَ»؛ همان فرمایش صَدِيقه طاهره سلام الله علیها است. «إِنَّ الإِمَامَةَ زِمَامُ الدِّينِ»، زمام روشن است. آنکه مهار دین به دست اوست. مهار دین به دست امام معصوم و امام حق است. اگر شما این زمام را به دست غریبه و بیگانه بسپارید، این اسب سرکشی می‌کند و نمی‌تواند به مسیر برسد. اگر دین قرار است مسیر اصلی خودش را طی کند، نیازمند امامی است که زمام او را به دست بگیرد. او را توضیح دهد. از انحراف نجات دهد. مسیر درست حرکت دین را نشان دهد. نقش امام این است. تاریخ می‌گوید اگر دین را به دست غیر امام حق بسپارید، دین متلاشی می‌شود. شما در مذاهب مختلف نگاه کنید، حرف‌هایی که زده شده است، ادعاهایی در تشبیه، در تجسیم، در جبر، تفسیرهای نابه جایی از قرآن. چرا؟ چون زمامدار دین که ولی حق معصوم است، عهده دار امر دین در جامعه نشده است. زمام دین دست اوست. حافظ دین اوست. به تعبیر قرآن کریم امام آن کسی است که علم الکتاب در سینه اوست. امام هادی علیه السلام، در زیارت غدیریّه، در زیارتی که مصادف می‌شود در روز غدیر امام هادی علیه السلام به نجف می‌رسند و آن زیارت را اقامه می‌کنند. زیارت غدیریّه یک دوره امامت شناسی است. ادله، شواهد، تبیین، در آن تعبیر حضرت خطاب به امیرالمؤمنین علیه الصّلاة و السلام چه می‌گویند؟ می‌فرمایند: **السلام علیک یا دین الله القیم و صراطه المستقیم**. سلام بر دین قیم خدا. امیرالمؤمنین دین قیم خداست. صراط مستقیم علی بن ابیطالب صلوّاه الله علیه است. اصل دین است. دین ناطق اوست. قرآن ناطق اوست. تمام دین در وجود امیرالمؤمنین تحقق پیدا کرده است. او بیان دین می‌کند. او سنت پیامبر را نقل می‌کند. او تفسیر قرآن می‌گوید. ببینید تعبیر مهمّی است. در زیارت جامعه. تمام زیارت جامعه به نظر من با

برای شما هم روشن خواهد شد. هر جا اهل بیت از امامت سخن گفته‌اند، امامت را با دین گره زده‌اند. ما اولین سند تاریخی میراث اهل بیتی مان خطبه صدیقه طاهره سلام الله علیها است. می‌دانیم اولین بیانیّه، اولین سخنرانی بعد از پیامبر، سخنرانی امیرالمؤمنین علیه السلام نیست؛ بلکه سخنرانی صدیقه طاهره است.

بسیاری از محققان و اساتید هم توضیح داده‌اند که خطبه صدیقه طاهره یک منشور جامع در معرفّی اسلام است. از بحث معرفت آغاز

حضرت می‌فرمایند طاعت ما که اصل امامت است، نظام ملّت است، نظام دین است، سامان بخش به اصل دین است. اگر شما طاعت اهل بیت و امامت اهل بیت را بردارید، اصل ملّت و دین فرو می‌ریزد.

می‌کنند، توحید آغاز می‌کنند، نبوت را توضیح می‌دهند، قرآن را می‌گویند، نبوّت را توضیح می‌دهند، فلسفه احکام را حضرت می‌گویند. این اصلاً خودش یک اعجاز است. در بدترین شرایطی که یک بانو در زندگی‌اش می‌تواند داشته باشد. در بدترین شرایط بلند شود و خطبه‌ای بخواند. بلاغات النّسا است. ابن ابی طیفور این را در ضمن خطب بلاغی جمع کرده است. اگر انسان یک مقداری شَمّ ادبیات عرب داشته باشد مقایسه کند این خطبه را با خطبه‌های دیگر می‌بینید که اصلاً بینهما بوّی بعید است. خطبه از عایشه آورده، سه مورد آورده، از دیگران آورد از زنان مختلف، اما این خطبه از نظر بلاغت، از نظر معانی محتوا می‌درخشد. ببینید حضرت در این خطبه می‌فرماید: «وَجَعَلَ طَاعَتَنَا نِظَامًا لِلْمِلَّةِ وَ إِمَامَتَنَا أَمْنًا مِنَ الْفُرْقَةِ». ملّت را می‌دانیم که در زبان عرب یعنی دین «مِلَّةُ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا»؛ اینکه می‌گوییم ملل و نحل، ملل به زبان امروز یعنی ادیان. یعنی اصل دین. حضرت می‌فرمایند طاعت ما که اصل امامت است، نظام ملّت است، نظام دین است، سامان بخش به اصل دین است. اگر شما طاعت اهل بیت و امامت اهل بیت را بردارید، اصل ملّت و دین فرو می‌ریزد. در تعبیر آقا علی بن موسی الرضا در آن بیانی که



یک رنگ با یک نخ تسبیح می‌گوید امامت و ولایت جزء جدایی ناپذیر اصل دین است. «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدْءُ بِكُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَّدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ»؛ خب کسانی که امامت را صرفاً در مقام اجرا و تحقق می‌بینند، این مضامین زیارت غدیریه و زیارت جامعه را چطور توضیح می‌دهند؟ «مَنْ أَرَادَ اللَّهَ بَدْءُ بِكُمْ»؛ اگر کسی می‌خواهد به خدا برسد، از شما آغاز می‌کند. مسیری برای رسیدن به خدا جز از طریق شما نیست. «وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ»؛ اگر کسی به توحید رسید، این را از شما پذیرفته است. یعنی راه‌های دیگر توحید شناسی راه بی راهه است. «وَمَنْ قَصَّدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ»؛ سراسر زیارت جامعه یک کلام است که امام علیه السلام، حقیقت دین، جلوه دین، کارکرد دین در زندگی فردی و اجتماعی است.

شما وقتی از این منظر به امامت نگاه می‌کنید، به پیام غدیر نگاه می‌کنید، داستان به کلی متفاوت می‌شود. بحث ما در پیام غدیر نباید در جزئیات قرار بگیرد. بحث در این است که آیا غدیر پیام اصل اسلام هست یا نیست؟! اگر شما این‌طور به قصه غدیر نگاه کردید، هم تمام آیات و روایات مرتبط توضیح پیدا می‌کند و هم ولایت و امامت جایگاه خودش را پیدا می‌کند و هم حدیث ثقلین که متفق بین شیعه و سنی است آن معنای واقعی‌اش را پیدا می‌کند.

جوهره قرآن، حقیقت قرآن با وجود امام است که آشکار می‌شود و تبیین پیدا می‌کند. در ادبیات شیخ مفید، سید مرتضی و دیگران این است که می‌گویند ولایت و امامت جزء رکن دین است. اصلاً برایشان تردیدی وجود ندارد. اگر ولایت و امامت نباشد، اصل دینداری و دین‌ورزی و صراط مستقیم دچار اختلال می‌شود. هر چه ما جلوتر آمدیم به تدریج حداقل گرا شدیم. به تدریج عقب نشستیم و هر چه عقب نشستیم کار به جایی رسید که عده‌ای گفتند چرا غدیر؟ یک حادثه بوده. یک پیام جانشینی بوده که اتفاق هم نیفتاده است. چرا شما این دعوای تاریخی را دوباره می‌خواهید زنده کنید؟ تصورشان این شد که مسئله وحدت با حذف غدیر امکان پذیر است.

آقا بحث از غدیر نکنید، بحث از جانشینی نکنید. جانشینی امیرالمؤمنین برای پیامبر اکرم یک واقعه تاریخی بود. نظر الهی بود، نظر نبی مکرم اسلام بود اما واقع نشد. حالا ما اگر دعوا کنیم بر می‌گردد؟ مثلاً امیرالمؤمنین علیه السلام می‌شود خلیفه اول؟ این را آدم‌های کوچک نگفته‌اند، این را در پستوی حجره‌ها نگفته‌اند، در ملأعام در باب غدیر گفته‌اند. تقصیری هم نداشتند؛ چون آموزشی که از غدیر در حوزه‌های علمیه، در فرهنگ عمومی دینی ما داده شد، چنین نتیجه‌ای قهری است. اگر غدیر شد یک حادثه و حادثه هم معرّفی یک واقعه است به عنوان جانشینی، طبیعی است که کسی بیاید بگوید که اگر ما این را حذف کنیم چه می‌شود؟ اگر شما گفتید که غدیر پیامش تبیین اصل دین است. امام دِیَان الدّین است. در حرم مطهر علی بن موسی الرضا چند سال قبل بود که یک نفر یقه من را گرفته بود که این زیارتنامه آقا علی بن موسی الرضا تعبیر دِیَان الدّین داریم؛ این دِیَان الدّین یعنی چه؟ ما خطاب به همه اهل بیت می‌کنیم که شما دِیَان الدّین هستید. ولایت و امامت معنائش این است که «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِیْنَكُمْ» اگر شما دِیَان دین بودن و قویم بودن را در پیام غدیر آوردید و این را به مدارک قرآنی و روایی، به سنت منقول از شیعه و سنی نشان دادید، دیگر کسی نمی‌گوید واقعه غدیر یک حادثه بود و نشد؛ چرا از غدیر شما بحث می‌کنید؟ کسی که این عمق را فهمید، مثل مرحوم شهید مطهری می‌شود. وقتی الغدیر مرحوم علامه امینی (ره) منتشر شد، برخی از این نغمه‌ها در همین ایران ما یک مقداری هم در حاشیه حوزه نجف بلند شد که آقا چرا الغدیر؟ آیا الغدیر به جامعه اسلامی کمک می‌کند، نمی‌کند؟ مرحوم شهید مطهری یک سخنرانی دارند که بارها چاپ شده و در مجموعه آثار هم هست. من دلم می‌خواهد که دوستان این سخنرانی را بخوانند با این نگاهی که بنده عرض کردم. ایشان می‌فرمایند اصلاً محور وحدت اسلامی غدیر است. الغدیر علامه امینی آمده است که بر محور او ما جامعه اسلامی را بازسازی کنیم. چقدر تفاوت می‌کند؟



کنند، این زبان یک زبان جهانی است؛ یعنی کاملاً شما می‌توانید غدیر را با این زبان در دنیا مطرح کنید. باید این ابواب را گشود، این پنجره‌ها را باز کرد و این شاء الله با دقت‌های بیشتر در مباحث عقلی، مباحث کتاب و سنت، امامت را در آن ارتقا و اعتلای خودش معرفی کرد.

اللهم صلّ علی محمد و آل محمد و عجل فرجه



کتاب امامت و رهبری مرحوم شهید مطهری را بخوانید. ایشان می‌دانید در همان آغاز در مفهوم امامت و رهبری بحث می‌کنند. یک تعبیری دارند که برای بعضی‌ها سنگین است. خیلی سنگین تمام شده از اساتید امامت. ایشان می‌فرمایند: «اگر معنای امامت ریاست عامّه بر دین و دنیا باشد، بین ما و اهل سنت تفاوتی نیست». این توضیح می‌خواهد. بعضی‌ها که تعصب در امامت دارند که درست هم هست گفتند یعنی چه؟ یعنی ما شیعه و سنی ۱۰۰۰ سال گفتیم امامت، ریاست عامّه بر دین و دنیا، شما می‌فرمایید اگر تعریف امامت ریاست عامّه بر دین و دنیا باشد، بین شیعه و سنی اختلاف نیست. توضیح دارد. من به این نکته‌اش می‌خواهم توجه کنم. ایشان می‌گویند که ما در تعریف امامت اشتباه کرده‌ایم. امامت جایگاهش در نظام عالم، در نظام هستی، در نظام دین رکن است. این تفاوت اصلی شیعه و سنی است. خط شیعه با سنی، با جریان‌های رقیب، در مسئله ریاست عامّه بر دین و دنیا نیست؛ البته به یک معنایی هست و درست هم هست؛ اما از زاویه‌ای که ایشان نگاه می‌کنند به نظرشان می‌رسد که این تفاوت، تفاوت مهمی نیست. تفاوت اصلی امامت در نزد شیعه و جریان‌های رقیب در این است که آیا امامت رکن دین‌شناسی هست یا نیست؟ رکن معرفت‌شناسی هست یا نیست؟ رکن هستی‌شناسی هست یا نیست؟ ایشان می‌فرمایند امامتی که ما می‌گوییم امامتی است که جهان اداره می‌کند، نه فقط جامعه. امامتی است که دین اداره می‌کند. امامتی است که تحقق جوهره دین را در جامعه تضمین می‌کند. امامتی است که اصل دین را، هویت دین را، حقیقت دین را پاسداری می‌کند. این مفهوم از امامت در کجا باید مطرح شود؟ ذیل چه بحثی باید مطرح شود؟ ذیل غدیر. به همین مقدار اکتفا می‌کنیم. این شاء الله عزیزانمان، فضلالی جوان و محققان نسل نوری ما، این‌گونه بحث‌ها را باید در حوزه مباحث مربوط به غدیر و امامت دنبال کنند. حالا من یک گوشه‌اش را عرض کردم. اگر دوستان تحقیق



امیر المومنین علیه السلام طلایه دار وحدت

حجت الاسلام والمسلمین شمس آبادی (طلبه سطح ۴)

پس در دین خدا از تفرق و ناپایدار ماندن بپرهیزید که همراه جماعت بودن در حقی که آن را خوش نمی‌انگارید بهتر است از پراکنده شدن به خاطر باطلی که آن را دوست می‌دارید و همانا خداوند سبحان به کسی از مردم که جدایی گزیند خیری نبخشد، نه از گذشتگان و نه از باقیمانندگان. (نهج البلاغه خطبه ۱۷۶)

امیرالمومنین یکی از حربه‌های شیطان را تفرقه‌گرایی می‌دانند و بیان می‌کنند:

«إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَيِّ لَكُمْ طَرَفَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحْلِلَ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَيُعْطِيَكُمْ بِالْجَمَاعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ فَاصْذُقُوا عَنْ نَزْعَاتِهِ وَ تَفْتَاتِهِ»

شیطان راه‌های خود را به شما آسان می‌نماید و خواهد که گره‌های استوار دینتان را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای هماهنگی بر پراکندگی‌تان بیفزاید. پس، از دمدمه و وسوسه او روی برگردانید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱)

امیر المومنین علاوه بر اینکه مردم را به وحدت دعوت می‌کرد، خود به این امر عمل می‌کرد؛

در تاریخ بشریت، شخصیتی شجاع، قوی و عالم تر از امیرالمومنین علی علیه السلام پیدا نخواهد شد؛ با این حال، به اعتقاد قطعی و مسلم شیعه حق امیر المومنین در حاکمیت و جانشینی بر رسول خدا غصب شده است و طبیعتاً بایستی امیر المومنین اعتراض خود را با صدای رسا به گوش مردم برساند، اما در سیر تاریخ متوجه می‌شویم امیرالمومنین ملاحظات داشته است که موجب شده با حساسیت‌های خاصی این اعتراض را دنبال کند و آن امر مهم وحدت مسلمانان بعد پیامبر اسلام است که امیر المومنین، در جای جای سخنرانی‌های خودش، به این امر پرداخته است و از فرقه فرقه کردن دین خدا بر حذر داشته و جدا شونده از جامعه را از خیر خداوند محروم می‌داند.

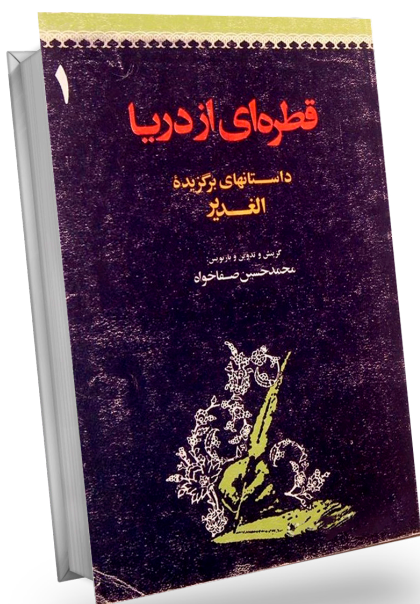
«فَإِيَّاكُمْ وَ التَّلَوْنَ فِي دِينِ اللَّهِ فَإِنَّ جَمَاعَةً فِيمَا تَكْرَهُونَ مِنَ الْحَقِّ خَيْرٌ مِنْ فُرْقَةٍ فِيمَا تُحِبُّونَ مِنَ الْبَاطِلِ وَإِنَّ اللَّهَ شَبَّاهُ لَمْ يُعْطِ أَحَدًا بِفُرْقَةٍ خَيْرًا مِنْ مَضَى وَلَا مِمَّنْ بَقِيَ»



چنانکه وقتی ابن عباس به امیرالمومنین پیشنهاد داد که در شورای سقیفه شرکت نکند، چرا که نتیجه از پیش معلوم هست امام در جواب فرمودند: «انی اکره الخلاف»؛ یعنی من اختلاف را دوست نمی‌دارم. ابن ابی الحدید ذیل خطبه ۶۵ نقل می‌کند: «یکی از فرزندان ابولهب اشعاری مبتنی بر فضیلت و ذی حق بودن علی و ذم مخالفانش سرود. علی او را از سرودن این‌گونه اشعار که در واقع نوعی تحریک و شعار بود نهی کرد و فرمود برای ما سلامت اسلام و اینکه اساس اسلام باقی بماند از هر چیز دیگر محبوب تر و با ارجح تر است.»

بنابراین، سکوت علی(ع) در قبال خلفا و حتی همکاری آن حضرت در برخی از موارد با آن‌ها، براساس مصالح اسلام و مسلمین بوده است. اتخاذ چنین سیاستی از سوی علی(ع) در آن شرایط و مقطع زمانی استراتژی معقول، منطقی و حکیمانه بود. به دلیل اینکه با توجه به موقعیت سیاسی و اجتماعی خاصی که علی(ع) در میان مسلمانان داشت، قیام او موجب خونریزی بین مسلمین شده و خطرات جدی برای اسلام بود. کسی که خود حافظ اسلام است، چگونه امکان دارد خود خطر و عامل تهدید برای اسلام باشد؟ از سوی دیگر، برخی تصور می‌کردند که علی(ع) برای رسیدن به قدرت، حتی مصالح اسلام و مسلمین را نادیده گرفته است. (علل سکوت علی، انصاری مقدم، مجله فرهنگ کوثر شماره ۴۷) بر همین اساس، امیرالمومنین اختلاف را فتنه می‌دانستند و مردم را به دوری از فتنه و اختلاف دعوت می‌کردند و می‌فرمودند «أیها الناس شقوا امواج الفتن النجاة و عرجوا عن طریق المنافرة...؛ مردم، موج‌های فتنه را با کشتی‌های نجات بشکافید و از راه تک روی و اختلاف دوری گزینید.»





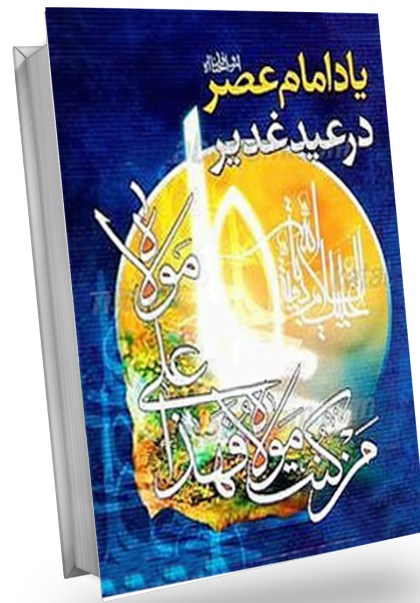
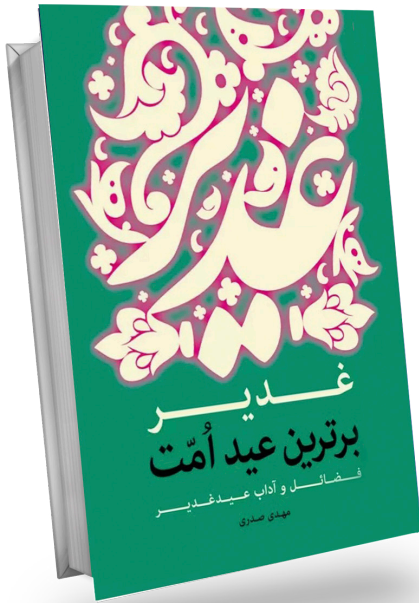
قطره‌ای از دریا

این کتاب توسط جناب آقای محمد حسین صفاخواه تالیف شده است. این کتاب مجموعه داستان‌های شیرین و آموزنده‌ای هست که هر کدام دارای پیام‌ها و نکات تاریخی ارزشمندی است و این داستان‌ها برگرفته از کتاب گرانمایه «الغدیر»، اثر ارزشمند علامه امینی (ره) است. با توجه به داستانی بودن این کتاب به ذائقه جوانان جامعه و عموم مردم، خوشایندتر و خواندنی‌تر از نوشته‌های معمولی است و کیست که اثر و نقش داستان را نادیده گرفته و جاذبه جادویی قصه را به هیچ انگارد. آنجا که خداوند تبارک و تعالی قصه می‌گوید و آنهم «احسن القصص» و عبد صالح و مصلحی چون، شهید استاد مطهری (ره)، کتاب «داستان راستان» می‌نویسد، دیگر چگونه می‌توان داستان نگفت و نخواند و نشنید؟ باید قصه‌گوی شبهای قرآن باشد تا روح و جان آدمی از پندها و نصایح ارزشمند آن بهره‌مند باشد. این است که «قطره‌ای از دریا» خواندنی می‌شود. کتابی که «غدیری از دریا» است و برکه‌ای از برکت‌های الغدیر و قصه‌گوی خلوت جوانان و نوجوانان. امید است که انشاءالله باتحیه این کتاب به معارف غدیر خم آشنا بشوند.



غدیر در قرآن؛ قرآن در غدیر

این مجموعه ارزشمند توسط حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد باقر انصاری در ۳ جلد تنظیم شده است. با محوریت آیات الهی، هر ارتباطی که بین آیات قرآن و غدیر بوده است مورد تحلیل قرار گرفته و هر حدیثی که فهم آیه را بیشتر می‌کند و مورد تایید مطلب می‌باشد جمع آوری شده است. ابتداء و انتهای واقعه غدیر از اعلام سفر حجة الوداع، در مدینه، تا بازگشت به مدینه به صورت مبسوط مطرح شده است. نزول آیات قرآن در غدیر (آیات مربوط به اقدامات پیامبر در غدیر - آیات مربوط به اقدامات منافقین در غدیر) تفسیر آیات قرآن در غدیر، مراحل حضور قرآن در غدیر، معرفی قرآن در غدیر، پژوهش‌های قرآنی غدیر تاریخچه قرآنی غدیر از جمله مطالب ارزشمندی است که در این کتاب آمده است.



غدير برترین عيد امت

کتاب «غدير برترین عيد امت» کتابی است مشتمل بر هشتاد حديث مختصر يا مفصل که در مورد فضائل و آداب عيد غدير گزينش شده است. بخش اول کتاب در خصوص بزرگداشت عيد غدير و ارتباط آن با انبياء، فرشتگان و موضوعاتی از جمله موضوع عالم ذر، نوروز، بخشش اعمال شيعيان، شيون و خشم ابليس، غدير در قيامت و ... است. آداب عيد غدير دومين بخش کتاب است که در آن به بيان تعظيم غدير، انواع عبادات، شادی نعمت ولايت، خواری شيطان، نماز مخصوص عيد غدير، نماز در مسجد غدير، پاداش اعمال در اين روز، آراستگی، تبریک و تهنيت، احسان به مومنان، ثواب زيارت امير المؤمنين و ... پرداخته شده است.

ياد امام عصر (عج) در عيد غدير خم

اين کتاب ارزشمند توسط جناب آقای محمد رضا رحيميان تهيه و تنظيم شده است. در اين کتاب مطالبی در مورد غدير خم آمده است؛ مانند ضرورت شناخت غدير خم، شناخت واقعی صاحب غدير خم تنها در دوران ظهور ميسر است، فرازی از خطبه غدير خم، معرفی امام عصر عجل الله تعالى فرجه الشريف در صحراي غدير خم، اشاره به مطالب ارزشمند خطبه غدير خم، که توسط پيامبر ايراد شد، و در آن حضرت به جانشينان بعد از خود اشاره فرمود، حضرت تنها وارث غدير خم، اعمال روز و شب عيد غدير خم، دعای روز عيد غدير خم، دعا برای فرج امام زمان عجل الله تعالى فرجه الشريف در روز عيد غدير خم، طلب ياری از حضرت در روز عيد غدير خم، غيبت وارث غدير خم، تجديد آله و آل محمد صل الله عليه و آله در روز عيد غدير خم. مطالعه اين کتاب به منتظران حضرت توصیه می شود. علاوه بر شناخت وظايف در عصر غيبت، شناختی از واقعه عظيم غدير خم را به خواننده ارائه می دهد.



(ع)، غدیر خم، در پاسخ به شبهه پیش آمده در معنای مولا و اقدام رسول خدا (ص) در تعیین مولای مردم، عید ولایت، طراحی برای آینده مسلمانان، حماسه غدیر، غدیر در تاریخ و حدیث و ادبیات، غدیر در پرتو کتاب و سنت، غدیر، گزارشی مفصل از واقعه غدیر با استنادات آن، الغدیر و وحدت اسلامی، تطور مذهب شیعه و امینی مجدد مذهب، علامه امینی، محقق طباطبایی و حدیث غدیر، امینی، درنگی در کتاب الغدیر، کتاب شناخت غدیر، غدیره‌های فارسی و غدیر در شعر فارسی.



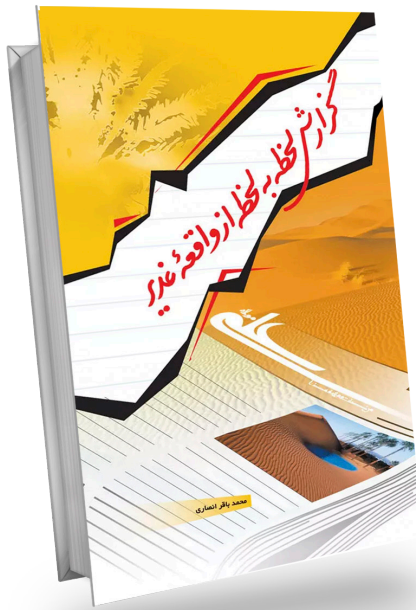
از غدیر تا الغدیر

آغاز کتاب مقدمه‌ای است درباره آخرین حج پیامبر (ص) که منجر به توقف در منطقه غدیر و سپس فرمایشات رسول خدا (ص) در خطبه غدیر و اعلام علنی وصایت و خلافت امیر المومنین (ع) شد. این مقدمه به سخنی اجمالی درباره کتب غدیر و در نهایت کتاب عظیم الشأن الغدیر علامه امینی می‌انجامد. مجموعه مقالات حاضر از چند مقاله درباره غدیر از شئون متفاوت و چند مقاله درباره الغدیر و علامه امینی به عنوان مهم‌ترین کتاب در زمینه غدیر تشکیل شده است. هدف نویسنده از کتاب «از غدیر تا الغدیر» آشنایی جوانان و علاقه‌مندان با موضوع غدیر و سپس مسلح شدن آن‌ها در مقابل سیل عظیم تهاجم فرهنگی غرب و وهابیت است. عناوین و موضوعات مقالات بدین ترتیب است: از ژرفای غدیر با محوریت سوره مائده آخرین سوره نازل شده به پیامبر (ص)، غدیر و خطری که مسلمین را تهدید می‌کرد، در موضوع علت عدم تحویل خلافت به علی



حماسه غدیر

استاد حکیمی در اثری مستقل، به نام حماسه غدیر، به شناسایی و معرفی اثر ارزشمند علامه امینی (الغدیر) پرداخته است. محمدرضا حکیمی در جریان گردآوری یادنامه‌ای برای کتاب ارزشمند (الغدیر، علامه امینی) می‌گوید: برای این بنده، پس از به جریان افتادن کار تهیه و نشر یادنامه، نشر کتاب دیگری در این مقوله مطرح نبود. تا



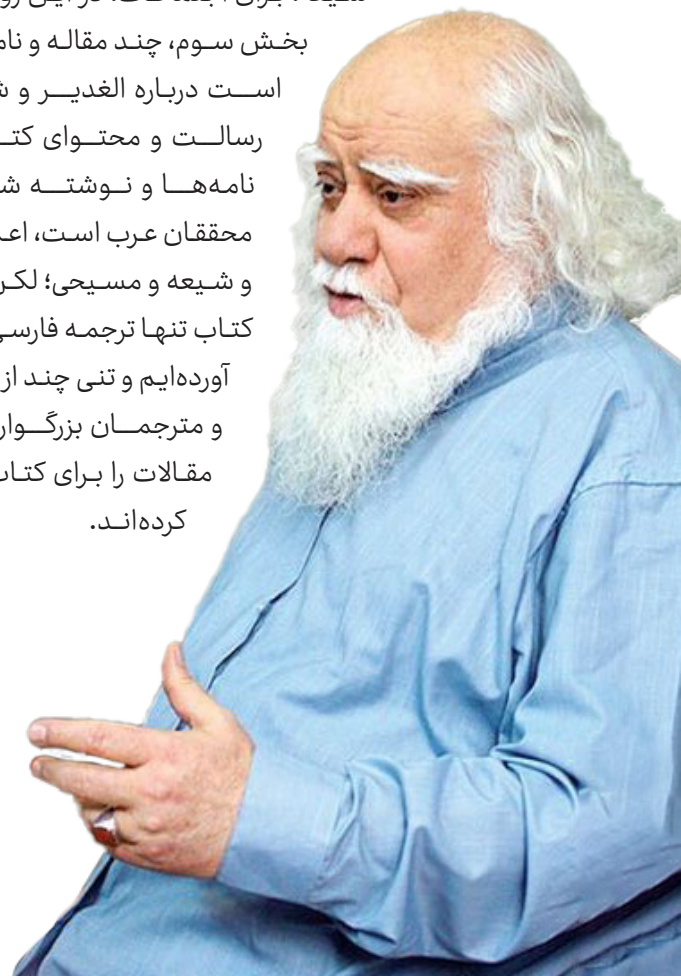
گزارش لحظه به لحظه از واقعه غدیر

گزارش کامل واقعه غدیر از آغاز حرکت از مدینه به مکه و حضور در غدیر و مراسم سه روزه غدیر. این گزارش در قالب ادبیات داستانی است، اما کاملاً مستند است و از عناصر خیال به دور است. حجم کم و اطلاعات کامل این کتاب یکی از علت‌های استقبال از آن است تا آنجا که تاکنون در طی ۴۰ چاپ، تیراژ کتاب حدود نیم میلیون نسخه رسیده است. خواننده این کتاب با تمامی جزئیات این واقعه از فرمان خداوند، اجرای رسول خدا (ص) و خطبه ایشان، بیعت همگانی و استثنایی مردم، توطئه‌های منافقین و بالاخره عظمت غدیر و وظایف شیعیان در قبال این پیام و پیام‌رسانی آشنا می‌شود. این کتاب دارای بخش‌هایی با عناوین عظمت غدیر، از مدینه تا غدیر، سخنرانی غدیر و مراسم سه روزه در غدیر است که با مقدمه «غدیر داستان اعتقاد» به چاپ رسیده است.

اینکه مسئله‌ای پیش آمد و به گونه‌ای احساس تکلیف کردم که به جمع‌آوری و نشر کتابی بپردازم که مقالات آن، در تجلیل و شناساندن خود کتاب «الغدیر» باشد و شناساندن افکار و اهداف این مصلح دینی، علامه امینی باشد. انگاره این کار نخست بسیار محدود بود. رساله‌ای در حدود ۱۰۰ صفحه، اما اندک اندک که طرح آن را در ذهن خود می‌پروردم، دامنه کار وسعت پذیرفت و چون صورتی عمیق‌تر و جدی‌تر به خود گرفت. چون خویشتن را در برابر کتاب الغدیر و وجدان علمی و حقی که جامعه، درباره معرفی این کتاب، بر مطلعان دارد مشاهده کردم، از سست گرفتن کار هراسیدم و بر تعمیق ابعاد آن مصمم شدم تا سرانجام کتابی تهیه و چاپ شد در حدود ۶۰۰ صفحه، به قطع وزیری. اینک به اجمال آن کتاب را معرفی می‌کنم. کتاب «حماسه غدیر»، در چاپ قطع وزیری، دارای ۵ بخش است بدین شرح: بخش اول، مقدمه کوتاهی است درباره کتاب و موضوع و مسائل آن.

بخش دوم، بحثی است در حدود ۲۰۰ صفحه، زیر عنوان «مدخل»، درباره ارزش فرهنگ مذهبی شیعه، برای اجتماعات، در این روزگار.

بخش سوم، چند مقاله و نامه علمی است درباره الغدیر و شناخت رسالت و محتوای کتاب. این نامه‌ها و نوشته شماری از محققان عرب است، اعم از سنی و شیعه و مسیحی؛ لکن در این کتاب تنها ترجمه فارسی آن‌ها را آورده‌ایم و تنی چند از استادان و مترجمان بزرگوار ما، آن مقالات را برای کتاب ترجمه کرده‌اند.





فرهنگنامه غدیر

این کتاب ارزشمند توسط حجه الاسلام والمسلمین جناب آقای جواد محدثی تهیه و تنظیم شده است. در این کتاب پس از مقدمه، فرهنگ غدیر به صورت الفبایی آمده است. در هر کدام از حروف الفبا موضوعاتی انتخاب شده که به نوعی مربوط به غدیر است؛ مثل پیام غدیر یا پیمان شکنان در حرف پ ذیل هر موضوع، توضیحی مختصر با قلمی شیوا آمده است. این کتاب در نوع خود کاری بدیع و زیبا است و جا دارد در فرهنگ غدیر شاهد هرچه بیشتر از این گونه نوآوری‌ها باشیم. آ: آبار علی، آداب و اعمال روز غدیر، آل الله، آل بویه آل عبا آیات برادت، ابلاغ آیات برائت، آیات غدیر، آیه ابرار، آیه اکمال دین، آیه انذار، آیه اولی الامر، آیه تبلیغ، آیه تطهیر، آیه سال سائل، آیه مباهله، آیه ولایت و ...

پ: پایگاه شیعی در اینترنت، پرچمدار پیامبر، پنجاه پنج سوال از تاریخ شیعه در تاریخ. ت: تبرک و توسل. ح: حب علی، حجت شناسی، حجه الوداع، حدیث ردالشمس، حدیث سبق به اسلام، حدیث مدینه العلم، حدیث منزلت، حدیث وصایت، حدیث یوم الدار و...



یادداشت ها و مقالات





چالش‌های فضای مجازی در روابط عاطفی همسران

● فرزانه سورانی (طلبه سطح ۲، کارشناس روانشناسی)

با پیشرفت تکنولوژی و گسترش فضای مجازی چالش‌های جدیدی دامنگیر کاربران آن شده است که بر زندگی فردی و کارکرد خانوادگی آن‌ها نیز اثر گذاشته است. مقاله حاضر به بررسی چالش‌های ناشی از فضای مجازی و تاثیر آن بر روابط عاطفی همسران پرداخته است. روش گردآوری اطلاعات در آن کتابخانه‌ای و تحلیل اطلاعات با رویکرد توصیفی است. نتیجه حاکم از مهم‌ترین چالش‌ها اعم از: طلاق عاطفی، خیانت، انزوا طلبی و لغو گرایی است. یکی از زمینه‌های اصلی عدم رضایت از زندگی مشترک، فضای مجازی است که سطح توقع رضایت از زندگی را بالا برده و آنچه آن‌ها باید از زندگی انتظار داشته باشند و ارزش بدانند، به نوعی گرفتار تحریف شده و صمیمیتی که از محتویات رسانه در اذهان‌شان نقش بسته، تا حد زیادی در زندگی طبیعی قابل دستیابی نیست. با غرق شدن در این فضا به انزوا کشیده شدند. روابط ناتمام عاطفی نیز میل استفاده از فضای مجازی را تشدید می‌کند.

کلیدواژه: چالش، فضای مجازی، رابطه عاطفی همسران

مقدمه

بخشی یا بعضاً، همه زندگی خود را بدون توجه به نیاز به ارتباط واقعی، در آن جهان مجازی سپری می‌کنند. هر انسانی هم در اصل حیات و هم در بقای خود نیازمند خانواده است. این مسئله روابط خاصی را میان او و دیگر اعضای خانواده به ویژه همسران پدید می‌آورد. در نخستین گام، خانواده است که بنیان‌های معنوی و اخلاقی فرد را پایه گذاری می‌کند. افزون بر این، نیازهای جنسی و عاطفی همسران نیز در محیط خانواده، به سالم‌ترین شکل تامین می‌شود. ارکان ایجاد کننده نهاد خانواده در اسلام عبارتند از: زن و مرد که بر اساس سنت اسلام به عقد یکدیگر در آمده‌اند و به عنوان ارکان اصلی مورد توجه هستند؛ اگر بخواهیم شناختی عمیق از روابط

امروزه فضای مجازی به قدری گسترش یافته و علی رغم معنای ابتدائی آن که توسط ویلیام گیسون، رمان نویس علمی-تخیلی، در رمان نورومانسر در سال ۱۹۸۲ بکار برده شده است، در حال حاضر جهانی وسیع تعریف می‌شود که به موازات جهان واقعی در اختیار انسان و جامعه انسانی قرار گرفته و بخش مهمی از زندگی او شده است. فضای مجازی بیشتر در مورد فضاهای اینترنتی و تعامل فرد با تلفن همراه و رایانه به کار می‌رود که در آن تلاش می‌شود با ایجاد تحریک‌های حسی از جمله: دیداری و شنیداری، تشخیص واقعی یا مجازی بودن فضا مشکل‌تر شود که گاه جهان مجازی خوانده می‌شود و افراد،



خانوادگی داشته باشیم، کارآمدی خانواده معلول و محصول کارآمدی تک تک اعضای آن و به طور ویژه، همسران است تا ایشان را در راستای تکامل و سعادت دنیوی و اخروی قرار دهد. از بهترین شیوه‌ها برای رسیدن به آن می‌توان اشاره به روابط عاطفی همسران کرد که پاسخ به آن بازخورد زیادی برای ارضای سایر نیازهای خانوادگی همسران دارد؛ اما از آنجا که شیوه غلط استفاده از فضای مجازی مانعی برای آن می‌باشد، نویسنده را بر آن داشت تا در مورد این مهم، تحقیق و بررسی کند. خانواده از نگاه جامعه شناسان مهم‌ترین نهاد اجتماعی دانسته می‌شود؛ بنابراین، چگونگی کارکردها و روابط اعضای خانواده، به‌ویژه روابط عاطفی زوجین با یکدیگر، در حقیقت پایه‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری اعضا را شکل می‌دهد. در ارتباط با این مطلب سوال‌هایی مطرح می‌شود که فضای مجازی در ایجاد و حفظ روابط عاطفی همسران چقدر موثر خواهد بود؟ البته، در این زمینه کارهایی از این دست انجام شده است؛ از جمله: «آسیب‌های فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی» از علی اکبر شاملی که آسیب‌های بحث شده در این مقاله شامل: افراط در استفاده از اینترنت و انزوا طلبی و تهدید تضعیف توان عقلی است. کتاب بیم موج از علی رهبر، که در آن بایدها و نبایدهای اخلاقی را برای زندگی بشر، در فضای مجازی، به ارمغان آورده تا در گردابی چنین حائل بتوان کشتی زندگی را به سلامت از شب تاریک دنیا عبور داد. کتاب دیگر، خانواده مسلمان و فضای مجازی از سعید رضا عاملی، که در آن اشاره شده است به اینکه، امروزه همزمان با گسترش رسانه‌های عمومی ملی و فراملی در درون خانواده و به ویژه با ظهور فضای مجازی به موازات فضای واقعی و دو فضایی شدن جهان، تغییرات بنیادینی در جهان اجتماعی افراد و فضای زندگی و مسیر زندگی به وجود آمده و گستره اجتماعی دنیای افراد در فراسویه مرزهای مکانی، زمانی و فرهنگی قرار گرفته است. حجت الاسلام دکتر سید احمد سجادی جزئی و دیگران در کتاب شور زندگی ذکر

می‌کنند که در زندگی مشترک، عوامل مادی و معنوی بسیاری وجود دارند که سلامت عاطفی و به دنبال آن سلامت جنسی زوجها را تحت تاثیر خود قرار می‌دهند. نویسنده در این مقاله به چالش‌ها و آثار فضای مجازی از جمله: انزوا طلبی، حاکم شدن روابط ماشینی، تعارض ارزش‌ها با بی توجهی به رسالت‌های انسان ساز، گرایش به لغویات، طلاق عاطفی و خیانت اشاره خواهد کرد که می‌تواند حاصل استفاده غیر اصولی یا بیش از حد از فضای مجازی باشد و بالعکس؛ لذا برای موفقیت در هرگونه رابطه‌ای، اعم از ارتباط عاطفی، توجه به چالش‌های فضای مجازی به‌عنوان یکی از عوامل موثر در این ارتباط ضرورت دارد.

۱- چالش‌های ذاتی فضای مجازی

علی رغم آثار مثبت فضای مجازی، دو دسته چالش دامن گیر کاربران این فضا خواهد شد؛ دسته اول، چالش‌های ذاتی است که به آسیب‌های بافتی معروف هستند و دسته دوم، چالش‌های محتوایی می‌باشند که می‌توانند بر ارزش‌های فردی و دیدگاه‌های افراد درباره رسالت‌های انسانی آنان تاثیر بگذارند.



۱-۱- انزوا طلبی

یکی از چالش‌هایی که در کنار استفاده از فضای مجازی روابط عاطفی همسران را با آن درگیر می‌کند، انزوا طلبی و بی میلی به برقراری ارتباط‌های حضوری است. واضح است که وقتی دو انسان یکدیگر را می‌بینند، غیر از دیدار و ارتباط‌گیری جسم‌ها، روح‌ها نیز با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند که برای فرد بسیار خوشایند است. زمانی را تصور کنید که شخصی را در تلویزیون یا فضای مجازی می‌بینید و لذت می‌برید، اما وقتی نزد او می‌روید و از نزدیک ملاقاتش می‌نمایید، از شدت خوشحالی فریاد می‌زنید و علاقمند هستید که از نزدیک به او اظهار ارادت کنید. این حالت نتیجه تلاقی دور روح است که با دیدار از راه دور و نیز چت کردن در فضای مجازی متفاوت است. (رهبر،



می‌گذارند، بسیاری از ارزش‌های اجتماعی را زیر پا می‌نهند؛ چرا که فعالیت‌های اجتماعی و خانوادگی خود را زمین می‌گذارند و به فعالیت‌های فردی روی می‌آورند این در حالی است که از افسردگی حاصل از انزوای اجتماعی خود آگاه نیستند و در صورت آگاهی نیز بعضاً آن را تایید نمی‌کنند؛ اما ماهیت کار با اینترنت به گونه‌ای است که فرد را در خود غرق می‌کند. بنابراین، بی میلی به برقراری ارتباط‌های حضوری و انزوا طلبی می‌تواند، توسط فضای مجازی، روابط عاطفی همسران را درگیر و دستخوش تغییر کند.

۱-۲- حاکم شدن روابط ماشینی

از دیگر چالش‌های فضای مجازی موثر بر روابط عاطفی همسران، می‌توان به ماشینی شدن روابط اشاره کرد. به‌طور غالب، انواع ارتباط‌ها در فضای مجازی به صورت متنی و تصویری است که این ارتباطات از نوع پویا و زنده نیست به همین دلیل است که به تدریج باعث خرده گرفتن‌ها، ایراد گرفتن‌ها و انتقاداتی به طرف‌های مخاطب این‌گونه فضاها می‌شود؛ به عنوان مثال، ممکن است چت با عزیزی در فضای غیر واقعی مجازی باعث بدفهمی طرف مقابل شود، هرچند آن شخص در جمله سازی قهار باشد، امکان ایجاد سوء تفاهم وجود دارد و حتی لازم بشود بعد از آن بلافاصله حضوری یا تلفنی گفت‌وگو شود و رفع سوء تفاهم گردد. این در حالی است که برخلاف آن، در فضای حقیقی شخص از طریق زبان بدن، نگاه‌های مهربانانه و یا غم آلود، چهره و حتی لمس کردن شانه طرف مقابل، می‌توانست حس درونی خود را به خوبی منتقل کند؛ درحالی که در فضای غیر واقعی امکان این ارتباطات نیست. فضای مجازی به دلیل ذات و خاصیت‌هایش، برخورد دیجیتالی را در شخص تقویت می‌کند و نیز به تدریج حیا و وقار و حرمت‌گذاری به اشخاص را نیز کاهش می‌دهد. افراد ناخواسته پس از خروج از فضای مجازی، شیوه سخن گفتن و ابراز محبتشان کپی یافته از ادبیاتی می‌شود که در فضای مجازی حاکم بوده است. (رهبر بیم موج، ۱۳۹۸، ص ۴۷)

بیم موج، ۱۳۹۸، ص ۴۳) در دعای ندبه می‌خوانیم: «مَتَّی تَزَانَا وَ تَرَاک؛ کی می‌شود که تو ما را ببینی و ما هم تو را ببینیم؟». یعنی دیدار حضوری که دو طرف چشم در چشم همدیگر را ببینند با اینکه حضرت ولیعصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ما را می‌بینند فرق می‌کند. وقتی ایشان را زیارت کنیم تبادل داده‌ها و برقراری ارتباط‌های مجازی با دیگران میل به ارتباط را در ما اشباع می‌کند، بدون اینکه روح ما انرژی لازم خود را جذب کرده باشد. (رهبر، همان، ص ۴۴)

شکی نیست، جامعه مجازی روابط انسانی را آسان‌تر کرده است و همان آسودگی و رفاهی که برای مثال وسیله‌ای مانند تلفن برای آدمی فراهم آورده، در ابعادی وسیع‌تر، با فناوری‌های رایج امروزی ایجاد شده است؛ اما چنین تسهیل‌گری‌ای به تنهایی، امری پسندیده نیست؛ چرا که خود موجب تداخلات وسیعی در روابط انسانی شده و شیوه‌های بروز آن را تغییر داده است. (مهدی پور، ما و مسائل فضای مجازی، ۱۳۹۷، ص ۷۵)

گاه دیده شده همسران به جای استفاده از کلام محبت آمیز حضوری، آن را در قالب پیامک یا چت پیاده می‌کنند که قطعاً آن اثر محبت بار گفتن حضوری را ندارد. وقتی با فردی چت می‌کنید نخست فکر می‌کنید جایگزین دیدار حضوری می‌شود، اما بعد از قطع تماس می‌بینید که انرژی لازم جذب روح شما نشده است. تبادل داده‌ها و جویا شدن از وضعیت طرف مقابل که محبوب نیز هست یک موضوع است و دلجویی و چشم در چشم نگاه کردن، موضوع دیگر و اینکه به جای صحبت کردن با یکدیگر به تبادل پیام‌ها می‌پردازند، در حالی که نادرستی آن با نگاهی ساده اما منصفانه مشهود است. امروزه اینترنت در زندگی اجتماعی جای همسران را گرفته و به ویژه جایگزین روابط عاطفی آنان شده است؛ از آنجا که فردگرایی را در ذات تمامی پدیده‌های نو ظهور مشاهده می‌نماییم؛ لذا همسران دچار یک دو قطبی در فردگرایی و جمع گرایی می‌شوند. کاربرانی که ساعت‌ها وقت خود را در سایت‌های اینترنتی



خداوند در قرآن کریم این‌گونه فرمودند: «خَلَقَ
الْإِنْسَانَ عِلْمَهُ الْبَيَانُ؛ خداوند انسان را آفرید و
سخن گفتن را بدو آموخت». (الرحمن؛ ۳ و ۴) در
اینجا، همسان با خلقت انسان، بیان به عنوان
قدرت نهایی در خلقت ذکر شده است؛ پس از
خلق انسان، از بین شگفتی‌های آدمی و نیز انواع
توانایی‌های نهفته در وجود وی، بلافاصله سخن
از بیان به میان آمده است و این‌گونه است که
خلقت به خاطر بیان انجام گرفته است. (حیدری
نراقی، رساله حقوق، ۱۳۸۸، ص ۵۵) می‌توان گفت
برای موفقیت در زندگی زنشویی نیاز به ارتباط
است و با ارتباط حتی می‌توان اختلافات را حل و
فصل کرد و به صمیمیت رسید. راه‌های فراوانی
برای برقراری ارتباط وجود دارد که می‌توان به ارتباط
رفتاری، فیزیکی و احساسی اشاره کرد. سریع‌ترین
و بارزترین راه ارتباط، صحبت کردن و گفت‌وگو و
بیان است؛ چرا که با گفت‌وگو زوجین می‌توانند
بفهمند هر کدام از آن دو چه شخصیتی دارند و از
یکدیگر چه می‌خواهند. با حرف زدن زن و شوهر
از دنیای درون یکدیگر مطلع می‌شوند و بسیاری
از موانع و فاصله‌ها را با آن می‌توانند پشت
سر بگذارند. زوج‌هایی که راحت درباره افکار و
احساسات شان حرف می‌زنند، بیشتر به یکدیگر
احساس نزدیکی می‌کنند؛ در نتیجه، برای رابطه
شان ارزش زیادی قائل خواهند شد. پس می‌توان
نتیجه گرفت در جایی که مهارت‌های ارتباطی
وجود ندارد، عشق میان همسران به مقدار زیادی
کاهش می‌یابد. (سجادی جزی و دیگران، شور
زندگی، ۱۴۰۰، ص ۱۱۱) گاهی حتی گفت‌وگوی صریح
و صمیمانه راه ساده‌ای برای پیشگیری از خیانت
محسوب می‌شود؛ به این شکل که صحبت
کردن صمیمی و بی‌پرده با همسر در مورد رابطه
زنشویی با دیدگاهی عادی و طبیعی، در حالی
که آگاهی از ایرادات و اشکالات احتمالی آن را
بررسی می‌نمایند و در نتیجه از مشکل احتمالی
در این زمینه جلوگیری می‌شود تا مبادا مشکل
احتمالی سبب رفتارهای موزیانه و پنهان کاری
شود و خیانت را به وجود می‌آورد. (سجادی جزی
و دیگران، همان، ص ۵۸) مقام معظم رهبری در

این زمینه به زوج‌های جوان توصیه فرمودند:
هم در دوران جوانی و هم در میانسالی و پیری
به همسران وفادار باشید. اگر زن احساس کند
شوهرش به او وفادار است و شوهر احساس کند
زنش به او وفا دار است، این خود به وجود آورنده
محبت است. محبت که به وجود آمد آن وقت
خانواده پایدار خواهد شد. یک بنای مستحکم
و پایدار سال‌های متمادی ادامه پیدا می‌کند؛
اگر زن یا شوهر احساس کند که دل همسرش
جای دیگری است یا احساس بی‌صدافتی کند
محبتش روز به روز ضعیف‌تر خواهد شد. (علی
اکبری، مطلع عشق، ۱۳۸۷، ص ۷۱ و ۷۰)
در ارتباط عاطفی میان همسران نباید از قدرت
زبان و بیان افراد غافل شد؛ چرا که آنچه به
واسطه بیان و گفت‌وگو و حتی زبان بدن، در پی
روابط زوجین منتقل می‌شود، از طریق هیچ
فضای دیگری امکان پذیر نمی‌باشد؛ اگر هر یک
از زوجین و یا هر دوی آن‌ها با انجام هرگونه روابط
ماشینی، حتی به‌طور غیر ارادی متأثر از ارتباط
مجازی و پیاده کردن آن در زندگی حقیقی خود
ضربه جبران ناپذیری بر روابط عاطفی حقیقی افراد
خانواده خواهند گذاشت. باید بگوییم نوع ارتباط
عاطفی زوجین مهم است که چطور ویژگی داشته
باشد. یک نمونه از این روابط به وقت گفت‌وگو
زوجین است که تمام توجه شان متمرکز بر ارتباط
باشد، نه اینکه شخص گویی موبایل در دست
یا بعضاً با کنترل تلویزیون در حال پرسه زنی در
شبکه‌ها باشد و یا مشغول کار دیگر مثل غذا
یا بچه‌ها باشند که دراین صورت، دیگر آن تاثیر
لازم و مورد انتظار را نخواهد داشت. حال آنکه
این قضیه در مورد خانم‌ها وقتی که پای صحبت
شان می‌نشینیم و صحبت روابط عاطفی آن‌ها به
میان می‌آید، شدیدتر خواهد بود؛ چرا که بعضاً از
ایشان شنیده‌ایم زمانی که همسرانشان به خانه
می‌آیند دائماً سرگرم در فضای مجازی هستند
و به خانم خود توجهی ندارند و باعث ناراحتی و
دلخوری خواهد شد که آن گلایه و شکایت‌ها هم
به دلیل بی‌توجهی و نبود ارتباط عاطفی و عدم
انجام تکالیفی است که به‌عنوان یک همسر



فرد از عزیزان تو بیمار است تا شاید لحظه‌هایی از فضای مجازی فاصله بگیرد و برای دیدارش اندک وقتی را اختصاص دهد. (رهبر، بیم موج، ۱۳۹۸، ص ۴۲) در روایتی معروف از پیامبر اعظم حضرت محمد صلی الله علیه و آله است که می‌فرماید: «جُلُوشُ الْمَرْءِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا؛ نشستن مرد نزد زن و فرزندش، نزد خدای متعال محبوبتر است از اعتکاف او در این مسجد من». (تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۲) «إِنَّ الرَّجُلَ لَيُؤْجِزُ فِي رَفْعِ اللَّقْمَةِ إِلَى فِي أَمْرَاتِهِ؛ کسی که به طرف دهان همسرش لقمه‌ای بالا برد پاداش برد». (بحار الانوار، جلد ۱۰۴، صفحه ۱۳۲)

نبود همزیستی مسالمت آمیز، تسریع کاربران با فضای مجازی و افزایش ضریب نفوذ گسترده فضای مجازی را می‌توان نشانه‌ای از تساهل‌گری خوی جمعی در برابر این مجموعه امکانات ارتباطی تلقی کرد یا انفعال آن؛ اما هر کدام که باشد نقطه اصلی تقاطع در ارزش‌های فرهنگ واقعی است که در فضای مجازی به چالش کشیده شده‌اند. (مهدی پور، ما و مسایل فضای مجازی، ۱۳۹۶، ص ۶۹)

آنچه که انسان برای توجّه به رسالت‌های انسان ساز نیازمندش است، توجه به ارزش‌های فرهنگی و دینی و اخلاقی است و آن حاصل نخواهد شد مگر، شخص در محیطی سیر و فعالیت کند که با ارزش‌های دست یافته وی تعارض نداشته باشد؛ حال آنکه فضای مجازی بنا بر ویژگی‌ای که دارد، کاربران خود را دچار تعارض در ارزش‌ها می‌کند. فردی که تا دیروز از نشستن در جوار همسرش لذت می‌برده و آن را برتر از اعتکاف می‌دانسته چه می‌شود که فضای مذکور را بر این فضیلت ترجیح می‌دهد؟! تجربه‌ای که به سادگی از افراد گوناگون می‌توان بدست آورد، این است که خاصیت پرداختن به فضای مجازی به گونه‌ای عاشقانه و زیاد از حد و پیگیر که به شیوه ماشینی نزدیک است، اجازه ارتباطات عاطفی دیگر مانند ارتباط صمیمانه با همسر و مطابق با ارزش‌های فرهنگی واقعی را به چنین افرادی نمی‌دهد. با غوطه ور

در قبال یکدیگر دارند، بروز می‌نماید. بنابراین، می‌توان گفت که فضای مجازی، با حاکم کردن روابط ماشینی میان زوجین، می‌تواند در روابط عاطفی آنان نیز خدشه ایجاد کند.

۳-۱- تعارض ارزش‌ها و غفلت از رسالت‌های انسان ساز

از چالش دیگری که در کنار سایر موارد می‌توان به آن اشاره کرد، تعارض ارزش‌ها به وسیله غفلت از رسالت‌های انسان ساز است. فضای مجازی زندگی روزمره کاربران و ارزش‌های اخلاقی افراد را در

درون خود باز تولید می‌کند و در بستر فرهنگ و ابزارهای مختلف، تابع تحولات گوناگونی شده و از این رو در

تجربه‌های بدست آمده ثابت کرده است، انس گیرندگان با فضای مجازی خواسته یا ناخواسته از برخی تکالیف انسان ساز و زندگی آفرین غافل می‌شوند.

دوره معاصر نیز با ظهور فضای مجازی و پیشرفت آن، تغییرات بنیادینی در فضای زندگی آنان به وجود آمده و نظام ارزشی و اخلاقی کاربران متأثر از پیوند دو جهان واقعی و فضای مجازی قرار گرفته است. (عاملی، خانواده و فضای مجازی، ۱۳۹۶، ص ۲۷۷)

رسالت‌هایی که به زندگی معنوی و مادی نشاط می‌دهند و باعث ترویج روابط عاطفی می‌شوند، همان وظایفی هستند که در دین به صورت بایدها و نبایدها آمده است. عمل به همه آن‌ها انسان جامع و کاملی را می‌سازد که سراسر زندگی‌اش بهره‌دهی و نوربخشی به خانواده و جامعه و نسل حاضر و حتی نسل آینده است. امام سجاد علیه السلام نیز در رساله حقوقشان به این تکالیف به طور جامع پرداخته‌اند. (حیدری نراقی، شرح رساله حقوق امام سجاد علیه السلام، ۱۳۸۸، ص ۲۶۹)

تجربه‌های بدست آمده ثابت کرده است، انس گیرندگان با فضای مجازی خواسته یا ناخواسته از برخی تکالیف انسان ساز و زندگی آفرین غافل می‌شوند؛ مثلاً پس از اینکه به تدریج با یکدیگر بیگانه می‌شوند، چه بسا کمتر به سراغ یکدیگر می‌روند، حتی گاه باید به آن‌ها هشدار داد که فلان



شدن در دنیای پر نقش و نگار فضای مجازی نمی‌توان به ارزش‌های واقعی و رسالت‌های انسان ساز دست یافت و کاربران گرفتار تعارض در ارزش‌ها می‌شوند.

❖ ۴-۱- گرایش به لغویات

یکی دیگر از چالش‌هایی که در کنار فضای مجازی باعث می‌شود روابط عاطفی همسران دستخوش تغییر شود، لغو گرایی است. وجود خلقت و آفرینش نظام هستی، دال بر این است که خداوند به‌طور باطل دست به خلقت نزده است، بلکه از هر عمل و خلقتی هدفی داشته است. اعمال انسان نیز از این قاعده مستثنی نیست و در سوره مومنون نیز به یکی از ویژگی‌های مومنان که روی گردانی از لغو می‌باشد اشاره شده است: «وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ؛ آنان (اهل ایمان) که از لغو سخن باطل اعراض و احتراز می‌کنند». (مومنون؛ ۳) از آنجا که لغو به تمام فعالیت‌های انسان راه می‌یابد از جمله سخن گفتن، فکر کردن، نگرستن، شنیدن. یکی از مصداق‌های لغو، در فضای مجازی حاصل می‌شود؛ اغلب فضای مجازی وب گردی به ولگردی تبدیل می‌شود و اندک اندک افرادی که با هدف‌های ارزشمند و عقلایی به سایت‌های گوناگون وارد شده‌اند، بعضاً آن‌ها را به هر کجا دلخواهشان است می‌کشانند و جهت می‌دهند. به تعبیر امام علی علیه السلام می‌فرمایند: «نباید ریسمان ضلالت را به گردن اندازیم و بی‌هدف اینجا و آنجا کشانده شویم». (دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۸، نامه ۴۵، ص ۳۹۵) خداوند نیز در سوره شمس یازده سوگند یاد فرموده است که قسم دهم به نفس است: «وَنَفْسٍ وَ مَا سَوَّاهَا؛ و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را آفریده و منظم ساخته». (شمس؛ ۷) نوعاً به حقایق ارزشمند سوگند یاد می‌شود و نفس حقیقتی ارزشمند است؛ چرا که بعد از سوگندهای متعدد به خورشید و ماه و زمین و آسمان آمده است. شاید خداوند با ظرافت می‌خواهد بفرماید که انسان گل سرسبد موجودات عالم، مانند خورشید و ماه و زمین و آسمان است. (رهبر، بیم موج؛ ۱۳۹۸، ص ۱۱۲)؛ **علی علیه السلام می‌فرمایند:**

من برای این آفریده نشدم که خوردن پاکی‌ها مشغولم کند چنان حیوان در آغل بسته‌ای که هم و غمش علف خوردن است یا چنان حیوان رهایی که چریدن و خوردن از سرنوشتش بی‌اطلاع است.

(دشتی، نهج البلاغه، ۱۳۸۸، نامه ۴۵، ص ۳۹۵)
هر زمان که خواسته‌های جسمانی بر خواسته‌های ماورائی غالب شوند، آدمی دچار لهو و لغو می‌شود. فضای مجازی نیز با دارا بودن جاذبه‌هایی که خواست جسمانی است، غفلت و لغو را در کاربران تقویت می‌کند و باعث دوری از خواسته‌های ماورایی می‌شود؛ همان گونه که در آیات شریفه قرآن کریم آمده است که: «وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ؛ و او به پستی گرائید». (اعراف؛ ۱۷۶) اشاره به ماجرای بلعم باعورا دارد. بعد از اینکه از موسی جدا شد و هوای نفس به سراغش آمد، شیطان او را طعمه مناسبی یافت. پس غفلت گرایی و گرایش به لغو باعث خواهد شد امکان غفلت زدگی از ارتباط عاطفی نیز افزایش بیابد.

❖ ۲-۲- چالش‌های بافتی

❖ ۲-۱- طلاق عاطفی

یکی از آسیب‌های دیگر که متأثر از فضای مجازی بر روابط عاطفی همسران است، طلاق عاطفی است که با تشکیل خانواده مجازی به وقوع می‌پیوندد. خانواده و فضای مجازی نسبتی گنگ و گیج کننده دارند؛ زیرا از یک سو، همه کاربران دارای شخصیتی خانوادگی هستند و از سوی دیگر به خانواده‌هایی جدید در فضای مجازی می‌پیوندند. برخی تحلیل‌گران رویکردهایی همچون تشکیل خانواده مجازی (رایانه والد، کاربر والد و...) را پیش کشیده‌اند با وجودی که شکل‌های اغراق آمیزی از به هم ریختن کانون خانواده است؛ اما جوهی از این‌گونه بحران‌ها را نشان می‌دهد. (مهدی پور، ما و مسائل فضای مجازی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۳) در پژوهشی که بر روی دانشجویان دانشگاه‌های شیراز انجام شده است، نشان داده است که فضای مجازی برای مقابله با احساس تنهایی خانوادگی و پر کردن خلا عاطفی ناشی از آن



پیوندی ناگسستنی میان آن دو شکل می‌گیرد و زندگی‌شان آکنده از شور و عشق می‌شود. از دید آن‌ها محبت و ابراز عشق اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عامل در ارتباط همسرات است. (سجادی جزئی و دیگران، شور زندگی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۱۵).

خانواده منبعی موثر در ادراک حمایت اجتماعی از فرد است که چنانچه این نقش را به درستی و آن‌گونه که شایسته و بایسته است ایفا نکند، فرد به دنبال جایگزینی دیگر در این زمینه خواهد رفت و به محیط‌های فضای سایبری یا همان فضای مجازی پناهنده می‌شود. روابط عاطفی و عشق میان همسران شبیه یک باغ است و برای سرسبزی و خرمی همواره باید آبیاری شود. آن‌ها باید به دنبال راه‌هایی برای آبیاری درخت زندگی از چشمه محبت باشند، برای هم وقت بگذارند و از خاطرات شیرین گذشته یاد کنند، تفریحات مشترک داشته باشند و برای این کار لازم است به حد نیاز خانواده و در حد تعادل، وقت شیرین خود را صرف فضای مجازی نمایند. رکن حیات خانوادگی احساسات و عواطف زوجین نسبت به یکدیگر است. این عواطف است که باعث می‌شود هم زندگی زن و هم زندگی فرزندان صفا و جلا و خرمی بگیرد و این ارتباط، ارتباطی دو سویه تلقی می‌شود؛ یعنی استفاده بیش از حد فضای مجازی باعث طلاق عاطفی و برعکس طلاق عاطفی نیز باعث رجوع بیش از حد به فضای مجازی است.

۲-۲- خیانت

یکی از موارد مهم و چالش‌های دیگر در این زمینه این است که زن انتظار دارد مردش به او ابراز محبت کند و مرد هم دوست دارد محبوب همسرش باشد. برخی از خانم‌ها متوجه این نکته مهم نیستند که مهریانی و محبت به همسرشان باید با واکنش‌های مورد انتظار، تأیید و تثبیت شود. مرد با رفتارهای محبت آمیز زن می‌فهمد که همسرش او را دوست دارد هر سختی را به جان می‌خرد و برای تأمین رفاه و نیز برقراری ارتباط

است و نمی‌تواند احساس تنهایی فرد را پاسخ گو باشد. حاصل این‌گونه چالش‌ها فرد را به گونه‌ای به تشکیل خانواده مجازی سوق می‌دهد؛ همان‌طور که امروزه با گسترش کاربرد تلفن‌های همراه و تبلت‌ها، صورت‌هایی از آن مشهود است و افراد خانواده در عین حالی که در چارچوب خانه حاضرند، در فضای خانواده مجازی شان نفس می‌کشند و چشم‌هایشان به جای خانواده حقیقی، سرگرم آن وسایل سرگرمی فردی و مجازی خویش است. به جای استفاده از کلمات محبت آمیز و ابراز علاقه به همسر خود، آن‌ها را خرج فضای مجازی می‌کنند و غافلند از اینکه در روایات و دین ما چه بسیار سفارش شده که برای حفظ خانواده از گفتن و ابراز علاقه خود به همسرمان خودداری نکنید. در این باب امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: هر بار کسی را دوست داشتی، او را به آن آگاه ساز؛ زیرا این کار دوستی را در میان شما استوارتر می‌سازد. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۵۴)

اساس مکانیسم طبیعی ازدواج که قوانین اسلام بر اساس آن‌ها تعیین شده است، بر اصل محبوبیت زن است و اگر زنی از این مقام سقوط کند و شعله محبت و عاطفه مرد نسبت به وی خاموش شود، پایه و رکن خانواده خراب می‌شود. (مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، ۱۳۸۸، ص ۲۴۷) ارتباط عاطفی و محبت عاملی دوجانبه است. زن و مرد هر دو موظفند آن را به یکدیگر ابراز کنند. از آنجایی که زن عاطفی‌تر و لطیف‌تر از مرد است، از این رو نیاز زن به محبت و مهریانی بیشتر از مرد است. اینکه شکایت خانم‌ها از بی عاطفه بودن همسرانشان بیشتر از آقایان است، حاکی از این امر می‌باشد. اگر مردی

در محبت ورزیدن به همسرش کوتاهی کند، زن با او احساس بیگانگی می‌کند؛ اما اگر مرد محبتش را صادقانه ابراز کند





عاطفی زن از هیچ کوششی دریغ نمی‌کند؛ اما وقتی زن، دائماً غرق در فضای مجازی است و به این مسئله توجه ندارد و البته که زمانی هم برای این کار نخواهد داشت؛ لذا مرد احساس می‌کند محبوب همسرش نیست. به زندگی و کار بی‌علاقه می‌شود. گاهی هم به انحرافات اخلاقی گرفتار می‌شود؛ چنین افرادی پیش خود فکر می‌کنند حال که کسی به من توجهی ندارد، بنابراین بهتر است به فکر خودم باشم. (اسماعیل بگی؛ غلامرضائی، معجزه صمیمیت، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۹۲)

این بی‌مهری از طرف همسر ممکن است به خیانت از طرف شوهر منجر شود؛ هرچند این توجیه مورد قبول برای خیانت مرد نمی‌باشد. به عقیده یکی از روانشناسان غربی به نام ویلیام گلاسر مهم‌ترین انگیزه زن و مرد متاهلی که به سمت روابط نامشروع کشیده می‌شوند، تجربه دوباره صمیمیت است. چیزی که آن را در زندگی مشترکشان نمی‌یابند؛ بنابراین، نداشتن رابطه گرم و صمیمانه با همسر و رفع نشدن نیازهای عاطفی، یکی از عوامل اصلی خیانت در روابط زن و شوهر است. زمانی که روابط زناشویی خوبی میان زوجین برقرار نباشد، این احتمال وجود دارد که شخص به همسر خود خیانت کند؛ از سوی دیگر، احتمال خیانت در مردان و زنانی که محبت کافی از همسر خود دریافت می‌کنند و روابط زناشویی خوبی دارند بسیار کم است. (سجادی جزی و دیگران، شور زندگی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۴۹ و ۵۰)

مهم‌ترین عاملی که زمینه خیانت زناشویی را فراهم می‌آورد، نارضایتی زناشویی است. یکی از نیازهای اساسی انسان که باید در قانون خانواده برآورده شود، ارضای عاطفی است و نادیده گرفتن آن می‌تواند فرد را به سوی ابراز علاقه به دیگران متمایل سازد. (پسندیده، رضایت زناشویی، ۱۴۰۱، ص ۱۸۶ و ۱۸۷)

امام علی علیه السلام دلیل انحراف جنسی و خیانت زناشویی برخی امت‌ها را عدم رعایت این امر مهم از سوی مردان می‌دانند و می‌فرمایند: «أَنَّ نِسَاءَ بَنِي إِسْرَائِيلَ خَرَجْنَ مِنَ الْعَفَافِ إِلَى الْفُجُورِ؛ مَا أَخْرَجَهُنَّ إِلَّا قِلَّةُ تَهْنِئَةٍ أَوْ أَجِئَهُنَّ.... إِنَّهَا تَشْتَهِي مِنْكَ مِثْلَ الَّذِي تَشْتَهِي

منها؛ زنان بنی اسرائیل از پاکی و خویش‌تنداری، به ناپاکی در آمدند و چیزی جز کاستی همسرانشان در آمادگی (زناشویی)، آنان را به این کار واداشت....، زن از تو همان چیزی را می‌خواهد که تو از او می‌خواهی.» (مجلسی، بحار الانوار، ۱۳۶۶، ج ۷۶، ص ۱۰۲)

به علاوه، وقتی مرد یا زن با غرق شدن در فضای سایبری از انجام وظایفشان کوتاهی می‌کنند یا از انجام کار منزل و تربیت و نگهداری فرزندان خودداری می‌نمایند، فشار کاری مضاعف بر دوش همسر دیگر قرار می‌گیرد و یکی از آن دو به تنهایی بار زندگی مشترک را به دوش می‌کشد و همین فشارها و مسئولیت‌ها باعث می‌شود فرد کمتر به تفریح بپردازد و بیشتر کار کند و از این بابت عذاب می‌کشد و در این وضعیت ممکن است برای رهایی از فشار کاری بیش از حد و نیز ناخرسندی از زندگی برای گنجاندن تفریح و شادی در زندگی شان مرتکب خیانت شوند. خیانتی که در فضای مجازی ممکن است به صورت خیانت چشمی، شنیداری، لمسی، زبانی و جنسی و یا حتی فکری، در مواقعی که زن و شوهر در کنار هم هستند بروز پیدا کند. عامل اصلی این خیانت عدم کنترل چشم در فضای مجازی و نگاه آلوده به نامحرم است. پرهیز از نگاه نامحرم از دستورات صریح قرآن است: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا؛ مردان مومن را بگو تا چشم‌ها بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند که این بر پاکیزگی اصلح است و البته خدا به هر چه کنید آگاه است و زنان مومن را بگو تا چشم‌ها بپوشند و فروج و اندامشان را محفوظ دارند و زینت و آرایش خود را جز آنچه قهراً ظاهر می‌شود بر بیگانه آشکار نسازند». (نور؛ ۳۱ و ۳۰) از آنجا که چشم دروازه دل و روح است و هرچه دیده ببیند دل از آن یاد می‌کند، آنچه از این دریچه وارد وجود شخص می‌شود یا او را به سرمنزل سعادت می‌برد یا به سقوط و ذلت می‌کشاند. نگاه به نامحرم که حاصل فضای ولنگار مجازی است، زمینه فساد



فتنه هاست». (ری شهری، میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۲۸) از رسول اکرم صلوات الله علیه و آله است که فرمودند: **«إِيَّاكُمْ وَفُضُولَ النَّظَرِ فَإِنَّهُ يَبْذُرُ الْهَوَىٰ وَ يُولِدُ الْغَفْلَةَ»**؛ از نگاه کردن زیادی بپرهیزید که بذر هواهای نفسانی را می افشاند و غفلت تولید می کند». (محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج ۱۲، ص ۲۳۲) همچنین ایشان فرموده اند: نگاه اول نگاه اشتباه غیر عمدی است، نظر دوم عمد است و نظر سوم تو را هلاک می کند. (محمدی ری شهری، همان) امام صادق علیه السلام به عبدالله بن جندب توصیه هایی کردند از جمله: ای پسر جندب، از نگاه کردن (به هر منظره ای) بپرهیزید که شهوت را در قلب می کارد و برای در فتنه گناه افتادن صاحبش همین بس... (محمدی ری شهری، همان) امام علی علیه السلام می فرمایند: **«الْحَفْظُ رَأْيُ الْفِتَنِ»**؛ **نگاه حرام پیشاهنگ فتنه هاست**». (تمیمی آمدی، غررالحکم و، ج ۱، ص ۵۶) خطر کردن های عادی، مثل دست زدن به سیم عریان و متصل به برق، با خطر کردن های معنوی متفاوت است و چون گناهان برای نفس جاذبه دارند و دل کندن از آنها و ترکشان مقدمه می خواهد، لذا ترک نگاه حرام مقدمه ترک بسیاری از گناهان است؛ از این جهت تفاوتی نیست میان نگاه کردن به زنی که آرایش کرده در کوچه و خیابان است و نگاه کردن به تصویر چنین زنی در موبایل و کامپیوتر و؛ در حقیقت هر دو نگاه حرام است. با نظاره چنین مطالب و منظره های نا مناسبی به تدریج روح معنویت و زلالی و صفای فطری انسان نابود می شود و به تباهی می رود. (رهبر، بیم موج، ۱۳۹۸، ص ۲۸) در کنار این گونه چالش ها، به تدریج روح معنویت و زلالی و صفای فطری انسان نابود می شود و کاربران به فساد کشانده می شوند و شخص برای جبران کمبودهای عاطفی خویش در زندگی مشترک یا به تلافی خیانت همسر اقدام به خیانت می کند. بنابراین، می توان گفت که بین فضای مجازی و خیانت و ارتباط عاطفی همسران، ارتباط تنگاتنگ و دوسویه وجود دارد و خیانت به نوعی متأثر از

و خیانت را فراهم می کند. مقام معظم رهبری در توصیه به زوج های جوان فرمودند: اینکه اسلام آنقدر گفته چشمتان را ببندید، به نامحرم نگاه نکنید، برای این است که وقتی چشم به یک طرفی رفت، آن وقت بخشی از سهم آن کسی که همسر شماست آن طرف خواهد رفت. حالا شما چه مرد باشید و چه زن فرقی نمی کند. وقتی اینجا کم گذاشتی، محبت ضعیف خواهد شد. محبت که ضعیف شد، بنای خانواده متزلزل می شود. (حاج علی اکبری، مطلع عشق، ۱۳۸۷، ص ۱۰۹) همسران در صورت کنترل نکردن چشم در فضای مجازی از ارتکاب گناه مصون نیستند، نگاه عمیق و پی در پی و برانداز کردن همه جزئیات چهره و مو و اندام نامحرم را که گاه مردان یا زنان، پس از برخورد با همسر خود برای وی بازگو می کنند، خطر آن سوزنده تر از اسید است؛ چرا که اثری منفی بر ارتباط عاطفی و تفاهم و معنویت آن دو دارد و متأسفانه این بستر در فضای مجازی بسیار زیاد فراهم است. ظاهراً این گناه در خلوت روی می دهد در حالی که شیطان نفر سومی است که به این جمع بیننده منظره می پیوندد. علاوه بر این، از نظر دانشمندان و نیز بر اساس تجربه دو تصویر است که اغلب همراه بشرمی ماند و به راحتی از بین نمی رود؛ یکی تصویر نفس یا بُعد معنوی آدمی که بسیار دوستش دارد و دوم، تصویر آنچه انسان به شدت از آن گریزان و متنفر است. به این دلیل باید دوری کرد از این گونه تصاویری که در فضای مجازی فراوانند؛ چرا که دقتی منظره ای می بینی که برای نفس من بسیار جاذبه دارد، هیچگاه نمی توانیم آن را معدوم کنیم و خود باعث می شود ما را در برابر ارتباط گیری با همسر خود دائم دچار مقایسه و دلسردی کند. (رهبر، بیم موج، ۱۳۹۸، ص ۸۰ و ۸۱).

روایات بیشماری که در ذیل اشاره خواهد شد به دلیل تاثیر پذیری مثبت و منفی روح از دریافت های حسی، مخصوصاً دیداری و شنیداری است؛ **از جمله امام علی علیه السلام می فرمایند: «الْعَيْنُ رَأْيُ الْفِتَنِ»**؛ چشم، پیشرو

عدم استفاده صحیح از این فضا حاصل می‌شود.

نتیجه گیری

چالش‌های فضای مجازی علاوه بر اینکه در رابطه عاطفی همسران تاثیر دارد، باعث می‌شود ارتباطات اعضای خانواده اعم از ارتباط همسران با یکدیگر، والدین با فرزندان و نیز فرزندان با یکدیگر، دستخوش آسیب شود. با توجه به آنکه تامین نیازهای عاطفی و روانی نقشی امکان ناپذیر در بقای نظام خانواده دارد، در تعلیم اسلامی توصیه‌های فراوانی برای تقویت محبت در میان اعضای خانواده شده است تا جایی که رضایت الهی حاصل شود. آسیب ارتباط همسران باعث می‌شود که آن‌گونه روابط صحیحی که انتظار تعلیم اسلامی از همسران است صورت نپذیرد و خانواده به تبع استفاده غیر اصولی و غیر اخلاقی ایشان از فضای مجازی که به دلیل عدم آموزش و یادگیری حاصل شده است، تحت تاثیر قرار گیرند و دچار آسیب‌های جبران ناپذیر شوند. زوج کاربر بودن همسران، در رابطه دو طرفه‌ای که میان ارتباط عاطفی و شیوه استفاده از فضای مجازی و بالعکس آن، تاثیر زیادی خواهد داشت. به این معنی که همسران اینترنت و فضای مجازی را برای جبران خلا عاطفی خود انتخاب می‌کنند یا به تبع استفاده غیر اصولی و بیش از اندازه فضای مجازی دچار نقص در روابط عاطفی می‌گردند؛ در عین حال، به چالش‌هایی از قبیل انزوای عاطفی، حاکم شدن روابط ماشینی، تغییر ارزش‌ها با بی توجهی به رسالت‌های انسان ساز، لغوگرایی، طلاق عاطفی و خیانت، دچار خواهند شد. با این‌گونه آسیب‌ها استحکام روابط عاطفی و محبت بین زن و شوهر دستخوش تغییر می‌شود. سلامت فردی و همچنین دیگر روابط میان آن دو در زندگی مشترک نیز صدمه می‌بیند؛ در نتیجه، تأثیر هیچ عاملی به ویژه فضای مجازی را نباید دست کم تلقی کرد. زمان و وقتی را همسران باید منحصراً اختصاص دهند به پاسخ به این نیاز اساسی که روابط عاطفی است تا به ارتباطات موثر در روابط عاطفی مطلوب برسند؛ بدون صرف آن زمان برای کار دیگر. در این صورت خانواده و جامعه‌ای سالم

خواهیم داشت. همچنین پیشنهاد می‌شود که محققین دیگر، بر آثار نبود روابط عاطفی در سوق دادن فرد به سوی فضای مجازی کار کنند.

منابع

۱. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، دشتی، محمد، چاپ ۱۰، تهران، پیام عدالت، ۱۳۸۸ ش.
۲. امام سجاد علیه السلام، رساله حقوق، حیدری نراقی، علی محمد، چاپ ۱۳، قم، مهدی نراقی، ۱۳۸۸ ش.
۳. شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان. الهی قمشه‌ای، چاپ ۱، قم، آئین دانش، ۱۳۸۴ ش.
۴. اسماعیل بگی، زهره- غلامرضائی، حمیدرضا، معجزه صمیمیت، جلد ۲، چاپ ۱۳، تهران، نسل نواندیش، ۱۳۹۱ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، جلد ۱، چاپ ۲، قم، دار الکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶. پسندیده، عباس، رضایت زناشویی، چاپ ۱۳، قم، دار الحديث، ۱۴۰۱ ش.
۷. حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، نام مترجم صحت، علی، جلد ۱، چاپ اول، تهران، ناس، ۱۳۶۴ ش.
۸. حاج علی اکبری، محمد جواد، مطلع عشق (گزیده‌ای از رهنمودهای حضرت آیت الله سید علی خامنه‌ای به زوجهای جوان)، چاپ ۱۷، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۹. رهبر، علی، بیم موج، چاپ ۴، اصفهان، نشر مهرستان، ۱۳۹۸ ش.
۱۰. سجادی جزئی، احمد و دیگران، شورزندگی؛ سلامت عاطفی خانواده، جلد ۲، چاپ ۵، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای حوزه علمیه اصفهان، ۱۴۰۰ ش.
۱۱. شاملی، علی اکبر، «آسیب‌های فردی فضای مجازی از منظر اخلاق اسلامی، فصلنامه علمی - ترویجی درحوزه اخلاق»، شماره مجله ۲۵، ۱۳۹۶ ش.
۱۲. عاملی، سعیدرضا، خانواده مسلمان و فضای مجازی، تهران، فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۶ ش.
۱۳. علی اکبری، نگین؛ نصیری زرنندی، زینب، «مجله پیشرفت نوین در روانشناسی علوم تربیتی و آموزش و پرورش» شماره مجله ۱۶، ۱۳۹۸ ش.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، جلد ۱۰۴، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۶۶ ش.
۱۵. مطهری، مرتضی، نظام حقوقی زن در اسلام، چاپ ۵۲، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد مهدی، میزان الحکمه، جلد ۴، چاپ ۸، قم، دار الحديث، ۱۳۸۶ ش.
۱۷. مهدی پور، فرشاد، ما و مسائل فضای مجازی، چاپ ۲، تهران، سروش، ۱۳۹۷ ش.
۱۸. ورام ابن ابی فراس، مسعود ابن عیسی، تنبیه الخواطر، جلد ۲، قم، مکتبه فقیه، ۱۴۱۰ ق.



اهداف و بایسته‌های رفتار معتدلانه والدین در خانواده

سید جاسم پور محمدیان، فارغ التحصیل موسسه تخصصی تبلیغ (سطح ۴)

چکیده: اعتدال یکی از اصول بسیار مهم در تربیت فرزندان است. والدین برای حفظ سلامتی روح و روان فرزندان خویش، در اجرای شیوه‌های تربیتی باید رفتار معتدلانه و به دور از هرگونه افراط و تفریط داشته باشند. تعیین اهداف در تربیت فرزندان و مشخص کردن بایدهای رفتاری پدر و مادر در خانواده، باید بر مبنای قرآن و سنت پیامبر (ص) صورت پذیرد. والدین در خانواده اسلامی باید همت والایی در رعایت اعتدال داشته باشند، تا در این راستا به اهداف مقدس تربیتی-اخلاقی همچون: خودسازی، تعاملات اجتماعی معتدلانه، سازگاری در خانواده بر مبنای تفاوت‌های فردی و تحکیم خانواده نائل شوند. البته برای رسیدن به این اهداف عالیه باید به بایسته‌های تربیت فرزندان نیز توجه شود که عبارتند از: نرم خویی، عفو و گذشت، خردگرایی، تدریج و هماهنگی در رفتار والدین. بی‌شک افراد چنین خانواده‌ای در تعاملات اجتماعی سیره معتدلانه داشته و تحکیم بنیان خانواده را رقم خواهند زد. ضرورت تبیین چرایی رفتار معتدلانه والدین در خانواده و بحث از اهداف آن بدین جهت است که تربیت مسئله بسیار حساس و پیچیده‌ای است و تنها با ترسیم اهداف و بایسته‌های آن بر مبنای اعتدال به ثمره خواهد نشست. تحقیق پیش روی به روش کتابخانه‌ای در گردآوری داده‌ها همت گماشته و با دید توصیفی-تحلیلی به کاوش آن‌ها پرداخته است. نویسنده در پژوهش حاضر به دو سوال اساسی پاسخ داده است: ۱. هدف از رفتار معتدلانه والدین در تربیت فرزندان چیست؟ ۲. بایسته‌های رفتار معتدلانه والدین در تربیت فرزندان کدامند؟

کلیدواژگان: خانواده، رفتار والدین، اعتدال، خانواده متعادل، تربیت فرزندان / کلیدواژه: چالش، فضای مجازی، رابطه عاطفی همسران

۱) مقدمه

خانواده در اسلام از بنیان‌های مقدس به شمار آمده است. اساسی‌ترین رکن در نظام خانواده پدر و مادر است. بدون شک والدین بیشترین نقش را در تربیت فرزندان دارند. وجود اخلاق و معنویت در خانواده، هدف هر پدر و مادر مسلمانی است. برای رسیدن به این هدف مهم سه نهاد عهده‌دار آن هستند که عبارتند از: خانواده، مدرسه و جامعه. نخستین نهاد در اجتماع که شخص در آن پرورش فکری و اخلاقی پیدا می‌کند، نهاد خانواده است؛ از این رو، والدین باید با میانه‌روی به تربیت فرزندان پرداخته و فکر و رفتار آن‌ها را

شکل صحیح و اسلامی دهند. اگرچه در دنیای امروز ذائقه‌های مادی‌گرایانه تربیت فرزندان را دشوار کرده است، اما رسیدن به خانواده متعادل و اخلاقی در سایه دعوت‌های انبیاء و ائمه معصومین (علیهم السلام) شدنی است. یکی از علل انحراف فکری و اخلاقی فرزندان، به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی، عدم توجه والدین به اصول تربیتی فرزندان است. از اصول تربیتی که نقش ویژه‌ای در تصحیح افکار و تغییر رفتار دارد، می‌توان به «اصل اعتدال» اشاره کرد. بر اساس این اصل تربیتی، می‌توان به اهداف مقدسی که اسلام از تشکیل خانواده دانسته،

اطلاعات پرداخته و با دید توصیفی-تحلیلی آن‌ها را مورد مطالعه و کاوش قرار داده است.

۱-۳) پیشینه تحقیق

۱. مقاله «بررسی اعتدال و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری»، علی احمدپور، نشریه اخلاق، بهار ۱۳۹۹، سال دهم، شماره ۳۷، صص ۶۵ تا ۸۸. نظریه اعتدال از دیدگاه شهید مطهری (ره) در این مقاله مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است و آثار مهم اعتدال را در مواردی همچون: کمال، سعادت، هماهنگی در رشد ارزش‌ها و پیشرفت علمی و مادی احصاء کرده است. نویسنده موانع اعتدال را جمود، جهالت و هوی و هوس معرفی کرده است. ناگفته نماند که نظریه اعتدال از دیدگاه علمای دین (قدماء) نیز مورد تحلیل و کاوش نویسندگان معاصر قرار گرفته است.

۲. مقاله «نقش تربیتی اعتدال در قرآن و نهج البلاغه»، مریم شکریان، مجله قرآنی کوثر، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۳۳، صص ۵۵ تا ۶۴. بررسی واژه اعتدال از دیدگاه اخوان الصفا و جاحظ در ابتدای این مقاله آمده است و سپس نقش تربیتی اعتدال در قرآن و نهج البلاغه بیان شده است. نویسنده آیات مربوط به اعتدال را مورد مطالعه قرار داده است که عبارتند از: خوردن و خوابیدن، عبادت، دوستی و دشمنی، روابط اجتماعی و

۳. مقاله «خانواده متعادل و ویژگی‌های آن»، منصوره رحماندوست، مجله: پیوند، آذر ۱۳۸۸ - شماره ۳۶۲ (۴ صفحه - از ۸ تا ۱۱). بحث اعتدال را می‌توان از زاویه‌های متفاوتی مطالعه و تبیین کرد، مقاله اخیر در فوق، اعتدال را در مسائل خانواده مورد کاوش قرار داده است، که دائره مباحث آن به پژوهش حاضر نزدیک‌تر بوده، اما محور مقاله اخیر، ده ویژگی خانواده متعادل است و آنچه در پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته است، اهداف مهم و بایسته‌های اعتدال در تربیت فرزندان است. این دو بحث اساسی در تربیت فرزندان، کمتر مورد بحث واقع شده است.

نائل گشت. پدر و مادر باید به اصل اعتدال در تربیت توجه خاص داشته و در راستای اهداف ذکر شده به بایسته‌های تربیت فرزندان جامه‌ی عمل بپوشانند. بی‌شک تبعیت از دستورات الهی، سعادت افراد خانواده را به همراه خواهد داشت، بلکه پیشرفت و رشد جامعه نیز در گرو خانواده متعادل و اسلامی است.

تحقیق حاضر، برای پایدار کردن رفتارهای معتدلانه والدین در خانواده، مخاطبان را با اهداف عالیه در رعایت اعتدال آشنا کرده و بایسته‌های رفتار معتدلانه را نیز مورد کاوش قرار داده است. نویسنده در ابتدا به مفهوم‌شناسی «اعتدال» و معنای «اعتدال در تربیت» می‌پردازد. سپس اهداف و بایسته‌های رفتار معتدلانه والدین در خانواده را تحت این عناوین بررسی می‌کند: خودسازی، تعاملات اجتماعی معتدلانه، تحکیم بنیان خانواده، سازگاری در خانواده بر مبنای تفاوت‌های فردی، خردگرایی، ملایمت و نرم‌خویی و مدارا، عفو و گذشت، هماهنگی والدین در تربیت، رعایت اصل تدریج.

۱-۱) اهمیت و ضرورت بحث

خانواده کنونی در تربیت فرزندان خویش دچار سردرگمی‌های فراوانی شده است. والدین در دام تربیت سهل‌گیرانه یا سخت‌گیرانه افتاده‌اند و از اهداف و بایسته‌های رفتار معتدلانه در تربیت فرزندان فاصله گرفته‌اند. تعارض‌های فرهنگی، شبهات ذهنی و رفتارهای نامعتدلانه در جوامع انسانی، سبب پیچیدگی و انحطاط روابط اجتماعی و خانوادگی شده است. از این رو، پرداختن به اهداف و بایسته‌های رفتار معتدلانه در تربیت فرزندان ضرورتی غیر قابل انکار است. لازمه تصحیح افکار در مسائل تربیتی، ترسیم اهداف مقدس در آن زمینه است و برای تحقق تربیت مؤثر و کامل در عرصه عمل، توجه به بایسته‌های آن مهم و لازم است.

۱-۲) روش تحقیق

پژوهش حاضر با روش کتابخانه‌ای به گردآوری



۲) مبانی نظری تحقیق

نویسنده در تحقیق پیش روی جهت معناشناسی «اعتدال» و دستیابی به مفهوم دقیق آن در تربیت، توضیحاتی داده است:

الف) مفهوم اعتدال

اعتدال به معنای «میانه روی» است؛ چنانکه به معنی «مساوی و برابری» نیز آمده است. مانند: برابری شب و روز در پاییز. (فرهنگ ابجدی، ص ۹۲) اعتدال، یعنی دوری از افراط و تفریط و آنچه حد وسط و برگزیده میان این دو باشد؛ از این رو معتدل به کسی گفته می شود که بر حد وسط استقرار پیدا کرده باشد. (مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۷، ص ۷۹۸) در منابع روایی و متون دینی کلماتی از قبیل «قوام»، «وسط»، «قصد»، «سواء»، «حنیف» و «صلاح» مترادف با کلمه «اعتدال» آمده است و کلماتی چون: «تبذیر»، «غلو»، «اعتداء»، «افراط و تفریط» و «فساد» نقطه مقابل اعتدال است. با توجه به این معانی مترادف، روشن می شود که معنای واقعی اعتدال بر شخصی اطلاق می شود که صفت نیک میانه روی را توأم با عقلانیت داشته باشد و خانواده متعادل، یعنی کانونی که در آن صلاح و دوری از افراط و تفریط حاکم باشد.

ب) اعتدال در تربیت

نفس انسانی موضوع علم اخلاق و تربیت است. (جامع السعادات، ج ۱، ص ۲۲) نفس هر شخصی به مؤلفه هایی چون آموختن، جذب و دفع کردن تمایل دارد، یعنی با عقل خویش به سوی کسب علم حرکت می کند و با نیروی محبت به جذب اطرافیان می پردازد و با غضب خود به دفع کردن کسی یا چیزی اقدام می کند. (الآداب الدینیة للخرزانه المعینیة، ترجمه عابدی، ص ۱۹۵) هر کدام از این سه نیرو وقتی به مرحله عمل برسد، یکی از سه حالت «افراط، تفریط یا اعتدال» را خواهد داشت. میانه روی و اعتدال فضیلت اخلاقی است و افراط ها و تفریط ها، رذیلت های اخلاقی شناخته می شوند؛ از این رو، باید اعتدال را در منظومه زندگی، سیره خویش قرار دهیم. روح مانند بدن

مزاج و اعتدال دارد. همه رذائل نفسانی از جمله غضب، سوء ظن، فحاشی، خیانت های اخلاقی و... تعادل مزاج روحی افراد را به هم می زند که گاهی اوقات این آسیب های اخلاقی سبب فروپاشی کانون خانواده یا پژمردگی آن می شود. اعتدال در تربیت، یعنی رفتار والدین باید طوری با فرزندان شکل گیرد که فرزندان از این گونه بیماری های روحی در امان باشند. دین اسلام همان راه میانه است: «وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ»؛ بر خداوند است نشان دادن راه میانه. (سوره نحل، ۹) رشد فرد و خانواده و تکامل جامعه در این مسیر اتفاق می افتد؛ از این رو، هر خانواده ای که راه دین و عقلانیت در پیش گیرد، به اهداف متعالی انسانی و اخلاقی خواهد رسید.

نکته مهم که مورد غفلت قرار می گیرد این است که گاهی اوقات رضایت مردم در مخالفت با آنچه خداوند دستور داده، آشکار می شود؛ از این رو، تبعیت از اکثریت مردم به معنای اعتدال صحیح و عقلانی نیست، اگرچه نزد برخی از مردم رایج است که: «خواهی نشوی رسوا، همرنگ جماعت شو!»؛ اما اعتدال به این معنا، یعنی انسان همرنگ جماعت شود، حتی اگر آن ها بر باطل و ضد ارزش های اخلاقی و دینی گام بردارند، چنین تفکری انسان را از سعادت دور کرده و به شقاوت نزدیک می سازد. معنای صحیح اعتدال در تربیت، یعنی وقتی که فرهنگ کنونی با دستورات الهی تعارض پیدا کند، والدین با تکیه بر احکام دین و ارزش های اخلاقی، فرزندان خود را به فرهنگ اسلام نزدیک کنند و اعتدال به معنای سازش بین فرهنگ صحیح و ناصحیح را به فرزندان خود القاء نکنند.

۳) تحلیل داده ها

در این قسمت از پژوهش، نویسنده کوشیده است که اهداف و بایسته های مهم در تحقق رفتار معتدلانه والدین را مورد کاوش و تحلیل قرار دهد:

۳-۱) اهداف رفتار معتدلانه والدین

همه ی انسان ها وقتی برای انجام کاری گام



برمی دارند، بی شک اهدافی را در ذهن و قلب خود ترسیم کرده اند. رفتار معتدlane والدین در خانواده نیز دارای اهداف اخلاقی است که نویسنده در این نوشتار، به مهم ترین آن ها پرداخته است:

الف) خودسازی

نفس انسان، از نگاه قرآن کریم، به مثابه کتابی است که نباید حرف غلط در آن نوشته شود و اگر حرف غلطی بر لوح نفس ثبت شود، به این کتاب انفسی اهانت شده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا؛ به راستی رستگار شد، آن کس که نفس خود را تزکیه کرد و بی شک محروم و ناامید گشت هر کس که آن را به پلیدی آلود». (سوره شمس، ۹ و ۱۰) آری، رستگار می شود کسی که رفتارهای نیک را ملکه نفس خویش کند و زیان می کند کسی که با گناهان قلبی، زبانی و عملی به این کتاب خیانت کند. امام علی علیه السلام یکی از راهکارهای تربیت و اصلاح نفس را میانه روی می داند: «هرگاه به اصلاح خود مایل بودی، میانه رو، قانع و کم آرزو باش». (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۱۹۲) قرآن کریم افراط گرایان را پیرو هوای نفس معرفی می کند: «و لَا تُطِغْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَنْ ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا؛ اطاعت نکن از کسی که قلب او را [به خاطر سابقه طغیانش] از یاد خود غافل کرده ایم و از هوا و هوس پیروی می کند و کارش اسراف و تجاوز [از حدود خداوند] است». (سوره کهف، ۲۸)

هر خانواده ای در طول تاریخ به محض اینکه از مسیر اعتدال خارج شد، به انحراف عقیدتی و اخلاقی گرفتار گشت. اگر خودسازی و مراقبت از نفس را یکی از اهداف مقدس زندگی خویش قرار دهیم، به دنبال پیدا کردن راه میانه در رفتارهای خود و تربیت فرزندان خواهیم بود. گناهان به سبب افراط و تفریط ایجاد می شوند و وقتی که صفات ردیله مانند کینه ها، انکارها، دشمنی ها، و بدخواهی ها در درون انسان جمع می شود، انسان را وادار به یک عمل غیر متعادل می کنند. در ابتدا والدین باید به خودسازی خویش اهمیت دهند،

تا این برنامه را بر اساس رفتارهای معتدlane در خانواده نیز اجرا کنند و تاثیر مستقیم آن را بر تربیت و اصلاح فرزندان خود ببینند. امام باقر علیه السلام فرمود: «حفظ اطفال از خطرات و انحراف ها در صلاحیت و شایستگی (وظیفه) پدران آن ها است». [۱] (بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۱۷۸) همان طور که ضرب المثل معروف می گوید: «رطب خورده منع رطب کی کند؟»؛ یعنی برای اینکه بتوانیم دیگران را راهنمایی و ارشاد کنیم، ابتدا باید سعی کنیم عیوب و نواقص و خطاهای خود را اصلاح و برطرف کرده و خودسازی بر محور اعتدال را به عنوان یک هدف مقدس در زندگی خویش عملی سازیم.

ب) تعاملات اجتماعی معتدlane

یکی از اهداف مقدس والدین در تربیت فرزندان، رساندن آن ها به جایگاه والا و مفید در جامعه است. این هدف بدون رعایت «اصل اعتدال» تحقق نمی یابد. چنانچه والدین درصدد تربیت اجتماعی فرزندان خویش هستند، بی شک باید اعتدال در خانواده را شعار خویش سازند. چرا که خانواده، اجتماع کوچک است، اعتدال در آن سبب ایجاد تعاملات اجتماعی معتدlane می شود. زندگی و رفتارهای فرزندان منحصر در خانواده نیست و ناگزیرند در اجتماع نیز زندگی کنند. پیامبر اکرم (ص) از جماعت به رحمت یاد می کند: «الْجَمَاعَةُ رَحْمَةٌ وَ الْفُرْقَةُ عَذَابٌ؛ جماعت مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است». (نهج الفصاحه، ص ۴۳۳) اما برقراری و حفظ ارتباط سالم و معتدlane بین افراد، یکی از دشوارترین کارهای اجتماعی به شمار می آید. در متون دینی آمده است که باید به فرزندان خود آموخت، در حد اعتدال به دیگران محبت و خوبی کنند؛ زیرا نمی دانند تا چه وقت از آن شخص جدا خواهند شد و موقع قهر و ناراحتی از کسی، بغض شان را شدید نکنند؛ زیرا نمی دانند چه وقت دوستی با آن شخص را از سر می گیرند. (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۱۹۲) این سخن مبارک، ما را به رعایت

۱. قال الامام الباقر - عَلَيْهِ السَّلَامُ - : يُحَفِّظُ الْأَطْفَالَ بِصِلَاحِ آبَائِهِمْ.



بسیار مهم و مطلوب است. **رسول خدا(ص)** **فرمودند: «ازدواج کنید که در روز قیامت من به زیادتی شما افتخار می‌کنم».** [۴] (وسائل الشیعه، ج ۱۴، باب اول از ابواب مقدمات نکاح، حدیث ۲) و شاید بشود گفت در هیچ کدام از اعمال مکلفین، چنین اثری نیست. گاهی دو رکعت نماز متاهل را از عبادت شبانه‌روزی شخص مجرد بهتر دانسته‌اند. (وسائل الشیعه؛ ج ۲۰، ص ۱۸) [۵] تحکیم و حفظ کانون خانواده، یکی از اهدافی است که ما را به رعایت اعتدال در محیط خانواده سوق می‌دهد، بی‌شک افرادی که به دنبال گرم نگه داشتن کانون خانواده هستند، باید روابط خویش را بر محور اعتدال قرار دهند. تنها انسان متعادل می‌تواند بر خوش‌رفتاری، حیاء و عفت و دیگر ارزش‌های اخلاقی در خانواده و جامعه مداومت کند. تحقق اعتدال در روابط خانوادگی و دوستان، چه در محیط حقیقی یا مجازی نیاز به آموزش و یادآوری‌های لازم دارد. تحکیم بنیان خانواده، هدف اساسی دین اسلام است؛ از این رو، مردم خواص و مسئولان جامعه اسلامی موظف‌اند که سواد رسانه‌ای و مدیریت روابط خانوادگی را ارتقای اساسی دهند. در دنیای امروزی بیشترین اوقات فرزندانمان در فضای مجازی تلف می‌گردد و عدم آگاهی لازم در نحوه استفاده از آن، افراد را به پرتگاه اخلاقی می‌کشانند، از اینجاست که برخی از دختران جامعه به کشف حجاب روی می‌آورند و کانون‌های خانواده را متلاشی می‌سازند، باید برای از بین بردن فساد اخلاقی در جامعه چاره اندیشی شود و اعتدال روان و رفتار را به خانواده‌های آسیب دیده بازگرداند.

د) سازگاری در خانواده بر مبنای تفاوت‌های فردی

سازگاری در خانواده با توجه به روحیات و استعدادهای مختلف فرزندان، هدف و دغدغه‌ی هر پدر و مادری است. ایجاد این سازگاری بدون

اعتدال در روابط با بستگان، دوستان و همکاران دعوت می‌کند. هر مسلمانی علاوه بر اجتماعی بودنش، باید التزام به رفتارهای معتدلانه و اجرا کردن دستورات قرآنی-اجتماعی را هدفی مقدس در جهت پیشرفت جامعه بداند. در آیات قرآن کریم از سفارش‌های لقمان به فرزندش جهت رعایت اعتدال در رفتارهای اجتماعی آمده است: **«وَأَقِصْ فِي مَشْيِكَ وَاعْصُصْ مِنْ صَوْتِكَ...»**؛ در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن؛ از صدای خود بکاه و فریاد نزن...». (سوره لقمان، آیه ۱۹)

البته روابط اجتماعی معتدلانه فقط در رفتارهای ظاهری خلاصه نمی‌شود، بلکه باید حد اعتدال را در روان و باطن نیز رعایت کرد. امام علی علیه السلام در این باره فرموده است: **«همیشه در قلب خود دو حس متضاد را با هم داشته باش؛ همیشه احساس کن که به مردم نیازمندی و همیشه احساس کن که از مردم بی‌نیازی؛ اما نیاز تو به مردم، در نرمی سخن و حسن سیرت و تواضع است، و استغنائی تو از مردم، در حفظ آبرو و بقای عزت است».** [۱] (معانی الأخبار، ج ۱، ص ۲۶۷) ادب کردن فرزندان به آداب اجتماعی و تعاملات معتدلانه، هدفی والاست که سبب رشد اخلاقی آن‌ها در تمام ابعاد زندگی می‌شود. هر رفتار اجتماعی بدون هدف مذکور، سبب طغیان و گمراهی خواهد بود، حتی ستایش کردن افراد در اجتماع، اگر از حد و مرز اعتدال خارج شود، به چاپلوسی و انحراف از حق منجر می‌شود. اعتماد غیرمعتدلانه، [۲] (الکافی، ج ۲، ص ۶۷۲) انتقاد غیرمنصفانه [۳] (تنبيه الخواطر، ج ۲، ص ۱۲۳) و مدح و ذم بی‌جا همگی دلالت بر این دارد که در تعاملات خویش، اعتدال را به عنوان ملاک و هدف اساسی برای خود و فرزندانمان قرار نداده‌ایم.

ج) تحکیم بنیان خانواده

تشکیل و تحکیم خانواده در شریعت اسلام امری

۱. لیجتمع فی قلبک الافتقار الی الناس و استغناءک عنهم یکون افتقارک الیهم فی لین کلامک و حسن سیرتک و یکون استغناؤک عنهم فی نزاهة عرضک و بقاء عزک. ۲. امام صادق(ع): «لا تثقن بأخیک کل النقه فان صرعة الاسترسال لا تستقال؛ به برادرت زیاد اطمینان و اعتماد نکن که در این صورت قابل جبران نیست». ۳. رسول الله صلی الله علیه و آله: «خیز إخوانکم من أهدی إلیکم غیوبکم؛ بهترین برادران شما، کسی است که عیب هایتان را به شما هدیه دهد». ۴. آن رسول الله (ص) قال: «تزوجوا فإتی مکاربکم الامم غدأ یوم القيامة». ۵. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: «رَغَمَتَانِ يُصَلِّيَهُمَا الْمُتَزَوِّجُ - أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَغَمَةً يُصَلِّيْهَا أَعْرَبٌ».



به کارگیری شیوه‌های مناسب تربیتی برای هر فرزندی ممکن نخواهد بود. اعتدال در تربیت فرزندان، یعنی پدر و مادر با هر فرزندی به یک شیوه تربیتی متناسب با او رفتار کند. توجه به سلیق و گرایش‌های متفاوت فرزندان برای تربیت فکری-اخلاقی آن‌ها لازم است؛ مثلاً یکی از راه‌های ایجاد محبت امام زمان (ع) و اهل بیت (ع) در دل فرزندان، تعلیم از راه شعر، ادبیات، هنر و فرهنگ است؛ به عنوان نمونه امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید: «يَا مَعْشَرَ النَّبِيِّينَ عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ شِعْرَ الْعَبْدِ فَإِنَّهُ عَلَى دِينِ اللَّهِ؛ ای گروه پیروان ما، به فرزندان خود اشعار عبدی را آموزش دهید که او در طریق دین خداست». سفیان بن مصعب عبدی کوفی، یکی از شعرای اهل بیت (ع) و از یاران امام صادق (ع) بوده و اکثر اشعار او درباره مناقب امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان گرانقدر ایشان است. [۱] (الرجال «لابن داود»، ج ۱، ص ۱۸۲) از این رو، آموزش هر نوع شعر یا سرود یا هنرهای دیگری که جنبه دینی و ملی دارند، سودمند است. تربیت فرزندان باید بدون تبعیض باشد، ولی با توجه به تفاوت‌های شغلی، مزاج، روحیه، جنسیت و سن فرزندان، نیاز است متناسب با هر کدام از آن‌ها رفتاری درخور شأن صورت گیرد.

۳-۲) بایسته‌های رفتار معتدلانه والدین

همه اهدافی که مورد تحلیل قرار گرفت، برای هر پدر و مادر مسلمانی در راستای ایجاد رفتار معتدلانه مهم است؛ البته برای رسیدن به آن اهداف باید اصول ذیل را مد نظر قرار داده و به آن جامه عمل پوشاند:

الف) خردگرایی

اصولاً منشأ اعتدال علم و عقل است و سبب عدم اعتدال، جهل و نادانی است؛ یعنی انسان عاقل انسانی متعادل است و انسان جاهل،

غیر متعادل. امام علی علیه السلام در این باره می‌فرماید: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا أَوْ مُفْرِطًا؛ جاهل را نمی‌بینی، مگر این‌که یا افراط می‌کند و یا تفريط». (نهج البلاغه، حکمت ۷۰) خانواده‌ای که واقعاً و حقیقتاً اهل تعقل و تفکر باشد، از افراط و تفريط و از کندروی و تندروی به دور است.

تفکر بر اساس کلام الهی، ما را به سوی فکری معتدل سوق می‌دهد. امام علی (علیه السلام) می‌فرماید: «تَمَرَّةُ الْفِكْرِ السَّلَامَةُ؛ سلامت بدن و روح، نتیجه‌ی فکر و دانایی است». (عیون الحکم و المواعظ «للیثی»؛ ص ۲۰۸) والدین بدون فکر و آگاهی لازم نمی‌توانند ارتباط درستی با افراد خانواده خویش برقرار کنند. عاقل و اهل علم علاقه‌مند است که اخلاق خود را نیک کند و با تفکر و اعتدال به حسن خلق دست پیدا کند؛ چرا که نیروهایی هم‌چون خشم و شهوت با افسار عقل و اندیشه کنترل و هدایت می‌شوند و اعتدال در آن‌ها را رقم می‌زند. فرزندان نیز باید به خردگرایی و علم آموزی روی آورند تا تربیت دینی در آن‌ها شکل گیرد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ صِغَارًا تَسُوْدُوا بِهِ كِبَارًا؛ در خردسالی علم بیاموزید تا در بزرگسالی به برتری و سیادت برسید». (شرح ابن ابی الحدید، ج ۲، ص ۲۶۷) دقیقاً همین نگاه را امام حسن مجتبی علیه السلام به کودکان دارند، آن حضرت روزی فرزندان خود و هم‌چنین فرزندان برادرش را فرا خواند، همه کودکان که دور امام علیه السلام گرد آمدند، امام علیه السلام فرمود: همه شما، کودکان امروز هستید و امید می‌رود که بزرگان اجتماع فردا نیز باشید، پس دانش بیاموزید و در کسب علم کوشش کنید». (بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۲) علم نوری است که اعتدال در تربیت و هدایت را رقم می‌زند.

ب) ملایمت و نرم‌خویی

والدین و زوجین با نرم‌خویی و مهربانیت

دوست دارم نبی و برگزیده‌ی خدا و پسر عمش علی (ع) و دو فرزندش را و همچنین فاطمه‌ی زهرا (س) را- ایشان اهل بیت پیغمبرند که برده شده از ایشان رجس و پلیدی و ستاره‌های نورانی و پرتو افکن هدایت بر ایشان تابانیده است- مودت و دوستی ایشان بر هر مسلمانی واجب است و حب ایشان پایدارترین ذخیره برای آخرت است - من همراهی و متابعت این بزرگواران را بد نمی‌شمارم چرا که من دشمنی اهل بیت را کفر می‌پندارم.

أَحَبُّ النَّبِيِّ الْمُسْطَفَى وَابْنِ عَمِّهِ
هَمَّ أَهْلَ بَيْتِ أَذْهَبَ الرَّجْسَ عَنْهُمْ
مُؤَالَتْهُمْ فَرَضٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ
وَمَا أَنَا لِلْمُسْحَبِ الْكَرَامِ بِمُبْغِضٍ
غَلِيًّا وَسِبْطِيهِ وَفَاطِمَةَ الرَّهْزَا
وَأَطْلَعَهُمْ أَفْقَ الْهُدَى أَنْجَمًا زَهْرًا
وَحَبَّيْهُمْ أَسْنَى الدَّخَائِرِ لِلْآخِرَى
فَأَتَى أَزَى الْبَغْضَاءِ فِي حَقِّهِمْ كُفْرًا



ج) مدارا و گذشت

پدر و مادر باید با بخشش و انعطاف کامل به مدیریت خانواده بپردازند و گذشت را سرلوحه برنامه تربیتی خود قرار دهند. از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده: «روز قیامت نداکننده ای فریاد می کند هر که را بر خدا اجر و پاداشی است بایستد، و نمی ایستند مگر گذشت کنندگان، آیا نشنیدید فرمایش خدای تعالی را: ...» **فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ...** (سوره شوری، ۴۰)؛ یعنی کسی که از شخصی بگذرد و بین خود و او اصلاح نماید، بر خدا است که اجر و پاداش او را عطا فرماید. (ترجمه و شرح نهج البلاغة «فیض الإسلام»، ج ۶، ص ۱۰۹۲) بی شک فرزندان در رفتارهای خویش اشتباهات فراوانی دارند، برخورد سخت گیرانه و غیر معتدلانه سبب کینه توزی، حقارت، استرس و ایجاد بیماری های دیگر روحی می شود.

سیره مدارا و گذشت، صفت رذیلة کینه توزی و نفرت را به دوستی و مهربانی تبدیل می کند. برای آگاه ساختن فرزندان و هشدار به آنها در تکرار نکردن خطاهای گذشته، شیوه های ملایمی در دستورات دینی آمده است که می توان از آنها بهره جست. **امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرمایند: «أُزْجِرُ الْمُسِيءَ بِثَوَابِ الْمُحْسِنِ؛ بدکار را با پاداش دادن نیکوکار، آزار ده».** (نهج البلاغة، حکمت ۱۷۷) یعنی می توان فرد خطاکار را بدون مجازات مستقیم، با تشویق نیکوکاران، تنبیه و آگاه کرد. معتدلانه قهر کردن [۴] (عدة الداعي و نجاح الساعي، ص ۸۶) یا بی اعتنائی کوتاه مدت در مقابل کار بد فرزند، در بازدارندگی او نیز تاثیر بسزایی دارد، البته سرزنش زیاد و سننجیده سبب لجاجت می شود؛ [۵] (غرر الحکم، ج ۱۷۶۸) از این رو نباید فرزندان را مورد سرزنش زیاد قرار دهیم، بلکه باید رفتارهای بد آنها را زیر سوال ببریم تا به نتیجه مطلوب رسید و او را متوجه خطایش کرد. برای مدتی محروم کردن فرزند از برخی امتیازات،

می توانند سخنان مصلحانه را به دل فرزندان و همسران خویش بنشانند و ثمره آن اصلاح، مهربانی و تکریم انسانی باشد. **ملایمت در سخن و رفتار یکی از عوامل موفقیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در عرصه تبلیغ و دعوت مردم به اسلام بود.** (أصول الکافی / ترجمه مصطفوی، ج ۳، ص ۱۸۰) خداوند در قرآن، مهربانی و ملایمت پیامبر (ص) در برخورد با مردم را رحمتی از سوی خود به آن حضرت دانسته است: **«فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ؛** بر اثر رحمت خدا بود که نرم خوش شدی. اگر تندخو بودی، مردم از پیرامونت پراکنده می شدند؛ پس [اگر مردم نادان به تو بد کردند] از آنان درگذر». (سوره آل عمران، ۱۵۹)

داشتن مزاج متعادل و برخورد ملایم از روش های پسندیده در تربیت فرزندان است. قوه غضب و خشم می تواند انسان را از حالت اختیار خارج کند. در احادیث آمده است که **خشم نمونه ای از دیوانگی است.** [۱] (نهج البلاغة، حکمت ۲۴۷) این قوه وقتی از اعتدال و میزان عقل خارج گردد، منازعت با پروردگار متعال پیدا می کند و انسان خشمگین، بیرون از دایره تکلیف خود عمل می کند که نتیجه آن جز پشیمانی، چیز دیگری نخواهد داشت. یکی از راه های غلبه بر خشم و درمان آن، تداوم بر «سکوت» موقع خشم است. [۲] (غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۲۷۶) کودک بر حسب غریزه از صدای بلند وحشت دارد. وقتی والدین از روی خشم در کنار گوش فرزند کوچک فریاد می کشند، منشأ ترس و اضطراب های روانی در کودک می شوند که آثار خود را در سنین بالاتر نشان می دهد. (یادداشت های استاد مطهری، ج ۲، ص ۹۷) از این رو، خانه و آغوش والدین باید محل امن و آرامش فرزندان باشد. امام صادق علیه السلام می فرماید: «همانا خداوند متعال به شخصی که نسبت به فرزند خود محبت بسیار دارد، رحمت و عنایت می کند». [۳] (مکارم الاخلاق، ص ۱۱۳)

۱. امام علی علیه السلام فرمودند: «الْجِدَّةُ ضَرْبٌ مِنَ الْجُنُونِ؛ تندخویی و عصبانیت نمونه ای از دیوانگی است».

۲. علی (علیه السلام): «دَاوُوا الْقَصَبَ بِالصَّمْتِ وَ الشَّهْوَةَ بِالْعَقْلِ؛ خشم را با سکوت درمان کنید و شهوت را با خرد».

۳. إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ لَيَزَخُمُ الرَّجُلَ لِيَشِدَّ حَتَّى يُولِيَهُ. ۴. امام صادق (ع): «لَا تُضْرِبُهُ وَاهْجُرُهُ وَ لَا تُطْلُهُ؛ او را نزد، با او قهر کن ولی این قهر را طولانی نکن».

۵. الْأَفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يَسُوبُ نَارَ الْجِجَاعَةِ؛ زیاده روی در سرزنش، آتش لجاجت را در فرد روشن می کند.



از تنبیه‌هایی است که اگر با اعتدال و میانه‌روی همراه شود، اصلاح‌کننده رفتار خواهد بود.

د) هماهنگی والدین در تربیت فرزندان

خلقت زن و مرد از ناحیه‌ی روحیات و قوت بدنی یکسان نیست و هر کدام مبنی بر غایات خلقت طوری آفریده شدند. (ترجمه و شرح نهج البلاغة «فیض الإسلام»، ج ۶، ص ۱۱۹۱) از این رو تقسیم وظایف و هماهنگی پدر و مادر با همدیگر در انجام امور خانواده مهم است. یکی از وظایف والدین در خانواده، تربیت فرزندان است. اگر رابطه صحیح بین والدین و فرزندان برقرار شود، فرزند حس اعتماد را نسبت به دنیا خواهد داشت و برعکس اگر رابطه غیرمتعادل داشته باشد، باعث می‌شود که نسبت به محیط خود احساس نا امنی کند. بی‌تردید هماهنگی و تفاهم پدر و مادر در تنبیه و تشویق فرزندان، از خود شیوة تربیتی بیشتر اهمیت دارد؛ آسیبی که فرزندان از ناهماهنگی در رفتار والدین می‌بینند، معمولاً بیشتر از آسیبی است که ممکن است از روش غلط تربیتی یکی از پدر و مادر ببینند؛ از این رو والدین برای تحقق خانواده متعادل باید درباره شیوة صحیح تربیت فرزند به تفاهم برسند تا فرزند نسبت به حقانیت و منطقی بودن سفارش‌های والدین دچار شک و تردید نگردد؛ مثلاً چنین نباشد که پدر بگوید امروز فرزندمان نباید به بازی برود و در غیاب پدر خانواده، مادر این شیوه را محکوم کند و به او اجازه دهد.

ه) رعایت تدریج در تربیت فرزندان

اصل فعالیت تدریجی در طبیعت برای جبران نقایص است؛ مانند وجود زخم روی بدن و ترمیم آن به صورت تدریجی. این اصل در مسائل دینی و تربیتی هم وجود دارد که رابطه تنگاتنگی با «اصل اعتدال» دارد؛ چرا که تدریج به معنای آهسته و پیوسته تغییر دادن و اصلاح کردن است و از افراط و تفریط دوری جستن است. «تند می‌روی جانا،

ترسمت فرومانی» ضرب‌المثل معروفی است که تند رفتن را سبب توقف می‌داند. والدین باید با توجه به اصل تدریج و اعتدال، زمینه شکوفایی استعدادهای معنوی، اخلاقی، علمی و ... فرزندان‌شان را فراهم سازند و بدانند که پیشرفت تحصیلی به تنهایی نمی‌تواند باعث موفقیت فرزندان در زندگی شود، بلکه برای سعادت‌مندی آن‌ها، نیاز به ارتقای روحیه معنوی و اخلاقی است. در این راستا، باید پدر و مادر به تدریج، فرزندان‌شان را با مسجد، دوستان خوب، مراکز علوم دینی و ... آشنا کنند. امام باقر علیه السلام فرمود: «**هنگامی که کودک به سه سالگی رسید، به او بگویند هفت مرتبه بگوید: «لا اله الا الله» (تا بیاموزد)، در چهار سالگی به او بگویند که هفت مرتبه بگوید «محمد رسول الله» (تا یاد بگیرد)، در پنج سالگی رویش را به قبله متوجه کنند و به او بگویند که سر به سجده بگذارد. در پایان شش سالگی رکوع و سجده صحیح را به او بیاموزند و در هفت سالگی به طفل گفته شود: دست و رویت را بشوی و پس از آن به او گفته شود: نماز بخوان».** [۱] (مکارم الاخلاق، ص ۱۱۵) یا در حدیث دیگری به سه مقطع زمانی انسان در مراحل رشد، توجه ویژه‌ای شده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «**طفل هفت سال بازی کند، هفت سال خواندن و نوشتن بیاموزد، هفت سال حلال و حرام (احکام الهی) را یاد بگیرد.**» [۲] (الکافی، ج ۶، ص ۴۶)

از این نکته نباید غفلت کرد که تکرار و تداوم در انجام ارزش‌های دینی سبب تربیت و اصلاح فرزندان می‌شود. در تاریخ می‌خوانیم که صاحب بن عباد، مرد بسیار با سخاوتی بود. در کودکی سخاوت را از مادر می‌آموزد. خودش گفته است: من این سخاوت را از مادرم آموختم؛ زیرا مادرم هر روز که می‌خواست به مدرسه روانه‌ام کند، پولی به من می‌داد و می‌گفت: این پول را صدقه بده. این کار او موجب شد تا من به بخشش خو بگیرم و سخی شوم. او با این کار ساده‌اش به من

۱. قال الامام الباقر علیه السلام: إذا بلغ الغلام ثلاث سنين فقل له سبع مرات قل لا إله إلا الله ثم يترك حتى يبلغ ثلاث سنين و سبعة أشهر و عشرين يوماً ثم يقال له قل محمد رسول الله سبع مرات و ...

۲. قال الامام الصادق علیه السلام: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْكِتَابَ سَبْعَ سِنِينَ وَ يَتَعَلَّمُ الْخَلَالَ وَ الْخَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.



منابع

* قرآن کریم

* نهج البلاغه؛ شریف الرضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه / ترجمه دشتی - ایران؛ قم، چاپ: اول، ۱۳۷۹ ش.

۱. طبرسی، فضل بن حسن، الآداب الدینیة للخزانة المعینیة / ترجمه عابدی - قم، چاپ: اول، ۱۳۸۰ ش.

۲. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی) - قم، چاپ: اول، ۱۳۷۶ ش.

۳. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی-اصول، ۸ جلد، دالکتب اسلامیة، ایران-تهران .

۴. حلی، حسن بن داوود، الرجال، ناشر: مطبعة حیدریه، تاریخ نشر: ۱۳۹۲ ق.

۵. مبدی، حسین بن معین الدین، دیوان امیر المؤمنین علیه السلام - قم، چاپ: اول، ۱۴۱۱ ق.

۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، مکان انتشارات: قم، چاپ: اول، ۱۴۰۹ ق.

۷. پاینده، ابو القاسم، نهج الفصاحة (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران، چاپ: چهارم، ۱۳۸۲ ش.

۸. ابن بابویه، محمد بن علی، معانی الأخبار، قم، چاپ: اول، ۱۴۰۳ ق.

۹. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، چاپ: دوم، ۱۴۱۰ ق.

۱۰. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار، بیروت، چاپ: دوم، ۱۴۰۳ ق.

۱۱. مرتضی مطهری، یادداشت‌های استاد مطهری، ناشر: صدرا، ۱۳۹۰ ش .

۱۲. بستانی، فؤاد افرام، مترجم: مهیار، رضا، فرهنگ ابجدی، ناشر: انتشارات اسلامی، مکان چاپ: تهران، بی تا.

۱۳. مظاهری، حسین، تربیت فرزند در اسلام، ناشر: مؤسسه انتشارات امیرکبیر شرکت چاپ و نشر بین الملل، تهران - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

۱۴. ورام، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه وژام)، ناشر: دار صعب، محل نشر: بیروت، لبنان.

۱۵. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الأخلاق، ناشر: الشریف الرضی، محل نشر: قم - ایران، سال نشر: ۱۳۷۰ ه.ش.

۱۶. نراقی، مهدی بن ابی ذر، جامع السعادات، ناشر: مؤسسة الأعلمی للطبوعات، محل نشر: بیروت - لبنان.

۱۷. مقاله «بررسی اعتدال و آثار و موانع آن از دیدگاه شهید مطهری»، علی احمدپور، نشریه اخلاق، بهار ۱۳۹۹، سال دهم، شماره ۳۷.

۱۸. مقاله «نقش تربیتی اعتدال در قرآن و نهج البلاغه»، مریم شکرپان، مجله قرآنی کوثر، پاییز و زمستان ۱۳۸۸، شماره ۳۳، صص ۵۵ تا ۶۴.

۱۹. مقاله «خانواده متعادل و ویژگی های آن»، منصوره رحماندوست، مجله: پیوند، آذر ۱۳۸۸ - شماره ۳۶۲.

فهماند همان‌طور که باید به فکر خود باشم، باید به فکر دیگران نیز باشم. (تربیت فرزند از نظر اسلام، ص ۸) پس در تمام ابعاد تربیتی برای رسیدن به اعتدال، باید رفتارهای فرزندان را بر اساس اصل تدریج اصلاح کرده و آن‌ها را به خوبی‌ها عادت دهیم.

نتیجه‌گیری

تربیت اعتدال محور بر چهار هدف اساسی استوار است: ۱. خودسازی، ۲. تعاملات اجتماعی معتدلانه، ۳. تحکیم بنیان خانواده و ۴. سازگاری در خانواده بر مبنای تفاوت‌های فردی. البته برای تحقق این اهداف نیاز به بایسته‌های تربیتی-اخلاقی است که عبارتند از: خردگرایی، ملایمت، مدارا، هماهنگی والدین و رعایت اصل تدریج در تربیت فرزندان؛ از این رو، والدین برای ایجاد خانواده متعادل و داشتن فرزندانی به دور از افراط و تفریط باید در وهله‌ی اول، علم‌آموزی و خردگرایی را در برنامه خود داشته باشند؛ سپس سیره و رفتار پدر و مادر در خانواده باید بر اساس ملایمت، بخشش و گذشت قرار گیرد. علاوه بر آن، اصل تدریج در تربیت که به اعتدال نزدیک بوده و کارهای دفعی و اجباری را برکنار می‌سازد، باید مدّ نظر قرار داده شود. یکی دیگر از لازمه‌های ایجاد اعتدال در تربیت فرزندان، هماهنگی رفتار والدین است. تناقض در گفتار و رفتار پدر و مادر برای ارشاد فرزندان، هیچ اصلاحی در رفتار آن‌ها برجای نمی‌گذارد، بلکه آسیب به روحیه و افکار آن‌ها نیز وارد می‌سازد.





بررسی نقش مدارس در نهادینه کردن حجاب در بین دانش آموزان

اعظم بیاتی، کارشناسی ارشد ریاضی، آموزش و پرورش استان چهارمحال و بختیاری

چکیده: آموزش و پرورش یک نهاد بزرگ جریان ساز و تاثیرگذار، با جمعیتی چشمگیر، است که مردم سرمایه ها و گهرهای زندگی خود را در اختیار آموزش و پرورش قرار داده اند. وجه مشترک همه ما و همه سیاستگذاران نهادها و سازمان ها، دانش آموزان، جوانان و نوجوانان هستند که برای اعتلای این نسل، باید آگاهانه و هوشیار عمل شود. قبل از آغاز سال تحصیلی باید آسیب شناسی لازم صورت گیرد تا از بسیاری از مسائل و پدیده های اجتماعی و سیاسی - اجتماعی پیشگیری شود. در واقع، مسائل فراوانی در این حوزه هست، اما نوع مواجهه ما با این مسائل حائز اهمیت است و نکته همین جاست.

در این پژوهش با استفاده از روش اسنادی به بررسی نقش مدارس، در ترویج و گسترش حجاب عفاف، پرداخته شده است. نتایج پژوهش نشان می دهد که لازمه حفظ حجاب، در جامعه، نهادینه کردن و به باور تبدیل شدن این اصل در میان جوانان و دانش آموزان است. والدین و فرهنگیان از مهم ترین الگوهای دانش آموزان، در انتخاب نوع پوشش، هستند. باورهای دینی، از جمله عفاف و حجاب، در خانواده شکل می گیرد و در مدرسه استمرار می یابد و بر همین اساس، خانواده و مدرسه باید مرکز توجه فعالیت های فرهنگی قرار گیرد. فعالیت های علمی، فرهنگی و هنری از مهم ترین راهکارهای ارائه شده برای ترویج حجاب و عفاف در سطح مدارس می باشد. از این رو پیشنهاد می شود مباحث ترویج حجاب در مدارس و ترغیب دانش آموزان به حیا و عفاف با محوریت سند تحول بنیادین مطرح شود و نتایج تحقیقات، به صورت مستندات نظری، ارائه گردد و ایجاد گفتمان مثبت و سازنده بین دانش آموزان، پاسخگویی مربیان و مبلغان به سوالات دینی آنان در جلسات پرسش و پاسخ، تبیین اهمیت و ضرورت عفاف، حجاب و حیا در کتب درسی و اهتمام به نگرش مثبت نسبت به زیباشناختی عفاف و حجاب در دستور کار قرار گرفته است. کلید واژه ها: عفاف - حجاب - دانش آموزان - مدارس

مقدمه

زنان مسلمان است که هم خود زنان باید آن را رعایت کنند و هم مردان باید به آن احترام بگذارند و اگر زنان غیر مسلمان این احترام را برای خود حفظ نکنند، مردان در مورد حفظ احترام آنان وظیفه ای ندارند؛ چنان که در روایتی از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمودند: «لَیْسَ لِنِسَاءِ اَهْلِ الذِّمَّةِ حُرْمَةٌ لَا بَأْسَ بِالنَّظَرِ اِلَیْهِنَّ مَا لَمْ یَتَعَمَّدْ ذَلِکَ» (مستدرک الوسائل، ج، ۱۴، ص ۲۷۷) یعنی زنان غیر مسلمان چون در حریم دین داری و ایمان نیستند، نگاه کردن به آن ها تا وقتی به قصد لذت بردن نباشد، اشکال ندارد.

لزوم پوشش زن، در برابر مرد نامحرم، یکی از مسائل مهم اسلامی است که در قرآن کریم به آن تصریح شده و همه عالمان اسلامی، در واجب بودن آن اتفاق نظر دارند؛ پس در اصل مطلب از جنبه اسلامی تردیدی نیست. حجاب زن از آن نظر اهمیت دارد که نه تنها حافظ اخلاق و عفت در سطح جامعه است، بلکه وجود چنین حکمی، در اسلام، نوعی بزرگداشت زن مسلمان و محفوظ نگهداشتن وی از نگاه های مردان است؛ پس از نظر اسلام، حجاب و حفظ حریم زن یکی از حقوق



متفاوت انجام گیرد. موفقیت و تدوام این فرآیند، در ارتباط تنگاتنگ با همکاری و هماهنگی میان این سازمان‌ها و نهادها است. ارتباطی که در عین حال، استقلال و هویت هر یک از این‌ها را حفظ کند. هر نهاد و سازمانی براساس نقش خاصی که در شبکه روابط اجتماعی دارد، وظایف و تعهدات ویژه‌ای نیز به عهده دارد که موظف به انجام آن‌ها می‌باشند؛ از این رو، تمام تلاش نهاد‌های آموزشی باید در زمینه حجاب و روشن نمودن ابعاد آن باشد. با وجود این، هر قدر حجاب با دو خصیصه شناخت و انتخاب برگزیده شود، تمام رفتارها براساس آن شکل می‌گیرد. هر قدر شناخت و اختیار انسان بیشتر باشد، عقیده و مرام او نیز پایدارتر است.

واضح است که ریشه بیشتر انحرافات دینی و اخلاقی نسل جوان را در لابه‌لای افکار و عقاید آنان باید جست‌وجو کرد. فکر این نسل، از نظر مذهبی، آن طور که باید راهنمایی نشده است؛ لذا، از این نظر فوق‌العاده نیازمند است. آنچه حائز اهمیت است پرداختن به مباحث مربوط به ترویج حجاب در مدارس و همچنین موضوعاتی چون ترغیب دانش‌آموزان به حیا و عفاف، می‌تواند افق‌های تازه‌ای را در عرضه پژوهش در پیش روی همکاران فرهنگی باز کند.

سؤال‌های زیر می‌تواند به دقیق ترشدن موضوع و مسئله تحقیق و مشخص شدن آن کمک کند. در این رابطه با توجه به مسئله مورد نظر، سوالاتی مطرح بود که در صورت مثبت بودن پاسخ این سوالات، انجام فعالیت پژوهشی ضروری به نظر می‌رسید.

۱. چه عواملی باعث تهدید گسترش فرهنگ حجاب در مدارس هستند؟

۲. آیا موضوع ترغیب دانش‌آموزان به حیا و عفاف در برنامه درسی آمده است؟

۳. چه راهکارهایی جهت ترویج حجاب در مدارس وجود دارد؟

در این میان، یکی از مسائل مهمی که جامعه ما را تهدید می‌کند بدحجابی است. برهنگی و بدتر از آن بدحجابی که نوعی تمسخر به حجاب است، موجب تحریک احساس بینندگان می‌شود و هیجان روانی ایجاد می‌کند. همان چیزی که بنابه گفته روانشناسان، اعصاب را مختل می‌سازد و باعث انواع بیماری‌های جسمی و روحی می‌شود. افزایش فحشاء، بالا رفتن آمار طلاق، عدم احساس امنیت، فروپاشی کانون خانواده و زدودن محبت در آن، ابتذال و سقوط ارزش زن، انحراف اخلاقی مرد و... از دیگر اثرات بی‌حجابی است؛ البته همه این‌ها در جوامع بی‌حجاب به شکل ملموس دیده می‌شود.

«حجاب» از ارزنده‌ترین نمودهای فرهنگی، اجتماعی در تمدن ایرانی - اسلامی است که پیشینه آن به قبل از ورود اسلام می‌رسد؛ اما در فرهنگ اسلامی به اوج تعالی و منتهای ارزش و اعتبار خود رسید. حجاب و عفاف پدیده مذهبی - ارزشی مهمی در تعالیم اسلامی است و توجه به زمینه‌های فرهنگی-اجتماعی، به عنوان بستر آن، بسیار شایسته و لازم است و اشاعه و تعمیق آن نیازمند آموزش‌های بنیادین و مداوم در خانواده، مدرسه، دانشگاه و اجتماع می‌باشد. بدیهی است در کنار شرایط مساعد اجتماعی برای ارزش تلقی‌کردن و الگوپذیری این فرهنگ، نیازمند نهادینه‌شدن آن در وجود افراد هستیم که بدون شک رسیدن به این هدف، مشارکت و توجه جدی همه نهادها و دستگاه‌ها به صورت مستمر و هدفمند را می‌طلبد. در این بین، یکی از دستگاه‌هایی که در زمینه نهادینه‌کردن فرهنگ پوشش و تربیت نسل آینده، براساس ارزش‌های اخلاقی جامعه اسلامی گام‌های بسیار مهمی بر می‌دارد، آموزش و پرورش است. اگر ضرورت و نقش عفاف و حجاب در اجتماع به خوبی تبیین و به درستی منتشر شود، زمینه‌های توسعه و ترویج آن به راحتی و با مشارکت همه مردم فراهم خواهد شد. همان‌طور که بیان شد، توجه به حجاب فرآیندی پیچیده و جمعی است که باید توسط نهادها، سازمان‌ها، مؤسسات و گروه‌های



اهداف

هدف اصلی:

بررسی نقش حجاب در مدارس.

اهداف فرعی:

۱. بررسی آسیب‌های تهدیدکننده عدم رعایت حجاب در جامعه؛
۲. تدوین راهکارهایی در رابطه با ترویج حجاب در مدارس و ترغیب دانش آموزان به حیا و عفاف در برنامه درسی؛
۳. بهبود سطح آگاهی دانش آموزان و اولیا و کسب تجربیات بیشتر در رابطه با ترویج حجاب در مدارس.

روش تحقیق

این مقاله با روش اسنادی و جست‌وجو در کتب و مقالات معتبر انجام شده است.

مفهوم لغوی حجاب

به گفته اهل لغت، این واژه به صورت متعدی و به معنای در پرده قرار دادن به کار می‌رود: «حجبت الشيء.. اذا سترته، والحجاب: الستر... احتجبت الشمس فی السحاب اذا تستترت فیهما. حجاب پوششی است که روی شیء را فرا می‌گیرد و حجاب یعنی پرده... زمانی که خورشید در ابر فرو می‌رود عرب می‌گوید: احتجبت الشمس فی السحاب.» (ابن درید)

معنای لغوی عفاف

عفاف با فتح حرف اول از ریشه «عفف» است. «عفت» حالت نفسانی است که مانع تسلط شهوت بر انسان می‌شود و انسان عقیف کسی است که با تمرین و تلاش مستمر و با پیروزی بر شهوت، به این حالت دست یافته باشد. (اصفهانی) پایه عفاف خویشتن‌داری است یا خویشتن‌داری از آنچه حلال و زیبا نیست و ردپایی از جنسیت یا اختصاص به جنس خاص (زن)، در معنی لغوی عفاف، وجود ندارد. (ابن منظور)

پیشینه موضوع

پیشینه حجاب، به عنوان امری فطری، به خلقت اولین انسان‌ها برمی‌گردد. قدر مسلم این است که قبل از اسلام نیز حجاب در میان برخی از ملل وجود داشته است. حجاب از اساسی‌ترین مسائل دینی است که اختصاص به دین اسلام ندارد و در تمام ادیان الهی از جمله: زرتشت، یهود و مسیحیت به لزوم رعایت آن تأکید شده است. در این حوزه تحقیقات مختلفی انجام گرفته است. برخی از پژوهش‌های مرتبط با حوزه موضوعی حجاب در ذیل آمده است:

خیدانی (۱۳۹۴) در پژوهش خود، نشان داد که میان متغیر حجاب و نحوه فرزندپروری، همبستگی معنادار وجود دارد؛ همچنین نشان داد که تجربه گذشته فرد، در حجاب وی، نقشی ایفا نمی‌کند. طالبی دلیر و رضوی طوسی (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که وضع موجود اعتقاد به حجاب و نگرش مثبت به مسئله حجاب در سطح بالا و میزان رضایت متوسط قرار دارد؛ همچنین افراد جامعه معتقد بودند که میزان از موقعیت فعلی حجاب در سطح نسبتاً اثرگذاری عوامل فرهنگی بیرونی و درونی بر حجاب در سطح متوسط است. صالح آبادی (۱۳۹۲) در تحقیقی نشان داد که میان مؤلفه‌های اعتماد (میزان اعتماد عمومی و میزان اعتماد به خانواده) از یکسو و میزان حجاب از سوی دیگر، رابطه معنادار وجود دارد.

یک نظرسنجی در تهران (۱۳۸۵) به نقل از طاهری (۱۳۹۹) درباره پوشش نامناسب، توسط برخی افراد، مشخص شده که ۲۳ درصد تبعیت از مد روز، ۲۰ درصد زیبا و متنوع بودن لباس‌های جدید، ۳۱ درصد جلب توجه و ۳۹ درصد اظهار مخالفت با برخی سیاست‌های کشور را دلیل انتخاب پوشش‌های نامناسب خود دانسته‌اند. در نظرسنجی دیگری که در سال (۱۳۸۸) در سطح شهر تهران انجام گرفت، نشان داد رفتار پوششی در عین حال نشانه‌هایی از باورها و اعتقادات شخصی نیز محسوب می‌شود و از این بُعد بیشتر مورد عنایت نظام‌های تربیتی و سیاسی



بررسی این موضوع پژوهش‌هایی انجام شود. با توجه به آنچه که مطرح شد، پژوهش حاضر با هدف مذکور اجرا شد.

❖ **ضرورت آشنایی دانش آموزان با دلایل و**

اهمیت حجاب

یک شخص با حجاب چنان‌که به پوشش اعتقاد داشته باشد، لازم است که در برخوردهای اجتماعی و ارتباطات، به شیوهٔ اثباتی عمل کند؛ یعنی اینکه بتواند در صورت لزوم یا زمانی که مورد پرسش قرار می‌گیرد، دلایل با حجاب بودنش را با استفاده از واژه‌ها یا حرکات یا شیوه‌ای مستدل و صادقانه و متناسب توضیح دهد و تلاش کند احساس‌ها، افکار و نگرش‌های فرد مقابل را نیز بشناسد و در صورت لزوم، با روش خود او، از عقاید و باورهایش در علل انتخاب پوشش مناسب استفاده کند. این موضوع شامل دو نوع احترام است:

الف) احترام به خود با تشریح اعتقادات و حقوقمان. ب) احترام به حقوق و هنجارهای پذیرفته شدهٔ جامعه.

اگر از دلایل با حجاب بودنمان شناخت نداشته باشیم، در ارتباطات اجتماعی نمی‌توانیم احساسات، افکار و نگرش‌هایمان را به شیوه‌ای روشن و واضح بیان کنیم یا در مواقعی که ممکن است در معرض گناه قرار گیریم، از لغزش‌ها مصون بمانیم. این نداشتن شناخت، به دیگران امکان می‌دهد تا به باورهای اسلامی و نوع پوشش ما احترام نگذارند.

در بعضی اوقات نیز، رفتار افراد در برابر حجاب و پوشش اسلامی منفعلانه است. در این‌گونه رفتار، دختران ما خود به نیازهای مصونیت بخش، هدایت‌کننده و احساساتشان احترام نمی‌گذارند و در مقابلهٔ دیگران از حقوق دینی و نیاز به مصونیت صرف نظر می‌کنند و برای باورداشت‌های اسلامی شان اهمیتی قائل نمی‌شوند و به دیگران اجازه می‌دهند که به جایشان انتخاب کنند.

این گروه، تمام عقاید مربوط به دیگران را قبول می‌کنند بدون آنکه چیزی برای خودشان بخواهند. چه آرامش روانی که از طریق التزام به مبانی دین به دست می‌آوردند و چه احترام به

قرار می‌گیرد. در نظام‌های تربیتی و سیاسی دارای هنجار پوششی، الگوهای خاصی از پوشش به عنوان پوشش هنجار مطرح می‌شود و به شکل‌های مختلف از اعمال آن‌ها حمایت به عمل می‌آید. اگر شیوه پوشش در بین برخی از گروه‌ها، مغایر با معیارها و هنجارهای رسمی و پذیرفته شده باشد، می‌توان گفت مشکلی اجتماعی ظهور یافته است. (نبوی و شهرپاری، ۱۳۹۱) همچنین حسن پور و همکاران (۱۳۸۳) در تحقیقی نشان دادند، آشنا کردن دانش آموزان با فلسفه و حدود حجاب و استفاده از الگوهای مناسب، در تبلیغ حجاب، برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب ضروری است. فرمانی پور و همکاران (۱۳۸۲) در زمینه نگرش دانش آموزان دختر نسبت به حجاب معتقدند که اعمال تشویق به داشتن حجاب مناسب‌تر از اعمال تهدید و سختگیری است.

آنچه حائز اهمیت است این است که کسب تجارب و حل و فصل مسائل پیش آمده، پیرامون ترویج حجاب در مدارس و موضوعات مربوط به آن، تاثیر قابل ملاحظه‌ای در ارتقای سطح معلومات معلمان و سایر همکاران فرهنگی دارد. مسائلی که در این رابطه مورد بحث است، شامل موارد زیادی می‌باشد که هر یک رابطه مستقیم و معنا داری با قضیه مذکور دارند. در این میان، می‌توان به مقوله ترغیب دانش آموزان به حیا و عفاف اشاره کرد. در واقع، بحث و تجربه نگاری پیرامون مقوله ترغیب دانش آموزان به حیا و عفاف، از دیدگاه پژوهشگران، موضوعی غیر قابل اجتناب می‌باشد. باید گفت موضوع ترغیب دانش آموزان به حیا و عفاف این مطلب را ثابت می‌کند که می‌توان در نظام آموزش و

پرورش افق‌های تازه‌ای را بر روی محققین باز کرد. با توجه به اثرات پژوهش علمی، پیرامون مسائل ترویج حجاب در مدارس و ترغیب دانش آموزان به حیا و عفاف، لازم و ضروری بود تا در جهت روشن شدن چگونگی



باورها و عقائدی که دارند.

با چنین رفتاری به سختی می‌توان ابتکار عمل را در ارتباطات اجتماعی به دست گرفت. انگیزه اقدام داشت و در برابر کج روی‌ها، روابط نامشروع و زیان بخش ایستاد و به آن چه که دین می‌گوید، تحقق بخشید و به اهداف ارزشی اسلام دست یافت.

حجاب و عفاف در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

حجاب و عفاف از آن دست مقوله‌هایی است که در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش راهکارهای مختلفی برای آن پیش‌بینی شده است. سند تحول بنیادین حدود ۳۵۱ برنامه دارد که از این تعداد حدود ۴۰ برنامه مرتبط با حوزه پرورشی است و ۶ برنامه به حجاب و عفاف برمی‌گردد؛ یعنی ۱۰ درصد برنامه‌ها به مقوله حجاب و عفاف مرتبط است.

آموزش، ساماندهی، توجیه و به‌کارگیری مدیران، معلمان و تمامی پرسنل مدارس برای ترویج فرهنگ عفاف و حجاب در بین دانش‌آموزان و سازمان‌های مربوط نظیر بسیج، انجمن‌های اسلامی، انجام تحقیقات الزام در مورد بسط حیا و عفاف در مدارس به منظور اجرای برنامه‌های فرهنگی، تربیتی و پرورشی در آن، گنجاندن موضوع عفاف و حجاب، از دیدگاه آیات و روایات، همراه با تبیین ضرورت و فلسفه آن برای دانش‌آموزان در ۳۵ کتب درسی تمامی مقاطع تحصیلی، اهتمام به مثبت‌نگری و زیبا اندیشی در مورد فرهنگ عفاف و حجاب در تألیف کتب درسی هم‌بخش‌هایی از وظایف وزارت آموزش و پرورش در این حوزه است؛ اما با نگاهی گذرا به وضعیت حجاب در میان دانش‌آموزان دختر مدارس، به خصوص مدارس غیر انتفاعی، می‌توان دریافت این وزارتخانه در انجام وظایف خود به درستی عمل نکرده است.

ارائه مؤلفه‌های پیشنهادی برنامه درسی حجاب و عفاف

حجاب فردی: توجه به حجابی که آثار و تأکید آن به شخص انسان و زندگی فردی او مربوط می‌شود.

حجاب اجتماعی: آشنایی با فواید حجاب و عفاف

و توجه به آن‌ها نسبت به بعد اجتماعی و تأکید بر آنچه به زندگی انسان در جمع مربوط می‌شود.

حجاب و عفاف در پوشش: تأکید بر پوشش ظاهری مناسب، نوع و کیفیت آن.

حجاب و عفاف در نگاه: تأکید و توجه به پرورش مهارت‌های خودکنترلی، به منظور حفظ حریم نگاه‌ها و آگاهی و شناخت، از پیامدهای نگاه آلوده.

حجاب و عفاف در ذهن: تأثیرگذاری بر تقویت افکار، رشد ذهنی و براهین عقلی در پذیرفتن حجاب و عفاف.

حجاب و عفاف در آرایش: تأکید صحیح بر آرایش صورت و آراستگی لباس و ترک توجه به آرایش‌های غیرمعمول و لباس‌های تحریک‌کننده و پیامدهای آن‌ها.

حجاب و عفاف در گفتار: کاربرد بهینه زبان در تعاملات، حفظ حریم در گفت و گوهای اجتماعی و پرهیز از سخن‌های هوس آلود.

حجاب و عفاف در زینت: پرهیز از به کارگیری زیورآلات غیرمعمول و نمایش زینت‌ها در تعاملات اجتماعی.

حجاب و عفاف در تعاملات رفتاری: تأکید بر حفظ حریم رفتار در معاشرت‌های اجتماعی و داشتن وقار و متانت در تعاملات و ارتباطات روزمره.

در تعاملات اجتماعی به هیچ وجه از دستورات اسلام در حفظ حجاب، عفت و حفظ حریم زن و مرد عدول نشده است. این به خوبی مشخص





منکر در نزد افکار عمومی و «فضولی» تلقی شدن آن؛

۴. توجه ناکافی مراکز و نهادهای دینی نسبت به پرداختن به مقوله حجاب و فلسفه پوشش در اسلام؛

۵. نبودن مقابله جدی، ریشه‌ای و همه جانبه نهادهای انتظامی و قضایی با مظاهر بدحجابی در جامعه؛

۶. رایج شدن استفاده از برنامه شبکه‌های ماهواره‌ای و توزیع و تکثیر سی‌دی‌های ضد اخلاقی، به طور گسترده در میان جوانان.

دختران بیش از همه با این مسئله که «من کیستم؟» مواجه‌اند و به راستی حیران هستند که رضایت خاطر واقعی از زندگی را در کجا باید جست‌وجو کرد؟ در چنین جهانی که هنوز زنان در معرض نگاه‌های خیره دیگرانند و قضاوت درباره آنان بسیار بیش از مردان، بر اساس ظاهرشان استوار است، زنان جوان باید بتوانند در ارتباط‌های خانوادگی و اجتماعی شان، موازنه قدرت را برقرار کنند و آن را از جهت گیری و بنا شدن بر هویت بدنی شان بچرخانند. (گیندر، ۱۳۸۲، [۱])

پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که در ایران امروز، خود درمانی که مستلزم خودشناسی و تفکر منظم درباره زندگیست، در زنان بیشتر صورت می‌گیرد و با خودنگری آغاز می‌شود. نتیجه آن آگاهی بیشتر از اندیشه‌ها و عواطف جسمانی و احتمالاً بروز تغییرات رفتاری و ساختن مسیر زندگی بر اساس آرمان‌های جدید است. بازتعریف‌های هویتی و بازنگری‌های رفتاری در بین زنانی که از سرمایه فرهنگی و استقلال اقتصادی بیشتری بهره‌مند بوده‌اند بیشتر است. زن ایرانی مسلمان چنانچه عناصر ارزشمند فرهنگ ملی و دینی خود را بشناسد، قدرت مقاومت و مبارزه‌اش با مصرف زدگی، تفرّد، مادی گرایی و خودشیفتگی برآمده از مدرنیته غربی بیشتر می‌شود. یکی از رسالت‌های نهادهای خانواده، مدرسه و دانشگاه و مهم‌تر از همه رسانه‌های همگانی، برنامه ریزی جامع فرهنگی و مقابله با این آسیب هاست.

می‌سازد که زنان با حفظ هویت اسلامی و رعایت حجاب می‌توانند نقش‌های اجتماعی و فعالیت‌هایی را که هویت آنان را مخدوش نسازد، به خوبی عهده دار شوند و این تقید، به دستورهای الهی و حفظ حجاب، مانع ارتباطات سالم اجتماعی نیست.

حتی رعایت این‌گونه دستورات آرامش بخش مصنوعیت آفرین و آبرو دهنده است. از این رو، قرآن پوشش را هدیه‌ای الهی دانسته که خدا به بشر لطف فرموده است که مایه زینت اوست. (اعراف/۲۶) **به زنان توصیه می‌کند که با رعایت حجاب، نه تنها بدن، بلکه زینت‌های خود را از چشم نامحرمان محفوظ دارند (نور/۳۱)؛**

چرا که در سایه این پوشش است که انسان به عفت و حیا دست می‌یابد که باعث آرامش او و مصنوعیت بخشی وی در تعاملات اجتماعی است و وقار و شأن وی را حفظ می‌کند. در عین حال، قرآن کریم انذار می‌دهد که این هدیه در صورت گناه از انسان گرفته می‌شود: **«فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا»** و در این صورت است که زشتی‌های انسان نمایان می‌شود و چه بسا این زشتی‌ها می‌تواند از بین رفتن وقار و حیا و شخصیت افراد باشد.

عوامل و آسیب‌های تهدیدکننده فرهنگ حجاب و پوشش اسلامی

۱. کاستی‌های نظام آموزشی کشور در مورد توجه به پرورش اخلاقی و معنوی حجاب دانش آموزان و دانشجویان و انتقال ارزش‌های اسلامی به آن‌ها؛
۲. نقایص و ضعف‌های رسانه‌ها و وسایل ارتباط جمعی، خصوصاً صدا و سیما، در مورد اشاعه و ترویج فرهنگ حفظ حجاب (برای مثال، پخش سریال‌های تلویزیونی ساخته شده، توسط کشورهای عربی و اسلامی که زنان بدون پوشش اسلامی حضور دارند، غیرمستقیم این تفکر را ترویج می‌کند که مسلمان بودن با حفظ حجاب ملازمه‌ای ندارد)؛
۳. فراموش شدن فرهنگ امر به معروف و نهی از



متأسفانه معما و پارادوکس جامعه ما این است که از سویی تبعیت از تفکر دینی را رواج می‌دهد، تفکری که ذهن و روح را بر بدن مقدم و اولی می‌شمارد و سعادت را نه در گرو مصرف بیشتر و کالاپرستی، بلکه در خدمت به خلق می‌داند و در همه چیز و از جمله در مصرف، تعادل را توصیه می‌کند و از سوی دیگر، می‌بینیم چه در رسانه‌های جمعی و چه در کوچه و خیابان، برای مصرف بیشتر و برای خرید کالاهای دارای مارک‌های خاص و نیز برای رژیم‌های گوناگون بدنسازی (اعم از آرایشی، بهداشتی و زیبایی) تبلیغات صورت می‌گیرد و به نوعی، خرید بیشتر و مصرف هرچه فزاینده‌تر تبلیغ می‌شود.

ضروری است که این مسائل در سیاست گذاری‌های فرهنگی کشور، به ویژه در رسانه‌های عمومی، مورد توجه و بازنگری و اصلاح قرار گیرد.

ارائه راهکارهای گسترش حجاب و عفاف در مدارس

تنها با ایجاد مانع و محدودیت نمی‌توان جوانان را مجبور به رعایت پوشش اسلامی کرد؛ بلکه لازمه حفظ حجاب، در جامعه، نهادینه کردن و به باور تبدیل شدن این اصل در میان جوانان و دانش‌آموزان است. والدین و فرهنگیان از مهم‌ترین الگوهای دانش‌آموزان در انتخاب نوع پوشش هستند. باورهای دینی، از جمله عفاف و حجاب، در خانواده شکل می‌گیرد و در مدرسه استمرار می‌یابد و بر همین اساس، خانواده و مدرسه باید مرکز توجه فعالیت‌های فرهنگی قرار گیرد. فرهنگ سازی در حوزه دین باید آگاهانه نهادینه شود. پیکره جامعه شامل: فرد، خانواده و جامعه است. فرهنگ عفاف و حجاب یکی از باورهای اصیل دینی است که در سه حیطه یاد شده، با توجه به شناسایی مرزهای مفهومی حیا، عفاف و حجاب که جان مایه فرهنگ عفاف هستند و نیز ابزار و شیوه‌های نو و مؤثر و اطلاعات جامعه‌شناسی و روان‌شناختی به جامعه تزریق می‌شود. برای ارائه راهکارهای گسترش حجاب و عفاف در مدارس از مطالعات انجام شده و نظرات

متخصصین در این حوزه استفاده شده است که در ادامه به‌طور اختصار به بیان آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱. آموزش حجاب در مدارس

مدارس مراکز تعلیم و تربیت و تزکیه‌اند. آموزش عملی احکام دینی، بخشی از وظایف معلم و دانش آموز را تشکیل می‌دهد.

توصیه، بدون تعلیم و تربیت، پوشش دینی را به دستوری خشک و تحمیلی مبدل می‌سازد، ولی توصیه همراه با معرفت پذیرش آن را آسان می‌کند. معرفت به حجاب ضامن اجرا و دوام آن است. آنگاه که پوشش دینی در محیط‌های اجتماعی و پس از پایان تحصیلات، به شکل فرهنگ پذیرفته شده درآید، رسمیت علمی پیدا می‌کند.

۲. تشویق

این اصل در تربیت آدمی کاربرد فراوان دارد. ماهیت تشویق‌ها متفاوت است و می‌تواند بار عاطفی، مالی، تشریفاتی، شغلی، سیاسی، عملی و امثال آن داشته باشد که در ترویج فرهنگ حجاب مورد استفاده قرار خواهد گرفت. اگر فردی نیازمند نوعی تشویق نباشد، باید از نوع دیگر بهره بگیریم. احترام لازم و محسوس مردم به بانوان با حیا و با حجاب جامعه، سبب ترویج فرهنگ حجاب خواهد شد. همان‌طور که برخورد منفی با زنان بی‌حجاب نیز می‌تواند عاملی بازدارنده به حساب آید. با این شرط که حد و اندازه آن رعایت کرد تا به لجاجت نیانجامد

فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری

انتشار نشریه و کتاب، تشکیل میزگردهای ادبی، فراخوانی مقاله، تعیین موضوع حجاب برای انشا و پرسش مهر، به کارگیری هنرهای تصویری، مسابقات فرهنگی و ... آثار مثبتی دارند. تولید برنامه‌ها و فیلم‌های مفید و آموزشی نیز در رادیو و تلویزیون اثری فراگیر دارد. رعایت کامل پوشش دینی بانوانی که در فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی بازی می‌کنند یا عکسی که با پوشش اسلامی در



۶. احیای امر به معروف و نهی از منکر

پس از تقویت ریشه‌های حجاب، شناخت معروف و اجرای امر به معروف و نهی از منکر تأثیر به سزایی در کنترل اجتماعی دارد. امر و نهی دینی، تکلیف عمومی است. زن ناموس جامعه اسلامی است و همه باید در حفظ این گوهر الهی بکوشند. جامعه دینی هیچ گونه تساهل و تسامحی را در این راستا برنمی‌تابد. بی‌اعتنایی در این راه پسندیده نیست، ولی وسواس و بدگمانی هم کارساز نخواهد بود. مبنای طهارت و تقوا، تربیت و ایمان است. اگر فقط ترس پشتوانه پرهیز باشد، در جایی که چنین ترسی نیست شخص از ارتکاب محرمات پروا نخواهد داشت. پیامد چنین فضایی ایجاد نفاق و دورنگی و دوگانگی در معاشرت و پوشش و رفتار خواهد بود.

۷. معرفی الگوهای تازه در پوشش

یکی دیگر از عوامل فهم، تعریف درست از پوشش متناسب با سن و شرایط کاری بانوان است. الگویی که با رعایت معیارهای شرعی، آزادی عمل بیشتری را برای زنان مسلمان فراهم آورد. افزون بر این، با معرفی الگوی پوشش و تنوع دادن در آن می‌توان تا حدود زیادی به نیازهای بانوان پاسخ داد.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

حقیقت آن است که درکار معرفی فرهنگ حجاب کوتاهی‌هایی شده است؛ یکی از راه‌های ترویج پوشش دینی توصیه به حجاب و نهی از بدحجابی است و حال برما معلمان، به عنوان عضوی هرچند کوچک اما موثر در جامعه کوچک مدرسه، واجب است که در جهت ترویج فرهنگ پوشش چادر و نهادینه کردن آن نهایت تلاش خود را بکنیم. البته بی‌گمان باید خود الگوی مناسبی دراین زمینه باشیم. خداوند متعال در قرآن کریم نیز درباره حجاب چنین فرموده است: «ای پیامبر! به زنان و دخترانت و زن‌های مومن بگو خود را با ساتری بلند بپوشانند که این پوشش برای آنکه به عفاف شناخته شوند بهتر است (تا از تعرض

صفحات مطبوعات به چاپ می‌رسد، آثار مثبتی دارد؛ چنان که پوشش‌های غیر شرعی نیز آثار زیانبار و گسترده‌ای بر فرهنگ جامعه می‌گذارد. اساساً حضور زنان پوشیده، در صحنه‌های مختلف جامعه، آثار مثبت و چشمگیری در همگانی کردن فرهنگ حجاب اسلامی در جامعه دارد. پخش آیات، روایات و کلمات حکمت آمیز و تصاویر الهام بخش درباره حجاب در محیط‌های عمومی، تابلوهای شهری و محیط‌های مناسب دیگر نیز به تقویت این فرهنگ خواهد انجامید.

۴. تقویت فرهنگ غیرت

بی تردید زنان، با هر تفکر و عقیده‌ای، به نظر و سلیقه همسران خود در انتخاب‌های خویش، از جمله لباس و وضع ظاهری، توجه می‌کنند. از این رو، غیرتمندی مردان در نوع پوشش آن‌ها نقش به سزایی دارد. با توجه به این واقعیت، ترویج فرهنگ غیرت در میان مردان به ترویج و تحقق پوشش دینی در جامعه کمک می‌کند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم و اهلیکم ناراً و قودها الناس و الحجاره؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، خود و خانواده خویش را از آتش دوزخی که هیزمش از مردم و سنگ خارا است، حفظ کنید.»

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «خداوند بینی هر یک از مؤمنانی را که غیرت نمی‌ورزند به خاک می‌مالد.»

۵. نظارت بر رسانه‌های جمعی

رسانه‌ها، به ویژه صدا و سیما، در ساختار فرهنگ اجتماعی مردم نقش مهمی دارند و می‌توانند با نوع برنامه‌های خود، آنان را به فساد یا صلاح بکشانند. کمترین تسامح در اعطای امتیاز کار فرهنگی، جهت راه اندازی مؤسسه‌های هنری، نمایش تئاتر و فیلم و انتشار روزنامه، مجله و کتاب، به نفوذ فرهنگ بیگانه و ابتذال اخلاقی می‌انجامد. شرط پوشش دینی در تهیه و خرید فیلم‌ها و برنامه‌های تلویزیونی، ضرورتی انکارناپذیر است.





هوس رانان) آزار نبینند» (احزاب، ۵۹)

بررسی مسائلی چون حجاب و پوشش دختران و زنان که نیمی از افراد جامعه را تشکیل می دهند، نقش مهمی در جامعه پذیری نسبت به این الگوها دارد. مدرسه، بعد از خانواده، دومین حلقه از حلقه های فرآیند جامعه پذیری است. مدرسه اولین محیطی است که فرد در آن روابط سازمان یافته را تجربه می کند و از این منظر با پیچیدگی های نظام اجتماعی تاحدودی آشنا می شود. محیط مدرسه نیز به سبب وجود ارتباطات عاطفی چهره به چهره میان همسالان و موقعیت مناسب سنی الگوگیری تأثیر عمیقی در ساخت دهی شخصیت افراد به جا می گذارد.

ما باید معیارهای خاصی برای زیبایی داشته باشیم و ملاک سنجش زیبایی نباید زیبایی ظاهری باشد؛ چرا که برترین زیبایی، زیبایی درون، باطن و نیت پاک انسان هاست. همان طور که شاعر پرآوازه ای چون سعدی می گوید: صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار،

که این بیت بر زیبایی درون تأکید می کند.

در این راستا، معیارهای ما باید برخاسته از الگوهای نمونه دینی و اسلامی حجاب و عفاف شخصیت هایی همچون فاطمه زهرا و زینب کبری باشد. برای همین به مدد آموزش و پرورش و آموزش عالی و الگودهی مناسب و با آرایه برنامه های مناسب از طریق رسانه ها، لازم است مسئله حجاب اسلامی تبلیغ و تحکیم شود. در تحقیق کرمانشاهیان (۱۳۷۹) نتایج به دست آمده حاکی از آن است که با افزایش و تقویت ارزش های دینی در افراد و الگو گیری مناسب تمایل به حجاب نیز در بین آنها افزایش می یابد؛ همچنین تشویق نیز در رعایت پوشش مناسب موثر است که فرمانی پور و همکاران (۱۳۸۲)، در تحقیقی در زمینه نگرش دانش آموزان دختر نسبت به حجاب معتقدند که اعمال تشویق به داشتن حجاب بهتر از اعمال تهدید و سخت گیری است، این موضوع را تایید کرده اند.

بیان شد که ریشه بیشتر انحرافات دینی و

اخلاقی نسل جوان را باید در لایه های اندیشه ها و باورهای آنان جست و جو کرد. اندیشه های جوان ما آن گونه که باید راهنمایی نشده است و از این نظر بسیار به راهنمایی نیازمندند. نسل جوان جامعه ما، برخلاف آنچه به نظر می رسد، لجوج نیست و برای دریافت حقایق دینی بسیار آمادگی دارد. تنها لازم است این حقایق به گونه ای جذاب و دلخواه در اختیار آنها قرار گیرد. فلسفه حجاب از مسایل مهمی است که آگاهی از آن می تواند یکی از پایه های تحقق فرهنگ پوشش اسلامی شود و به آن عمق و معنا بخشد؛ زیرا به این سوال مهم که «چرا باید با حجاب باشیم؟» پاسخ می دهد. مسلم است، در عصری که دشمن با استفاده از ابزارهایی مانند ماهواره، اینترنت، شبکه های اجتماعی، عکس و... به راحتی بر ذهن نوجوان و جوان ما تأثیر می گذارد و بی حجابی را نماد آزادی زن توجیه می کند، کار فرهنگ سازی مسئله حجاب و عفاف و اقناع کردن دختران عزیز این مرز و بوم در خصوص فواید پوشش اسلامی - ایرانی اصیل بسیار سخت، دشوار و ظریف بوده و نیازمند مشارکت همه دستگاه ها و حوزه های اجتماعی و فرهنگی کشور است. بنابراین، پیشنهاد می شود آموزش و پرورش در این زمینه از خواهران بسیج، خواهران طلبه حوزه های علمیه، کارشناسان ستاد احیای امر به معروف، کارشناسان مشاوره زن ناجا و ... به منظور تدریس و آموزش مفاهیم حجاب و عفاف و پیامد بد پوششی و بی حجابی برای دانش آموزان در طول سال تحصیلی استفاده کند. به نظر می رسد، باید مدیران مدارس دست والدین دانش آموزان را در خرید فرم مدرسه یا چادر باز گذاشته و نوعی احترام ویژه به دانش آموزانی که حجاب برتر (چادر) را برای خود بر می گزینند قائل شوند؛ همچنین اهمیت حجاب و عفاف در دانش آموزان دختر را برای والدین آنها در جلسات اولیا و مربیان تبیین کنند.

همچنین توصیه می شود:

۱. با تقویت عوامل فرهنگی درونی تاثیرگذار بر حجاب و نظام آموزشی مطلوب، ارزش ها و



هنجارهای پوشش مناسب در جامعه ترویج یابد و از عوامل کنترل غیررسمی به جای عوامل کنترل رسمی بهره گیرند؛ به طوری که حجاب در میان افراد جامعه درونی شود و به بازاندیشی در روش سبک زندگی مبتنی بر خلق هویت منجر شود.

۲. فراهم کردن فرصت برای تجارب خوشایند از حجاب، مانند برگزاری اردوهای گروهی در مراکز مذهبی و برگزاری مراسم مذهبی و اعیاد روحیه بخش.

۳. فراهم کردن عرصه‌های مناسب برای ابراز زیبایی‌ها و شایستگی‌های ظاهری در دختران، در فضاهای دوستانه از طریق فرهنگ سازی، گسترش حضور در مراکز اختصاصی تفریحی و فضا سازی برای برخورداری آنان از آزادی عمل در رعایت حجاب، می‌تواند یکی از عوامل موثر در انتخاب نوع حجاب باشد و از اولویت بالایی برخوردار است.

منابع

- قرآن کریم، - نهج البلاغه.
۱. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان‌العرب؛ چاپ سوم، بیروت: دارصادر، ۱۴۱۴ق.
 ۲. آیین نامه اجرایی مدارس مصوب ۷۹/۶/۷ شورای عالی آموزش و پرورش.
 ۳. حداد عادل، غلامعلی، (۱۳۸۶)، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: سروش.
 ۴. خیدانی، لیلی، (۱۳۹۴)، بررسی فرهنگ حجاب و عفاف و نگرش به آن در بین دانشجویان دختر دانشگاه‌های استان ایلام ۷۳-۵۱.
 ۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷)، لغت نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
 ۶. دشتی، محمد، (۱۳۸۹)، فرهنگ سخنان فاطمه زهرا (س)، انتشارات امیرالمومنین (ع)، قم -
 - شرفی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، روش‌های کاربردی امریه معروف ونهی ازمنکر، پیام آزادی تهران.
 ۷. راغب اصفهانی، حسین، المفردات فی غریب القرآن، ترجمه غلامرضا خسروی حسینی، تهران، المکتبه المرتضویه لاهیا آثارالجعفریه، ۱۳۸۳.
 ۸. صالح آبادی، ابراهیم، (۱۳۹۲) بررسی جامعه شناختی حجاب زنان در شهر اسفراین اعتماد و حجاب. فصلنامه مطالعات.
 ۹. طالبی دلیر، معصومه و رضوی طوسی، سیدمجتبی، (۱۳۹۲)، اعتقاد به حجاب و نگرشهای مربوط به آن. فصلنامه زنان.
 ۱۰. طالبی، بهنام (۱۳۹۸)، تبیینی بر ادراک دختران دانش آموز از نحوه حجاب در مدارس که چادر در آنها اجباری است، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، سال یازدهم، شماره اول، بهار ۱۳۹۸.
 ۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۳)، (۵۱۳۳ق)، المیزان فی تفسی القرآن، انتشارات اسلامی، قم.
 ۱۲. صدر، شادی، (۱۳۸۹)، مجموعه قوانین و مقررات پوشش در جمهوری اسلامی ایران، تهران: کتاب نیلی، چاپ اول.



نشست‌ها



نشست تخصصی امام صادق (ع)

آیت الله تحریری دامت برکاته

أعوذ بالله من الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ لعنة الله على أعدائهم أجمعين «قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَى ثَمَثَى وَفُزْدَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا» (۴۶، سبأ)

ما امروز از برکات فقه و فقاہت، قدرتی که جامعه شیعی در جهان به دست آورده است، عظمتی که امروز شما مشاهده می‌کنید که در آخرین اقدام، سیلی که نظام فقهی برخاسته از حرکت فقهاء به گوش استکبار جهانی زد و مایه افتخار برای همه آزادگان عالم شد، این مرهون همین جریان فقهی است که امام صادق علیه السلام این جریان را آغاز کرد. اتفاق مهمی که در این روزها رخ داد و حمله موشکی انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و جریان مقاومت به صهیونیست‌های غاصب، در واقع، بیانگر این است که این حرکت انقلابی، با محوریت فقهاء، امروز توانسته است استکبار جهانی را سر جای خودش بنشاند و از زیاده خواهی و از تهدیدها و از هجمه‌ای که به امت اسلامی و جبهه مستضعفین داشته، عقب بنشیند و دعوا و درگیری را به داخل سرزمین‌های تحت قلمرو استکبار جهانی کشانده است. چقدر قرآن زیبا

شهادت رئیس مذهب و پایه گذار جریان فقهی شیعه و محوریت بخش به فقهاء در راهبری امت امام صادق علیه السلام را تسلیم عرض می‌کنم. در آن روایت معروف مقبوله عمر بن حنظله، حضرت فرمود: «**انظروا إلى رجلٍ منكم مِمَّنْ قَدْ رَوَى حَدِيثَنَا وَ نَظَرَ فِي حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا؛** بروید سراغ کسانی که حدیث شناس هستند، سخنان ما را می‌شناسند، حلال و حرام را می‌شناسند. «**فَلْيَرْضَوْا بِهِ حُكْمًا فَإِنِّي قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَيْكُمْ حَاكِمًا؛** او را به عنوان حکم بین خودتان و در منازعات و مناقشات قرار دهید که من او را بر شما حاکم کردم. ماجرای ولایت فقیه، مرهون امام صادق علیه السلام است و این حرکت فقهاء بعد از بیان امام صادق و محوریت آنها در جامعه، حرکت تمدنی شیعه را روز به روز قوی تر کرد و ما امروز در اوج قلّه‌های تمدنی حرکت شیعی به پرچم داری فقهاء هستیم. آن چه که



می‌فرماید: «و حاق بالذین سَخِرُوا منهم ما كانوا به يستهزئون»؛ آنچه که تمسخر می‌کردند، دامانشان را و گریبانشان را گرفت. یک موقعی در رسانه هایشان کشور عزیز ما و نظام مقدس ما را تمسخر می‌کردند. به خاطر اینکه مثلاً یک خانمی در نیروی انتظامی و در یک بازداشتگاهی از دنیا رفته است. حال ببینید این چیزی که امروز گریبان گیر غرب شده است، چقدر مایه رسوایی آن‌ها شده است که استاد تمام دانشگاه را که یک خانم محترمی است و آمده است در دفاع مردم مظلوم فلسطین در کنار دانشجوها، اقدام خاصی هم نمی‌کند، شاید نهایتاً فقط چندتا شعار داده است، با وضع فجیعی او را دستگیر می‌کنند و هر چه او فریاد می‌زند که من پرفسور هستم، من استاد تمام دانشگاه در رشته اقتصاد هستم، هیچ توجهی به او نمی‌کنند.

این وضعیت فضاحت بار دنیای غرب که امروز پیش چشم همگان در جهان آشکار شده است از یک سو و از سوی دیگر، اعتماد به نفس و عزت و افتخاری که خدا به جامعه شیعی عنایت کرده است. این‌ها همه مرهون حرکت فقهی فقهای عظام، در طول تاریخ و در رأس آن‌ها امام ما و مقام معظم رهبری مدّ ظلّه العالی، است.

حرکت امام حرکتی بر پایه قیام الله بود و بر اساس سند تاریخی که در سال ۱۳۲۲، این سند به ثبت رسید و امام در آن زمان، در همین روزها، در ماه اردیبهشت، یادداشتی را نوشتند که آن یادداشت در کتابخانه وزیری یزد نگهداری می‌شود و مقام معظم رهبری هم در بیاناتشان از آن یادداشت یاد کردند و حتی در جایی دارند که من رفتم و این یادداشت را در کتابخانه وزیری یزد دیدم. آنجا امام روحانیون را توصیه به قیام الله می‌کنند؛ به همین آیه نورانی، آیه ۴۶ سوره مبارکه سبأ، استناد می‌کنند. «قُلْ إِنَّمَا أُعْطُكُمْ **بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفِرَادَى**»؛ جالب است که امام در آن زمان، سَنّشان حدود ۴۰ سال بوده است و در آغاز سنین میان‌سالی، امام چنین ایده و چنین دیدگاهی داشت و اصلی‌ترین و محوری‌ترین رسالت علماء و روحانیون را قیام الله می‌دید. این

تفکّر از کجا آمده است؟ این تفکّر از فقه و فقاقت ناشی می‌شود که عرض کردم. ما هرچه داریم مرهون امام صادق علیه السلام هستیم که فقه را محوریت بخشید.

کسی که با روش فقهی به سراغ قرآن و روایات برود، می‌بیند که اصلی‌ترین تعلیم قرآن کریم معارف اهل بیت علیهم السلام، بندگی خدا از یک سوء و ایستادگی در برابر طاغوت از سوی دیگر است. آیه ۳۶ سوره نحل را بارها شنیده‌ایم: «و **لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا**»؛ تمام رسل الهی، تمام مأموران الهی و پیامبران الهی، مأموریتشان در این دو کلمه خلاصه می‌شد: «**أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ**». خدا را بپرستید و در برابر طاغوت بایستید. بندگی خدا را در جامعه گسترش دهید و بردگی طاغوت را از میان مردم برکنید و اجازه ندهید که خودتان و دیگران برده طاغوت شوند. اگر بندگی خدا نباشد، بردگی طاغوت حتماً جایگزین خواهد شد. برای اینکه بردگی طاغوت کنار برود و بندگی خدا حاکم شود، نیاز به قیام هست. قیام لله، اصلی‌ترین راهبرد، برای کنار زدن بردگی طاغوت و رسیدن به بندگی الله است و اگر بخواهم نسبت بین این دو آیه را، آیه ۳۶ سوره نحل و آیه ۴۶ سوره سبأ، بیان کنم می‌گویم که مقصد آیه ۳۶ سوره نحل است: «**أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ**»؛ مسیر آیه ۴۶ سوره سبأ است: «**أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفِرَادَى ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا**». این قیام لله در چند سطح باید اتفاق بیفتد: سطح اول، سطح اندیشه است. در سطح اندیشه لازم است که انسان فکرش، نظرش و دیدگاهش را بر اساس خواست خدای متعال و متناسب با مأموریتی که خدای متعال به بندگان خوب خودش عطا کرده است تنظیم کند. تسلیم قوانین و قواعد و مقررات پذیرفته شده نزد جوامع بشری نشود. پیامبران الهی اولین مصداق قیامشان، قیام فکری بوده است. تسلیم قوانین و مقررات موجود نمی‌شدند. قوانین و مقرراتی که نظام طاغوت این‌ها را برپا می‌کند. حضرت ابراهیم تسلیم نظام اجتماعی که نمرود ساخته است نمی‌شود. از آتشی که نمرود وعید آن آتش



طبعاً از دوستان امام هم بود، گفت من همراه امام هستم و کمک می‌کنم؛ اما مقابل آمریکا ایستادن مشکل است. این قسمت، خیلی کار سختی است.

این نگاهی بود که به تبع نگاه رایج آن زمان، حتی در ذهن برخی از بزرگان نقش بسته است؛ اما امام یک قیام فکری می‌کند. یک قیام اندیشه‌ای می‌کند و این تارهای عنکبوت تفکر باطل را پاره می‌کند و این توری که در ذهن‌ها افکنده شده و این باور باطلی که در ذهن‌ها نهاده شده است که مگر می‌شود با آمریکا تقابل کرد؟ امام این باور را می‌شکنند و کنار می‌گذارد. آن زمانی که لانه جاسوسی، توطئه‌چوگانان انقلابی تسخیر شد، خیلی‌ها آمدند و گفتند که این کار خوب نیست و ما نباید با آمریکا مواجه شویم و روبه‌رو شویم؛ اما امام آن حرکت را تأیید کرد و نام آن حرکت را انقلاب دوم نامید. شاید کسانی در آن زمان باور نداشتند که روزی می‌آید که این حرکت به جایی می‌رسد که همین نظام که در مقابل آمریکا قدرت هیچ اقدامی بدون اجازه و اذن آمریکا را ندارد، پایگاه مهم آمریکا در کشور همسایه در عراق، پایگاه عین الأسد را بمباران می‌کند. شاید در آن زمانی که می‌آمدند و به امام می‌گفتند که آقا در مقابل تسخیر لانه جاسوسی بایستید و اجازه ندهید که این اتفاق رخ دهد، فکر نمی‌کردند که یک روزی می‌آید که پهباد متجاوز آمریکایی از مرزهای هوایی ما می‌خواهد عبور کند و دلیر مردان سپاه پاسداران، این پهباد را ساقط می‌کنند. در همان زمان، رئیس جمهور آمریکا در پاسخ سؤالی که خبرنگاری در مورد این پهباد پرسید گفت خیر، امکان ندارد؛ پهباد ما توسط ایران ساقط نشده است. بلافاصله بچه‌های سپاهی رفتند و لاشه پهباد را جمع کردند و در کنار لاشه پهباد فیلم گرفتند و فیلم را مخابره کردند. رئیس جمهور آمریکا پیغام داد که هر چه بخواهید می‌دهم، اما این پهباد را به ما برگردانید که این اتفاق نیفتاد و آن پهباد مهندسی معکوس شد و امروز ایران به یکی از قطب‌های صادرکننده پهباد، در جهان، تبدیل شده است. با همین پهبادهای پایگاه مهم امنیتی رژیم صهیونیستی مورد هدف قرار می‌گیرد و گنبد آهنین هم هیچ کارایی در مقابل

را می‌دهد و تهدید می‌کند نمی‌ترسد. این اولین سطح قیام؛ قیام فکری و اندیشه‌ای. اتفاقاً آیه شریفه، یکی از اصلی‌ترین پیام‌هایش، همین قیام اندیشه‌ای است.

در صدر اسلام، کفار در برابر عظمت پیغمبر مات و میهوت مانده بودند و نمی‌دانستند که چطور این عظمت را تحلیل کنند؟ تنها چیزی که به ذهنشان رسید، این بود که او را دیوانه خطاب کنند. قرآن می‌گوید که من برای شما یک نصیحتی دارم: **برای خدا قیام کنید و سپس فکر کنید.** ما بصاحب‌کم من جنّة؛ آیا می‌شود که این مرد حکیم، این مرد اندیشمند و دور اندیش را دیوانه خواند؟ چه شده بود که در زمان جاهلیت، پیغمبر را دیوانه می‌خواندند؟ تسلیم تبلیغات محیط شده بودند. تسلیم جوّ و جریان حاکم شده بودند. اگر کسی بخواهد به رسالت انبیاء الهی عمل کند، شرط اولش این است که تسلیم افکار باطل، دیدگاه‌های رایج و نگاه‌های اهل دنیا نشود که امام این گونه بود. خیلی‌ها امام را نصیحت می‌کردند و می‌گفتند که نمی‌شود مقابل این جریان ایستاد. امکان ندارد. قدرت شاه را شما ببینید، مگر شما می‌توانید با دست خالی مقابل شاه بایستید؟ این یک نگاه است. یک دیدگاه است. یک بینش است. پیوسته، کسانی خیرخواهانه یا مغرضانه به امام می‌گفتند که این حرکت شما نتیجه نخواهد داشت؛ حتی در یک جریان تاریخی، یکی از علماء نقل می‌کند که امام ده نامه به من دادند و گفتند که این ده نامه را به ده نفر از علماء که نامشان را بیان کردند بدهید و این نامه‌ها را به صورت محرمانه به آن‌ها برسانید. ایشان می‌گویند که من نامه‌ها را بردم و رساندم؛ یکی از آن‌ها که من نامش را نمی‌برم، در یک جلسه‌ای و در یک اتاقی نامه امام را باز کرد و بلند خواند و من آن جا متوجّه شدم که محتوای نامه چیست. امام در آن نامه نوشته بودند که من تصمیم دارم این رژیم طاغوتی را ریشه کن کنم و حکومت صالح را در این کشور برپا کنم و اگر هم آمریکا از این حکومت حمایت کند، در برابر آمریکا هم خواهم ایستاد. آن عالم جلیل‌القدر که



این حمله نمی‌تواند از خودش نشان دهد.

آن زمانی که امام را نصیحت می‌کردند که با آمریکا کنار بیایید، فکر نمی‌کردند که یک روز ایران اسلامی آنقدر قدرت پیدا می‌کند که بعد از حمله رژیم صهیونیستی، به سفارت ایران در دمشق، آمریکا مرتب پیام می‌دهد که ما پشت این حمله نبودیم. ما در این حمله هیچ دخالتی نداشتیم. ما هیچ نقشی در این ماجرا نداشتیم. چرا آمریکا دارد این همه پالس ضعف مخابره می‌کند؟ چون حرکت قیام لله امام به ثمر نشسته است و این قیام لله که در برابر ابهت پوشالی آمریکا هیچ‌گونه اقدامی و هیچ‌گونه حرکتی را مجاز نمی‌دانست کنار رفت و این فکر، امروز در جهان منسوخ شد و دیگر ابر قدرتی آمریکا، مانند سال‌های قبل از انقلاب، در هیچ کجای عالم مورد پذیرش نیست. خود آمریکایی‌ها اعلام کردند که دیگر، در خاورمیانه، قدرت اول آمریکا نیست؛ بلکه قدرت اول ایران است. این اعتراف خودشان است.

این قیام لله امام که در سال ۱۳۲۲ در یک نوشته‌ای آشکار شد، به مرور در سال ۴۲ و در پانزده خرداد ۴۲ تبدیل به یک حرکت عمومی در جمع حوزویان و علماء شد و پس از آن در سال ۵۷ به یک انقلاب بزرگ، انقلاب شکوهمند اسلامی تبدیل شد و در سال‌های بعد، به بیداری اسلامی در کشورهای مختلف جهان، کشورهای شمال آفریقا و بعضی کشورهای دیگر تبدیل شد و پس از آن به تشکیل جبهه قوی مقاومت در برابر رژیم صهیونیستی و این غده سرطانی تبدیل شد. غده سرطانی که هیچ کسی گمان نمی‌کرد که روزی می‌رسد قدرتی می‌تواند در برابر این غده سرطانی ایستادگی کند. بعد از امام راحل (ره) حقیقتاً باید عرض کنیم که مقام معظم رهبری به عنوان شاگرد خلف امام راحل (ره) این مسیر را به خوبی ادامه داد. مسیر قیام لله در راستای استکبار ستیزی و در راستای توسعه عبودیت، مقام معظم رهبری با نگرش تمدنی که دارد، حرکت قیام لله امام را امتداد بخشید. ایشان در یک بیانی فرمودند که ما برای اینکه به تمدن اسلامی دست پیدا کنیم، نیازمند گذر از چهار گام ابتدایی هستیم تا به تمدن اسلامی

دست پیدا کنیم؛ گام اول را فرمودند «انقلاب اسلامی» که این انجام گرفت. همان‌طور که در آن یادداشت سال ۱۳۲۲ بیان کردند، حکومت طاغوت ریشه کن شد و نظام صالحی برپا شد و به جای آن نظام مستقر شد.

گام دوم را فرمود «استقرار نظام اسلامی» که این هم باز توسط امام انجام گرفت. قانون اساسی توسط امام و با راهبری امام تدوین شد و ۷، ۸ سال اول قیام امام که ماجرای دفاع مقدس و مسائل هجمه‌های بین‌المللی نسبت به ایران انجام گرفت، با راهبری داعیانه امام (ره) پشت سر گذاشته شد.

گام سوم که مقام معظم رهبری تبیین کرده است، استقرار دولت اسلامی است که این از مهم‌ترین تلاش‌های رهبر معظم انقلاب بوده است. شما اگر در بیانات ایشان جست‌وجو کنید واژه دولت اسلامی بسیار پر تکرار و پر بسامد است. ایشان راجع به دولت اسلامی و اسلامی شدن همه فرایندهای حاکمیت، چه در عرصه تعلیم و تربیت، چه در عرصه هنر، چه در عرصه اقتصاد، چه در عرصه سیاست خارجه با راهبری بسیار هوشمندانه خودشان، این قیام لله را در سطح نظام اجتماعی عملی کردند. نظام اجتماعی اگر با قیام لله دنبال شود، نتیجه در مرحله چهارم امت اسلامی شکل می‌گیرد و در مرحله پنجم فرمودند که به تمدن اسلامی دست پیدا خواهیم کرد. خود آقا در بیاناتشان بارها فرمودند که ما الآن در مرحله دولت سازی هستیم. دولت اسلامی به این معنا که همه فرایندهای حاکمیتی اسلامی شود، هنوز شکل نگرفته و راه زیادی تا آن زمان داریم. بارها و بارها در عرصه اقتصاد بر اقتصاد مقاومتی تأکید کرده‌اند. اقتصاد مقاومتی، یعنی قیام لله در عرصه اقتصاد. در ماجرای تعلیم و تربیت بر سند تحول آموزش و پرورش تأکید کردند؛ سند تحول آموزش و پرورش یعنی قیام لله در عرصه تعلیم و تربیت. در عرصه تعلیم و تربیت شما از زیر بردگی طاغوت بیرون بیایید و اسناد ننگینی، مثل سند ۲۰۳۰، را کنار بگذارید و به سمت عبودیت خدا حرکت کنید و اسنادی برپایه معارف دینی تنظیم کنید. این می‌شود قیام لله در عرصه تعلیم و تربیت. در



انقلاب موج می‌زند. اگر کسی با این نگاه که مقصد ما عبودیت خدا و اجتناب از طاغوت است، مسیر ما قیام الله است. با این نگاه به اقدامات رهبر عزیز انقلاب و حکیم انقلاب و برنامه‌هایی که ایشان در طول این سال‌ها تدبیر کرده‌اند و پیگیری کرده‌اند بنگرد، قیام الله را در تمام شئون رهبر عزیز و حکیم انقلاب مشاهده می‌کنیم.

امروز، حرکت ما، حرکت انقلاب ما، یک حرکت قرآنی است. یک حرکت جهادی در راستای قیام الله است و طلبه‌ها هم، به عنوان سربازان این مسیر و شاگردان مکتب امام صادق علیه السلام وظیفه دارند که قیام الله را هم در عرصه اندیشه و هم در عرصه عمل دنبال کنند. تسلیم اندیشه‌های رایج برگرفته از تفکر مادی نباشند. تسلیم

اندیشه‌های محافظه کاران و

دنیاطلبان نشوند و در

عرصه رفتار و عمل هم

با تمام قوا برای

تحقق منویات

اولیای الهی و برای

پیشبرد کشور در

مسیر عبودیت

خدا تلاش کنند.

این رسالت امروز

ماست که ادامه راه

امام و ادامه راه رهبر عزیز

انقلاب که همان راه انبیاء

الهی است، در این جهت خلاصه

می‌شود.

و سلام علیکم و رحمة الله

عرصه نظام سیاسی، چه سیاست داخلی و چه در عرصه بین الملل، قیام الله این است که شما به جای التماس به درگاه غرب و کاسه گدایی به دست گرفتن و در کشورهای اروپایی التماس کردن، روی پای خودتان بایستید و با کشورهای اسلامی ارتباط بگیرید و با جبهه مستضعفان و امت اسلام اقتدار خودتان را افزایش دهید. اگر اقتدار شما افزایش پیدا کرد، آن وقت در برابر دشمن به راحتی می‌توانید بایستید. این می‌شود قیام الله در عرصه نظام سیاسی. چه سیاست بین الملل و چه در عرصه سیاست داخلی.

در عرصه سیاست داخلی، قیام الله یعنی به جای حکومت‌های خودکامه استبدادی فرد محور، مردم حاکمیت داشته باشند. نظام اسلامی،

یعنی نظام مردم سالار. مردم به

میدان بیایند؛ چه در عرصه

های سازندگی کشور، چه

در عرصه های اقتصادی،

چه در عرصه های

فرهنگی... کار در دست

مردم باشد. این همه

مقام معظم رهبری بر

روی نقش مردم تأکید

می‌کنند. این در واقع

همان امتداد همان قیام

الله در عرصه نظام سیاسی و

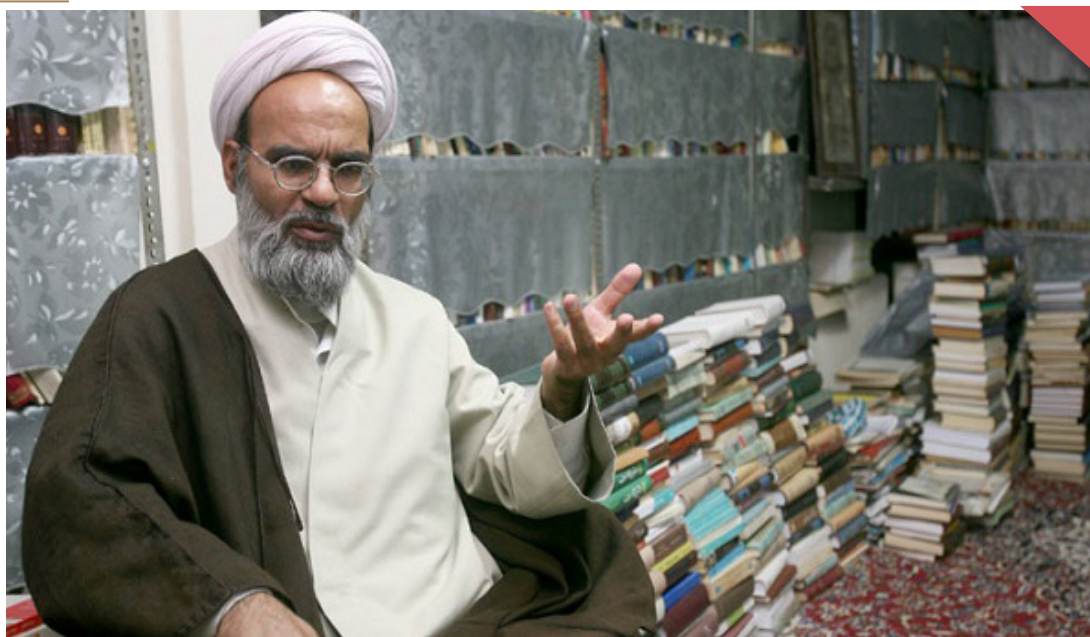
در عرصه سیاست داخلی

است. قیام الله در تمام

اقدامات رهبر عزیز

و حکیم





بررسی تحرکات امام از دهه ۲۰ تا دهه ۴۰

نشست تخصصی امام صادق (ع)

استاد ابوالحسنی منذر

هیچ گوشی شنیده است، نه هیچ چشمی دیده است و نه در ذهن هیچ بنی آدمی خطور کرده که بالاتر از امام صادق علیه السلام کسی در این عالم باشد. آن هم از چه جهاتی؟ علماً، ورعاً، عبادتاً و فضلاً. ببینید هم در عبادت و نیایش، هم در علم و دانش و هم در معنویت، ورع و تقوا، بی نظیر است. این‌ها که سران مذاهب و فرقه‌های جهان اسلام هستند این‌طور ستایش می‌کنند و واقعاً باید بگوییم که مثل امشب و فردایی، برای شهادت امام صادق علیه السلام، در جای جای ایران اسلامی غوغا برپاست و ملت ایران داغدار هستند. برای این است که هرچه داریم از اوست:

امروز برای بنده واقعاً سعادت است که خدمت فضلی گرامی، محققین و علاقه‌مندان به تاریخ روحانیت شیعه و شاگردان مذهب جعفری، امام صادق علیه السلام باشم. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ** خداوند متعال روح همه علماء و گذشتگان را سر سفره احسان امام صادق علیه السلام محشور بگرداند و اجر همه آقایانی که برگزار کننده این مراسم بوده‌اند با شخص حضرت صادق علیه السلام باشد.

روز شهادت امام صادق علیه السلام و نیمه اردیبهشت ماه امسال، مناسبت‌هایی با هم مقارن شده است که خیلی پرمجراست. از یک طرف شهادت رئیس مذهب، امام جعفر صادق علیه السلام، است که واقعاً هر چه داریم از اوست. مالک بن انس، پیشوای فرقه مالکیه، در مورد حضرت صادق علیه السلام می‌گوید که او عظمتی دارد که «ما رأَت عین ولا سمعت اذن ولا خطر علی قلب بشر افضل من جعفر بن محمد الصادق علماً و عباداً و ورعاً». اساساً نه

هزار طائفه آمد، هزار مکتب رفت
و مندر شیعه که قل الإمام صادق داشت



استاد فلسفی، مرحوم آقای استاد کافی. ایشان هم به علمای مختلف بلاد وارد می‌شد. اینجا یک جرقه‌ای به ذهن او می‌زند. معلوم می‌شود که خیلی اهل حفظ تراث بوده است. یک دفتری را با خود همراه داشت که علمای برجسته ایران را که می‌بیند، از هر یک دستخطی بگیرد و یک محتوا و رهنمودی را در این دفتر منعکس کند. یکی از مواردی که این دفتر مزین می‌شود به دستخط علماء، در ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۲۳ است که مرحوم آیت الله صدوقی به جناب مرحوم حجت الإسلام والمسلمین وزیری می‌گویند که ما آقا روح الله داریم، او را ببین که چه شخصیتی است. منزل دعوت می‌کنند و آنجا مرحوم وزیری با اینکه سَنَس بالاتر از مرحوم امام بوده است، اما تقاضا می‌کند که شما یک دستخطی را بنویسید. الآن نسخه خطی‌اش در کتابخانه وزیری یزد موجود است.

اولاً، اولین و تاریخی‌ترین سندی است که امام درباره قیام نوشتند و انگار کلیات منشور قیام و جرقه‌ای که در ذهنشان بود را مطرح کردند. بر پیشانی این نوشته، این آیه شریفه را امام می‌نویسند: «قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بَوَاحِدَةً أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مِثْلَ ثَنِيٍّ وَفُرَادَى»؛ بعد می‌گویند که اگر به این وضع افتاده‌ایم، اگر به تیره روزی افتاده‌ایم، برای این بود که نسبت به دو عنصر کوتاهی کردیم یا قیام نکردیم و عافیت طلب و خودخواه شدیم یا اینکه قیام صورت گرفت، اما قیام نفسانی بود و لله نبود.

حال این بحث‌ها مطرح می‌شود، چه مسیری را روحانیت شیعه آمده است و آن علمایی که بلند نظر بودند، چه افق‌هایی را پیش روی ما قرار داده‌اند؟ متأسفانه امروز ما مشکلی داریم و آن اینکه الآن در حوزه‌ها، فقط متمرکز در یک حیطه‌های خاصی شده ایم و از مسائل روز و استراتژی کلان روحانیت شیعه در تاریخ غافل شده ایم.

یکی از آقایان علماء دل خونی داشت. رفتم پیش او- این تذکر لازم است که این مطلب اصلاً تحلیل بر تحقیر فقه نشود، خود من به شدت مخالفم

این افتخار مذهب ماست. من این را از امام خمینی (ره) پیدا کرده‌ام که در سال ۴۱، در سخنرانی ۶۱ آبان، در منزلشان تصریح می‌کنند که این کشور قانونش قانون امام جعفر صادق علیه السلام است و باید تا ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه این قانون باقی بماند.

اول بحث دوست دارم یک تاریخچه‌ای از بحث خودمان خدمت عزیزان عرض کنم. خود اینکه تاریخچه این ایام را بدانیم بسیار جذاب و شورآفرین و عبرت انگیز است. در عین حال، روز شهادت امام صادق علیه السلام امسال مصادف شده است با روز بزرگداشت صدوق الطائفه، شیخ صدوق، که سنگربان تراث امام صادق است. از طرف دیگر، سالروز هجوم عناصر رژیم پهلوی به مدرسه فیضیه و هجوم به طرف شخص آیت الله العظمی گلپایگانی و حتی شهادت حجت الإسلام والمسلمین سید یونس رودباری است. این موارد غیر از ضرب و شتم طلاب است که شما دیدید، در یکی از این سریال‌های اخیر، همین که فرازی از این حمله را به فیضیه پخش کردند، چگونه شبکه‌های ماهواره‌ای وابسته واکنش نشان دادند و از این که این مظلومیت بازتاب پیدا کرده است خشمگین شدند.

در این ایام مناسبت دیگری هم هست که اتفاقاً نشست قیام صادق به این مناسبت برگزار می‌شود و آن هشتادمین سالگرد دستخط قدیمی‌ترین سند تاریخی امام خمینی (ره) در مورد قیام و آن هم قیام لله در همین روز نیمه اردیبهشت ماه است که مصادف شده است با شهادت امام صادق علیه السلام. اینجا باید واقعاً من ذکر خیری داشته باشم از مرحوم حجت الإسلام والمسلمین وزیری که ایشان از مفاخر ارزنده یزد، بلکه ایران و تشیع بود و این کتابخانه ایشان الآن در یزد یک میراثی است. مرحوم وزیری جزء خطباء بود. بسیار خطیب برجسته و فعال و تأثیرگذاری بود که به شهرهای مختلف ایران هم دعوت می‌شد. آن موقع این‌طور بود، خطباء که دعوت می‌شدند به شهرهای مختلف بر علمای مهم بلاد وارد می‌شدند؛ مثلاً مرحوم



با این جوّی که بعضی‌ها درست می‌کنند - اما می‌گفت درس خارج‌هایی که بعضی دارند فقط بحث‌های فقهی، مانند طهارت است؛ یک بار بحث استبراء را مطرح می‌کنند، یک بار بحث استحاضه را مطرح می‌کنند و ... آن عالم ناراحت بود که به خدا استعمار هم هست، استبداد هم بوده است در تاریخ؛ چرا غافل می‌شویم؟ چرا دقّت نمی‌کنیم؟ فقهاء بزرگ ما مثل میرزای شیرازی صاحب قیام اقدام بوده‌اند. امام(ره) فقهش، اصولش، تفسیرش، عرفانش، ادبیاتش که شاعر بود، در کنار همه این‌ها یک سیاست‌شناس هم بود؛ چرا ما دور افتاده‌ایم؟ الآن روحانیت شیعه به گوشه رینگ رفته است و دارند به او حمله می‌کنند. ما تصوّر کرده‌ایم که اگر عرصه را خالی کنیم، به اسم ما تمام نمی‌شود و خیلی از اتفاقاتی که می‌افتد، ما تبرئه می‌شویم. اتفاقاً الآن که روحانیت به یک گوشه رفته است، بیشتر به او هجوم آورده‌اند. باید بمانیم. بازخوردهای حرکت سیاسی‌اش را ببینیم. خودمان را رشد دهیم. یک جاهایی ارتقاء دهیم. یک جاهایی اصلاح کنیم. یک جاهایی خود را تقویت کنیم و گذشته تاریخی خودمان را جلو بیاوریم.

من می‌خواهم تحلیل این موضوع را بگویم که چرا امام سراغ قیام‌لله رفت؟ و چگونه رفت؟ و زمینه‌های تاریخی پیدایش این قیام‌لله در اندیشه ایشان چه بود؟ و به چه آثار و پیامدهایی رسید؟ برای توضیح مطلب دو ماجرای تاریخی مطرح می‌کنم

ماجرای اول بر می‌گردد به پیشینه مرحوم امام که یکی از بانوان، در زمانی که امام جوان بوده‌اند، می‌روند به حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها. بعد با کمال تعجب نگاه می‌کنند و می‌بینند که در بالای یکی از گلدسته‌ها که از بام حرم به آن راه دارد، یک کودک ۷ یا ۸ ساله‌ای رفته است بالای آن و نشسته است روی بالای گلدسته. به جای اینکه برسد از این همه ارتفاع از بالا به پایین نگاه می‌کند و راحت پاهایش را تکان می‌دهد و بازی می‌کند. این صحنه برای او عجیب آمده بود و آمده بود منزل امام این قصه را نقل

کرده بود و امام شنیده بود. بعد امام یک تأملی کردند. به خانم ثقفی همسرشان گفته بودند که من فکر می‌کنم که این آقای مصطفی خودمان باشد. شخص دیگری این کارها را نمی‌کند. چون آقا مصطفی، هم خیلی شوخ بود و هم حالت شجاع داشت. قصه‌های زیادی نقل می‌کنند؛ مثلاً می‌گویند که در همان سنین کمش، یک شغالی را دیده بود در سمت فیضیه و دنبالش کرده بود تا سمت رضویه. با اینکه زخمی هم شده بود، گفته بود که من آلا و لابد باید این را بگیرم. فرد خاص و شجاعی بود. حال در این خانواده، شجاعت چیز عجیبی بود از خود مرحوم امام(ره) بگیرد تا آقا مصطفی. این نکته‌ای که می‌خواهم عرض کنم این است که امام صبر کرد. آقا مصطفی آمد خانه و آن موقع خانه شان هم محله یخچال قاضی بود. امام یکدستی زده گفتند: مصطفی برای چه رفته بودی بالای گلدسته؟ نگفتی خطرناک است؟ و ... مرحوم آقا مصطفی به انفعال افتادند و معلوم شده بود که کار خود ایشان است. این را مرحوم استاد آل طه، خطیب برجسته قم، تعریف می‌کرد و می‌فرمود که آیت الله اراکی این را برای ما نقل می‌کرد؛ آیت الله اراکی از دوستان امام بود. هر دو هم درس کلاس آیت الله حائری بودند و می‌فرمود: چنانکه آقا مصطفی رفته بود آن بالا و پاهایش را تکان می‌داد، الآن هم امام خمینی(ره) خودش رفته است بالای مناره جهان نشسته است و مقابل این ابرقدرت‌ها دارد پاهایش را تکان می‌دهد.

داستان دیگری که بخواهم نقل کنم، مرحوم آیت الله شیخ حسین لنگرانی، هم از نمایندگان مجلس بودند، هم از علمای تهران بودند و هم سیاست پیشه بودند؛ حتّی قبل از این که امام در عرصه سیاست وارد شوند، ایشان و شهید مدرّس، با هم وارد مبارزاتی مانند قرارداد و ثوق الدوله شدند و ایشان معروف است به مرد دین و سیاست و مقبره‌اش هم در حرم حضرت عبدالعظیم است. خیلی مرد سیاست پیشه و سیاست مداری است که سوابق خیلی گسترده‌ای هم دارد. ایشان، در سال ۴۰، امام را به باغی که در کرج داشتند دعوت





شما بگویم:

ما اصلاً دو کتاب داریم، مثال می‌زنم راجع به پهلوی پدر و پسر. یک کتابی هست به نام روانشناسی استبداد رضا شاه؛ نشر بعثت دارد. بر اساس چارچوب نظریه آدلر اسپرر، دو نویسنده محترم بحث کرده‌اند که اساساً اقدامات سرکوب گرانه رضا خان، بخش قابل توجهی به ناهنجاری‌های شخصیتی و تربیتی دوران کودکی و نوجوانی و منش فردی رضا خان باز می‌گردد. مثلاً محمد رضا شاه تصریح می‌کند که پدرم به خاطر شرایط سختی که داشت، نتوانست درس بخواند. شما در نامه‌های رضا خان ببینید، بعضاً تا ۱۱ غلط دارد در یک نامه؛ مثلاً مأمور را می‌نویسد معمور. یا مثلاً «به هیچ وجه» را شما ببینید که اصلاً چطور نوشته است؟! اصلاً خنده دار است این نامه که مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی آورده است، مرحوم ملک الشعراء بهار یک سندی را آورده است. از این موارد زیاد است. این نشان می‌دهد که تنگ نظری، روحیه مال طلبی، ثروت اندوزی، تندخویی و خشونت طلبی، سوء ظن و نخبه کشی، این‌ها را که شما وقتی می‌بینید و به گذشته‌اش مراجعه می‌کنید می‌بینید که یک سری ناهنجاری‌هایی داشته است.

دوم کتاب شکست شاهانه، اثر ماروین زونیس، ایشان یکی از نویسندگان غربی است که کتابش چاپ شیکاگو است. محمد رضا پهلوی را از منظر جامعه شناختی و روانشناختی بحث می‌کند. می‌گوید که خودم محمدرضا پهلوی را دیده بودم، اما به این بسنده نمی‌کند و اسناد تاریخ را می‌بیند و می‌رود بررسی می‌کند. حتی گفتارها و مصاحبه‌های مهم تاریخی که ایشان انجام داده است. به این می‌رسد که شخصیت محمدرضا شاه وابسته بود. در طول زندگی به ارنست پرون و اسدالله علم وابسته بود و بعد از اینکه این‌ها رفتند و فوت کردند، هجوم نهضت اسلامی که جلو آمد، این خودش را باخت. دیگر نه می‌توانست به فرح پهلوی تکیه کند، نه به فردوس تکیه کند. آمریکا هم که پشتش را خالی کرد. اصلاً متلاشی شد؛ لذا سقوط کرد. در مورد امام خمینی (ره) می‌خواهم

می‌کنند. آن موقع امام به عنوان آقا روح الله مطرح بود و خیلی از مردم هم او را نمی‌شناختند. تازه ارتحال آیت الله بروجردی رخ داده بود. ایشان را با ۹۰ نفر دیگر دعوت کردند و سفره‌ای انداختند در آن باغ. باغ آقای لنکرانی هم معروف است؛ حتی مواردی هم ایشان، توسط رضا خان، به سمت کرج تبعید شد. می‌گفت سفره را که انداختند، آقا روح الله هم بود و ما نمی‌شناختیم. گفتند که ایشان از اساتید برجسته حوزه هستند، آقا روح الله خمینی (ره) هستند و اصلاً آیت الله لنکرانی می‌خواست ایشان را به علمای کرج معرفی کند. گفت بعد از مراسم مسابقه تیراندازی گذاشتند، آقای لنکرانی خودشان تیرانداز قابلی بودند. یک قوطی سیگاری بود که روی این قوطی سیگار یک تاج بود و آن را در فاصله ۹ متری گذاشتند. بعد گفتند که بیا بید مسابقه تیراندازی بگذاریم و ببینیم که تیراندازی چه کسی خوب است؟ گفت همه داشتند می‌زدند که یک دفعه همین آقا روح الله که ما نمی‌شناختیم درست که چه کسی است؟ آمد و اسلحه را گرفت و گفت بدهید من هم امتحانی کنم. می‌گفت اسلحه را گرفت، ه تیر شلیک کرد و هر ۵ تیر را دقیقاً به تاج زد و ما ایشان را نمی‌شناختیم و بعدها، دو سال دیگر که مبارزات امام در سال ۴۲ اوج گرفت، آن موقع عکس ایشان را در آن گیرودار دیدیم، گفتیم که عجب! این آقا روح الله انگار از اول با آن تاج مشکل داشت و آن روز هم به خال زد.

این ماجراهای امام، جای این سؤال را دارد که چرا امام (ره) به این سمت حرکت کرد و این قیام لله را و شجاعت را به کار برد؟ من حال اینجا می‌خواهم یک بنیه اندیشه‌ای، جریان شناسی و جامعه شناسی به بحث بدهم. ببینید در مورد مشاهیر و حکمرانان در دنیا، آن‌ها که تحولات گسترده جهانی ایجاد کرده‌اند، یک بحثی هست بین روانکاوان، روانشناسان و جامعه شناسان و آن این است که معتقدند بسیاری از تحولاتی که مشاهیر و حکمرانان رقم می‌زنند، این‌ها تحت تأثیر تربیت خانوادگی و فضایی است که این‌ها از کوچکی بزرگ شده‌اند. حال من دو نمونه برای

این نکته را عرض کنم که چرا امام به این سمت حرکت کرد؟ ما این مسئله را اگر بخواهیم از بستر تربیتی و خانوادگی او، نوجوانی و جوانی تا این نامه که در سن ۴۲ سالگی ایشان نوشته شده است بررسی کنیم، می‌فهمیم که هم به لحاظ خانوادگی، هم به لحاظ تربیتی، یک شخص شجاع، عدالت خواه، حق جو و اصلاً دنبال قیام بر علیه باطل بوده است.

اساساً پدر امام خمینی(ره)، آقا سید مصطفی ترور شد، توسط اشراک منطقه‌ای که در خمین و اراک به مردم تعدی می‌کردند. پدر امام سینه‌اش را سپر کرد، خانه خودش را سنگر مبارزه با اشراک قرار داد و ترور شد؛ در حالی که امام ۴ ماهه بود. بعد دوباره شما می‌بینید که خود امام خمینی(ره) وقتی که تهدیدات کارتر و آمریکایی‌ها را می‌بیند، در سخنرانی مهمی که دارد، قصه را بیشتر شرح می‌دهد. «ما هیچ خوفی از این نداریم که بر بخورد به آقای کارتر یا امثال او و توطئه زیادتر کند.» بعد ایشان می‌گویند که من از بچگی در جنگ بوده‌ام. می‌گویند تا حالا برای شما نگفتم که من از بچگی در شرایط درگیری و جنگ و دفاع از حق خودم بزرگ شده‌ام. بعد می‌فرماید که «ما مورد هجوم زلّی‌ها بودیم». زلّی‌ها یک طائفه اشراک بسیار خطرناکی هستند. «مورد هجوم رجبعلی‌ها بودیم». یکی از طوائف اشراک است که رئیسشان رجبعلی بود. «و خودمان تفنگ داشتیم و من در عین حالی که تقریباً اوایل بلوغ بودم و بچه بودم، دور این سنگرهای که بسته بودند در محلّ ما و این‌ها می‌خواستند هجوم کنند و غارت کنند، آنجا می‌رفتیم و سنگرها را سرکشی می‌کردیم». در بیان دیگری دارند که «ما در همان محلی که بودیم، یعنی در خمین که بودیم، سنگربندی می‌کردیم و من هم تفنگ داشتم». ببینید، می‌گویند: «تازه داشتم بالغ می‌شدم»؛ اما بلد بودم از حق خودم و حق مظلومین منطقه دفاع کنم. منتها من بچه بودم، به اندازه بچگی ام، بچه ۱۶ ساله، تفنگ دستان بود و تعلیم و تعلّم تفنگ هم می‌کردیم. سنگر می‌رفتیم. آن وقت، سند دوم تاریخی دفتری است که از امام خمینی(ره) پیدا شده است. این

مال دوره نوجوانی امام و کودکی امام است. این دفتر در کتاب امام به روایت امام، محتوایش چاپ شده است. عجیب است دفترچه شعری از دوران نوجوانی امام که نشانه محیط سیاسی، رشد امام و آشنایی حضرت از ابتدای زندگی با مسائل جامعه است. اشعار این دفترچه، سروده‌های شعرای مشهور آن زمان است که در وصف اوضاع نامطلوب سیاسی و اجتماعی ایران آن روز سروده شده است و به خط امام در سنین ۹ و ۱۰ سالگی است که یکی از آن‌ها مسقط معروف ملک الشعراء بهار است که اینجا امام نوشته است:

هان ای لیرلین، لیرلن لندر بلاست
ممکنت داریوش د متخوش نیکوست

(می‌گویند روس‌ها ریخته‌اند)

مرکز ملک کین، در دهن اژدهاست
غیرت اسلام کو؟ جنبش مئی کجاست؟
کجی که شد اصفهان، به چنگ افغان و پچر
لشکر پطر کیسرفت به گیلان قرار

بعد تا می‌رسد به اینجا که:

برادرلن رشید، برادری تن چه شد؟
به عرصه رزمگاه، دلاوری تن چه شد؟

حال رؤس عواملی که موجب این قیام الله شد را مطرح می‌کنم:

۱. نگاه دقیق به تحولات سیاسی و موج‌های فکری روز؛ حتی آیت الله سبحانی می‌فرماید: امام(ره) در



مجاهدی که ادامه مشروعه خواهی شیخ فضل الله است و از اعوان و انصار مشروطه مشروعه است، از بزرگان است خودش، می‌رود به او سر می‌زند. قیام آقا نورالله ثانی را در قم می‌بیند. ۴. تحلیل و تفسیر جهادی و حداکثری از اسلام. ایشان در کتاب کشف اسرار برای اولین بار حکومت اسلامی و ولایت فقیه را اینجا مطرح می‌کند، نه در درس گفتارهای ولایت فقیه. این کشف اسرار یک سال قبل از نامه قیام الله نوشته شده است، ۱۳۲۲. در آن موقع نوشته شده است تا ۱۳۲۳. بعد در کتاب الرسائل، مبحث اجتهاد و تقلید، بحث ولایت فقیه را مطرح می‌کنند. بعد درس گفتارهای درس ولایت فقیه، بعد تحریر الوسيله، مبحث امر به معروف و نهی از منکر، بعد کتاب البیع، بحث ولایت فقیه. خلاصه تأکید امام قیام الله بود. اصولی و صحیح و عامل اصلی اش هم، یکی تفرقه جبهه مؤمنین، دلسردی و سکوت و بعد آسیب شناسی. یک تاریخ نگار سکولار را که نمادش کسروی هست بیان می‌کند به عنوان آسیب‌ها. یکی بحث بهایی گری است که از دشمنان متحد و سرسخت ما هستند. یکی بحث کشف حجاب است که اتفاقاً امروز بحث روز است. اساساً یکی از مشکلات روز جامعه را بانیان کشف حجاب و سیاست کشف حجاب و سیاست عقّت زدایی از بانوان ما در این نامه یاد می‌کند که من به بینندگان گرامی توصیه می‌کنم که حتماً این نامه را بخوانند. در جلد اول صحیفه نور، متن این نامه آمده است. نکاتش را ببینند و با شرایط امروز، با اقتضائات امروز و با رسالت امروز ما، این را تطبیق دهند که قیام الله امام چگونه رسید به جبهه مقاومت درجهان؛ بلکه جهان غرب را به چالش کشید و امروز می‌بینیم که ایران چه سیلی محکمی مستقیماً به صورت اسرائیل زده است که ما اصلاً در تاریخ روحانیت شیعه، این هجمه را با رهبری علمای شیعه نسبت به استعمار، آن هم به این صورت مستقیم نداشتیم.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

کنار دروس متداول حوزه، فلسفه غرب و فلسفه داروین را نزد آیت الله شیخ محمدرضا اصفهانی مسجدشاهی آموخت. یعنی امام (ره) دوره فلسفه غرب را آموخته بود. حال به اندازه خودش در آن فضا.

۲. مشاهده حوادث تاریخی؛ می‌گوید: من جنگ جهانی اول را دیده‌ام. ببینید عین کلام امام است. من از همان آغاز از کودتای رضا خان تا امروز، شاهد همه مسائل بوده‌ام. ببینید فرق می‌کند؛ امام خودش شاهد مسائل بود. اصلاً لمس کرده بود. شده بود عین تاریخ؛ لذا از این ظرفیت تاریخی استفاده کرد برای قیام الله.

۳. تجربه اندوزی، حشر و نشر با علمای مجاهد و مبارز؛ امام تحت تأثیر شخصیت آیت الله سید محمد تقی خوانساری قرار داشت. شخصیتی که اسیر انگلیسی‌ها شده بود چهار سال به واسطه حضور در جهاد با انگلیسی‌ها. درس ایشان می‌رفت، نماز جمعه ایشان می‌رفت. امام در بیاناتش می‌گوید که من دوست داشتم ببینم، بلند شدم رفتم تهران، در مجلس شورا، نطق شهید مدرّس را از نزدیک دیدم، خانه‌اش رفتم، درسش رفتم و به شدت تحت تأثیر شجاعت شهید مدرّس و لباس کرباس و ساده زیستی ایشان قرار گرفتم. این فرق می‌کند با کسی که این‌ها را ندیده باشد. با آیت الله کاشانی رفیق است و بعد آیت الله میرزا صادق مجتهد تبریزی که به قم تبعید می‌شود، به کزات امام می‌رود و این عالم



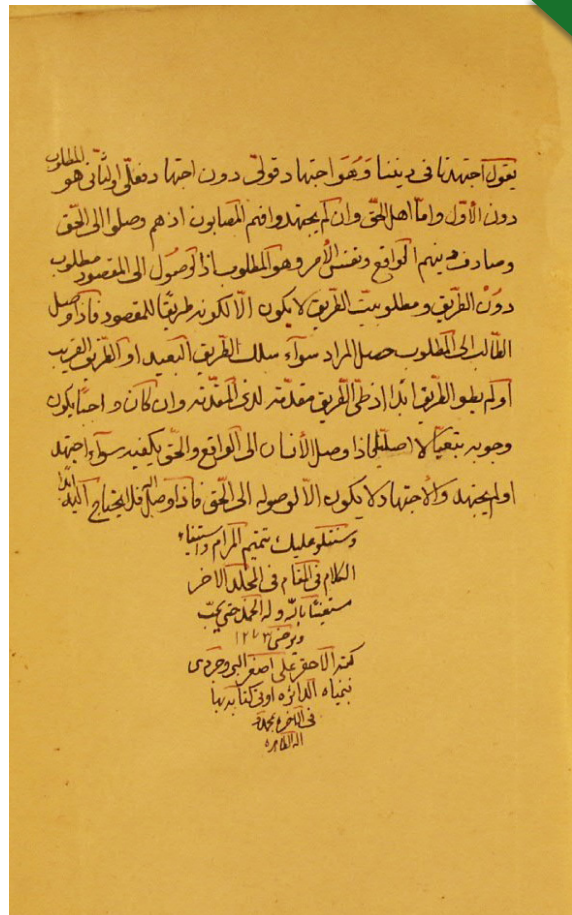
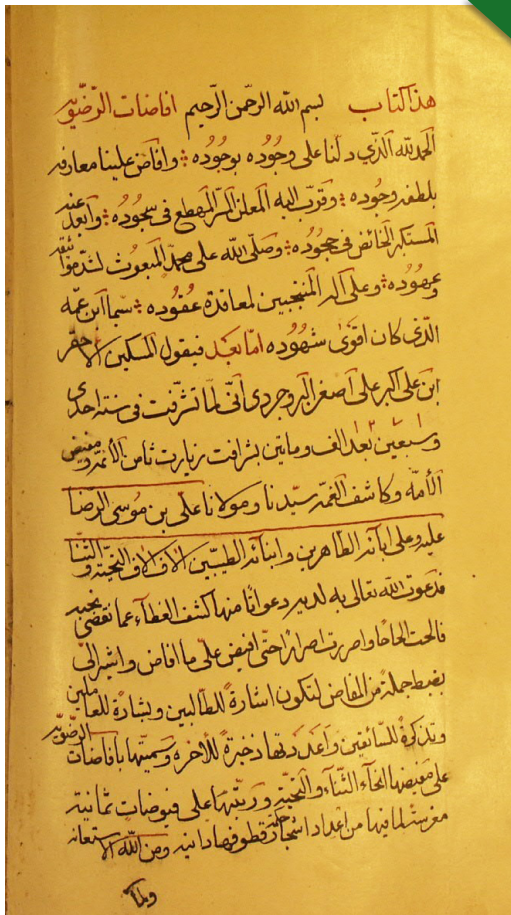
گنجینه مروی





نویسنده: حجت الاسلام آزده

در شماره‌های قبل نشریه مروی در مورد زندگی نامه و اجازات مرحوم علی اصغر بروجردی از مرحوم صاحب جواهر و مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء مطالبی ارائه شد. [۱] در این شماره قصد داریم به معرفی آثار ایشان در موضوعات اعتقادی بپردازیم که تاکنون روی اکثر آن‌ها پژوهشی صورت نگرفته است.



نسخه شماره {۷۳۸} (نسخه اصل) قرن ۱۳ و ۱۴

نام کتاب: الافاضات الرضویه

پدیدآور: نیر بروجردی، علی اصغر بن علی اکبر، ۱۲۳۱-۱۳۱۳ ه.ق

(موضوع - زبان): کلام و اعتقادات - عربی

کاتب: مؤلف خط: نسخ تاریخ کتابت: سنه ۱۲۸۵

محل کتابت: مشهد رضوی تاریخ و محل کتابت: ۱۲۷۳، محل کتابت مشهد الرضا علیه السلام

و یرضی ۱۲۷۳.

کتابشناسی: مؤلف در مقدمه می‌فرماید: «در سال ۱۲۷۱ در ایامی که به زیارت ثامن الائمه، علیه و علی آبائه الطاهریین و ابنائه آلف التحیه و الثناء، به مشهد مشرف شده بودم از خدا با اصرار خواستم به من عنایتی کند و بنابرین، به من افاضاتی شد که من آن‌ها را برای اینکه اشاره‌ای برای طالبین و بشارتی برای عاملین و تذکره‌ای برای سائقین باشد، ضبط کرده و نوشتم و آن را ذخیره آخرت

آغاز: بسمله الحمد لله الذي دلنا على وجوده بوجوده و أفاض علينا معارفه بلطفه و جوده و قرب إليه المعلن المزهق في سجوده و أبعد عنه المستكبر الخائض في جوده... اما بعد فيقول الاحقر ابن علي اصغر البروجردی لما تشرفت...

انجام: فإذا وصل اليه فلا يحتاج إليه أبدا و سنتلوا عليك تتميم المرام واستيفاء الكلام في المقام في المجلد الآخر مستعينا بالله و له الحمد حتى يحث



خود قرار داده و «افاضات الرضویه» نامیدم و آن را در فیوضات هشت گانه مرتب نمودم.» کتاب حاضر شامل هشت فیض است که مؤلف فهرست مفصل آن را در ابتدای کتاب آورده که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌شود فیض اول: فی السوق (جان کندن) و کیفیت. این بخش شامل توصیفات از جناب عزرائیل و قبض روح، آیات مرگ و حالاتی که بر شخص محتضر می‌گذرد و روایات مربوط به آن است. فیض دوم: در حالاتی که بعد از مرگ اتفاق می‌افتد. ملائکه به اذن الهی روح را به آسمان می‌برند و سپس بر سر نعش خود حاضر می‌شود. اعمالش بر او تمثیل پیدا می‌کند. سوال و جواب در قبر توسط نکیر و منکر، حضور امام (ع). فیض سوم: در احوال ارواح بعد از مفارقت از بدن عنصری، در تجسم روح، در احوال مؤمن و کافر دربرزخ، فی احوال المستضعفین و الاطفال و المجانین، فی زیارة الاموات احیائهم. فیض الرابع: فی بیان البدن المثالی، فی بیان معرفة الانسان، فی احوال النوم، فی حجية الرؤیا، فی ظهور آثار البدنین، خبر جابلقا و جابرسا، فی تعداد اصناف الارض، کلام مجلسی در عوالم، کلام افلاطون و حکماء، کلام ارسطو، کلام صاحب فتوحات. فیض پنجم: فی بیان تحقیق الروح و اقسامها و احوالها، فی ذکر آیات و روایات روح. فیض ششم: فی بیان مراتب الانفس و حقیقتها و اقسامها و تعریفها و اطلاقاتها و فیها افاضات. الفیض السابع: فی بیان العقل و اطلاقاته و معناه، فی اقسام العقل، فی ادلة وجود العقل. الفیض الثامن: فی بیان احوال القيامة و مقدماتها و احوالها و عقباتها، فی عمر الدنيا، فی هبوط آدم الی الارض، فی رجعة الائمة، فی اقسام القيامة، فی محاربة امیر المؤمنین، فی خروج دابة الارض، فی كيفية نفخ صور، فی احیاء الاموات، فی بعث الناس و حشر المخلوقات، فی معاد الجسمانی و العنصری، در بیان معجزاتی که از قبور ائمه علیم السلام ظاهر شده است، در فضیلت کربلا و خلقتش، جواز نقل اموات به مشاهد مشرفه، تحقیق در بیان علم غیب، فی مقدار زمان يوم القيامة، آیات آثار يوم القيامة، فی حکومت الله يوم القيامة، فی انّ محمداً اصل الخلقة، فی بیان میزان، تطایر الکتب، فی

بطلان النساب يوم القيامة، شفاعت، فی کلام الله يوم القيامة، قرآن در قیامت، در احوال محشر، خلود اهل النار، قاصرو مقصر در قیامت، فی لزوم الاجتهاد فی العقائد پایان بخش کتاب است.

در ابتداء کتاب نوشته: «جلد بیست و نهم آنچه از کتب مصنفه و زیر مؤلفه از سنه ۱۲۵۳ الی حال که سنه ۱۲۷۴ است، در نشر آثار شریعت غری در امور مختلفه از اوراق سواد بصفحه بیاض بعون الله تعالی آمده است این است ...» سپس نام بیست و نه کتابی را که خود تألیف کرده است می‌برد و در انتها می‌نویسد: «آنچه از کتب مصنفه و مؤلفه احقر علی اصغر بروجردی، از سنه ۱۲۷۵ از سواد بصفحه بیاض آمده است بدین تفصیل است تا سنه ۱۲۸۵» و نام ۹ جلد کتاب را می‌برد. نسخه موجود در کتابخانه اصل است.

انجامه: کتبه الاحقر علی اصغر البروجردی بیمناه الدائرة اوتی کتابه بها فی الآخرة بمحمد و آله الطاهرين ۱۲۷۳ هـ.ق

موجودی نسخه: چاپ نشده است

منابع: کتابخانه خطی مدرسه مروی

تصحیح و حاشیه نویسی: متن در حاشیه تصحیح شده است (صح)

عناوین: شنگرف

یادداشت‌های مربوط به کتابخانه: یک تومان قیمة شد، فی شهر صفر الخیر ۱۳۰۷.

برافزوده: ورق ۳۹۸، جمعیت جهان به تفکیک قاره‌ها و همچنین به تفکیک ادیان و مذاهب مختلف نوشته است؛ در سنه ۱۲۷۶ هـ.ق.

رکابه دار جزو: ۶ برگ

آسیب دیدگی: چهار صفحه در ابتدا و دو صفحه در انتها بیاض آسیب دیدگی دارد.

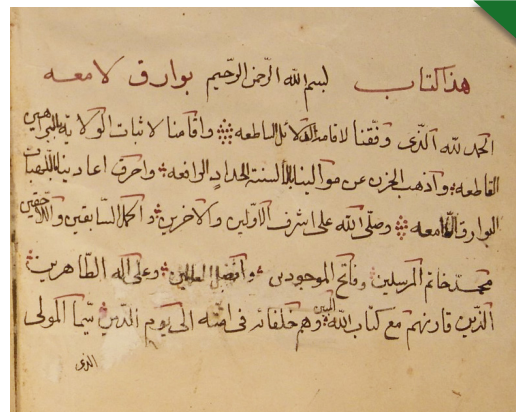
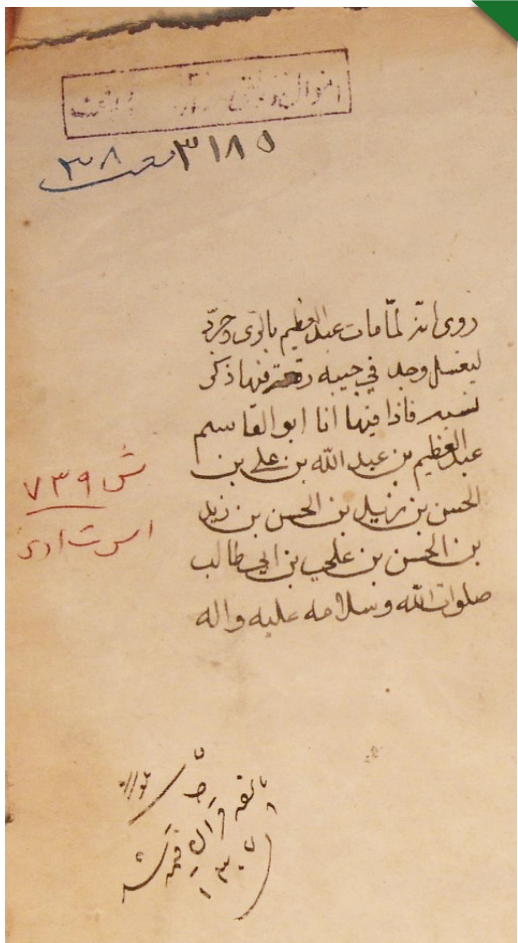
برگ: ۴۰۹ ورق، ۸۱۰ ص

سطر: ۱۲ سطر

جلد: قطع خشتی تیماج قهوه‌ای مجدول با ترنج و سرترنج

اندازه جلد: ۱۴×۲۲ **تعداد عکس با جلد:** ۴۱۱ فریم

وقف مؤلف به مدرسه مروی، سجع مهر مربع قطره‌ای نستعلیق. (وقف محمد حسین مروی بر مدرسه الفخریه الطهران)



نسخه شماره {۷۳۹}

(نسخه اصل) قرن ۱۳ و ۱۴

نام کتاب: البوارق اللامعة الواردة على الصواعق المحرقة

پدیدآور: نیر بروجردی، علي اصغر بن علي اكبر، (۱۲۳۱-۱۳۱۳ هـ.ق)

(موضوع - زبان): کلام و اعتقادات - عربی

کاتب: مؤلف خط: نسخ تحریری

تاریخ کتابت: ورق ۱۱۲ نوشته ۵۱۲۵۵ هـ.ق

محل کتابت: نامعلوم

بخش‌هایی از خطبه شقشقیه را در چهار جزء آورده و ضمن بیان حوادث بعد از رحلت پیامبر و تشکیل سقیفه و غصب خلافت و مصائبی که از غصب فدک و خطبه حضرت زهرا (س) گذشته و تمام جزئیات وقایع را ذکر می‌کند. در جزء دوم با ذکر بخش دیگری از خطبه شقشقیه به بیان احوال عمر و خشونت اخلاقیش و جهل وی در امور دینی می‌پردازد. در بخش سوم نیز با بیان بخش دیگر خطبه به احوالات عثمان بن عفان و ظلم‌هایی که کرد و اکل بیت المال می‌پردازد. در جزء چهارم با بیان بخش‌های دیگر خطبه به احوالات مولانا امیر المؤمنین، علیه السلام، بعد از قتل عثمان و بیعت مردم می‌پردازد.

در بخش‌های بعدی کتاب به بیان ادله علمای اهل سنت و جماعت بر صحت خلافت خلفای اربعه و ادله عقلیه و نقلیه پرداخته است؛ همچنین به بیان فضایل امیرالمؤمنین علیه

آغاز: بسمله الحمد لله الذي وفقنا لاقامة الدلائل السامعة و شرفنا لاثبات الولاية الخاصة بالبراهين القاطعة... اما بعد فيقول الفقير الخادم للشرع الانور... آلت کتابی المسمى بسيف الشيعة و هو بلسان اعجمی سنخ ان اصنّف كتاباً حاوياً لمطالبه العالية...

انجام: و روی ابو قلابه من النبی صلی الله علیه و آله انه قال: «نُزِلَ الْقُرْآنُ عَلَى سَبْعَةِ أَحْزَفٍ» امر و زجر و ترغیب و ترهیب و جدل و قصص و مثل و قال بعضهم ناسخ و منسوخ و محکم و متشابه و مجمل و مفصل و تأویل لا یعل الا هو.

کتابشناسی: کتاب حاضر اثری از علی اصغر بروجردی است که از بعد تألیف کتاب دیگرش به نام سيف الشيعة، که در همین موضوع و به زبان فارسی بوده، نگاشته است. موضوع کتاب پاسخ به شبهات علماء اهل سنت و ابن حجر انصاری که از متعصبان عامه است می‌باشد. وی

السلام و آیاتی که شأن نزول آیات و اخبار و احادیثی که درباره آن حضرت است را مفصلاً بیان می‌کند. در ادامه موضوعات ازدواج حضرت زهرا سلام الله علیها و مهریه حضرت و فضایل ایشان و فضایل علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام و ائمه و امام زمان (عج) و ذکر بعضی شبهات ابن حجر و پاسخ آن‌ها و مغالطات اهل سنت و اعلمیت علی علیه السلام در تنزیل و تاویل و ظاهر و باطن قرآن و بیان نزول آیاتی که در حق علی بن ابیطالب علیه السلام است پایان بخش کتاب است. نیز بروجردی در این کتاب سعی کرده یک دوره عقاید تشیع را با پاسخ گویی به شبهات اهل سنت آموزش بدهد. ورق ۱۱۲ نوشته: «الی زماننا هذا و کان سلطان الوقت المغفور محمد شاه قاجار فی سنه ۱۲۵۵ و کان الحرمان و الخیبر و الفدک فی ید السلطان محمد علی پاشا المصری فکتب الیه تاج العلماء و سیّد الفضلاء المرحوم الحاج سید محمد باقر الرشتی اعلی الله مقامه ان یردّ الفدک الی سادات الحسنی و الحسینی بالمدينة الطیبة فردّها مجیباً لتمنیّه.» ورق ۳۳۲ مقدار صدق فاطمه سلام الله علیها آمده است. در ابتداء کتاب احوال بعضی از رواة اهل سنت را آورده است، سپس فهرست جزئیات مطالب مندرج در کتاب را آورده است. نسخه موجود در کتابخانه اصل است.

موجودی نسخه: چاپ نشده است.

منابع: کتابخانه مدرسه مروی

تصحیح و حاشیه نویسی: متن در حاشیه تصحیح شده است (صح).

عناوین: شنگرف

یادداشت‌های مربوط به کتابخانه: سجع مهر مستطیل (اموال دولتی وزارت معارف شماره ۳۱۸۵). پانزده قران قیمة شد، فی ۱۳۰۷ از چند نوع کاغذ سفید و آبی استفاده شده است.

برافزوده: یادداشت: روی ائه لما مات عبدالعظیم بالری و جزد لیغسل [ه] وجد فی جیهه رقعة فیها ذکر نسبه فاذا فیها «انا ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن الحسن بن زید بن الحسن بن زید بن ابی طالب صلوات

الله و سلامه علیه و آله»

رکابه دار

آسیب دیدگی: حواشی و عطف کتاب فرسوده شده است. حواشی کتاب را موریانه خورده است. فریم ۲۰۸ یک ورق بیاض، ورق ۳۵۰ خط خوردگی دو خط، ورق ۳۵۱ سمت راست بیاض.

برگ: ۳۸۵ ورق، ۷۶۵ ص

سطر: ۲۲ سطر

جلد: قطع خشتی تیماج قهوه‌ای با ترنج و سر

ترنج و جدول دار

اندازه جلد: ۲۲×۱۷

عکس با جلد: ۳۸۷ فریم

واقف مؤلف است.





نسخه شماره {۷۳۰} (نسخه اصل) قرن ۱۳ و ۱۴

نام کتاب: سیف الشیعة

پدیدآور: نیر بروجردی، علی اصغر بن علی اکبر، ۱۲۳۱-۱۳۱۳ ه. ق.

(موضوع - زبان): کلام و اعتقادات (امامت) - فارسی

کاتب: مؤلف خط: تحریری تاریخ کتابت: ۱۲۷۱ ه. ق. محل کتابت: طهران

آغاز: (افتادگی از آغاز دارد) ثم اعلم یا اخی ایتدک الله تعالی که چون شیخ احمد فاروقی از جمله اجله علما هند و ماوراء النهر بوده است و در سنه هزار هجری... سؤال او این است حضرت رسالت خاتمیت در فرض موت قرطاس طلبیدند

و فرمودند...

انجام: و ایضا تجزّی نمود برسول خدا کراماً و مراراً یکدفعه بصورت ردّ و انکار، یکدفعه بصورت تشدد و غضب یکدفعه بصورت تحکم و اذیت و آزار مثل وقعه صلح حدیبیه و وقعه نماز نمودن آن حضرت

به عبدالله بن ابی منافق و بر سر قبر او ایستادن چنانچه بر مستمع ظاهر هست و الحمد لله اولاً و آخراً.

کتابشناسی: کتاب حاضر رساله‌ای است در رد شیخ احمد فاروقی حنفی که ملاعلی اصغر بن علی اکبر بروجردی در ۱۲۷۱ تالیف کرده است. مؤلف در مقدمه اشاره می‌کند که فاروقی، در سنه هزار، در اطراف هند و سند و کشمیر و بخارا بوده است و مشکلات اهل سنت را حل و از این راه امرار معاش می‌کرده است. مصنف خواسته شیعیان از مسائل مطروحه توسط ایشان بی اطلاع نباشند؛ لهذا ابتدا کلمات او را نقل و سپس به رد آن‌ها می‌پردازد. از شبهات در مورد رسول خدا شروع کرده موضوعاتی چون منافقین در قرآن، اختلاف طبقات اصحاب رسول خدا، تحقیق در بیعت رضوان، اصحاب، معاتبات الهی، عمل ذنب پیامبر(ص)، در رد معاویه و سپس در رد خلافت خلفاء ثلاثه و اثبات خلافت حضرت علی (ع)، مصنف کل اختلاف بین شیعه و اهل تسنن را در موضوع خلافت مطرح و پاسخ داده است. مؤلف در انتهای کتاب نوشته: «چون این چند جزو از اجزاء کتاب سیف الشیعه است که اول او باید انداخته شود؛ لذا او در این مجلد علیحده ثبت آمده که ضبط شده ملحق به او کرد و تلف

و تفریط نشود. نسخه موجود در کتابخانه اصل است.

انجامه: و قد فرغ من تسویده مؤلفه الاحقر فی بلدة طهران فی شهر رجب من شهر سنه ۱۲۷۱ علی اصغر بن علی اکبر البروجردی.

موجودی نسخه: چاپ نشده است.

منابع: فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مدرسه مروی

تصحیح و حاشیه‌نویسی: متن در حاشیه تصحیح شده است. (صح)

عناوین: شنگرف

یادداشت‌های مربوط به کتابخانه: یک تومان شد، فی ۱۳۰۷.

برافزوده: یادداشت انتهای کتاب: «چون این چند جزو از اجزاء کتاب سیف الشیعه است که اول او باید انداخته شود لذا او در این مجلد علیحده ثبت آمده که ضبط شده ملحق به او کرد و تلف و تفریط نشود.»

رکابه‌دار

برگ: ۵۰ ورق، ۱۰ ص

سطر: ۲۲ سطر

جلد: قطع رقعی تیماج قهوه‌ای مجدول بدون لایه

اندازه جلد: ۱۷×۲۱

عکس با جلد: ۵۴ فریم





هَذَا الْجَدُّ الثَّالِثُ لِلشُّكْرِ الْأَوَّلِ لَوْلَا نَالِجُ الْأَجَلِ الْأَكْرَمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَبِهِ نَسْتَعِينُ

حمد بی حد و ثنای بی حد مخصوص ذات عظیم المثالی است که نکال طایر قیاس
از وصول مکینه ذات برای از عیونش برانی چندین هزار مرتبه بط آنجه عجز و نقصانی
مفرش نماید و هر زمانه میخانه بصحن لطاف اوضاع بنظر عالم علوی و ضلی بال و پر می زند
و فیض اشرف ایصال حقیقه و قصه از وقایع کرامت بالغه مدخره در ذرات وجود
جزئی از اجزاء امارت قدرت کامله او نتواند بشمارد ز می پادشاهی که در کاهش معبود وجود
عالم و بود است و ز می صاحب اختیار می که با کمال خفا از صنایع دالیه بر وجودش
چون چشمه حورشید فی وسط النهار در عین شهود است با وجود ظهورش عالمی سرگردا
و در طلب شهودش متوجه طمانه در جست و جوی میباشند و حضرت او از کمال قدرت و
بدال و جمال از عقول عالین در عین خفا است نه خفای او بجهت خفای است بلکه خفای
او از خورجادهای اوست تعالی پنهان و ببدال است این باری اعظمه محاط بر محیط غیر ممکن و محمول
ممکن بر واجب محال است و صلوات نامحدود و ذریر و ان پاک اقدس اشرف
انیا و صدر نشین مندر تاب تو سین او ادنی غلت غانی موجودات محمد مصطفی

نسخه شماره {۱۲۶} (نسخه اصل) قرن ۱۳ و ۱۴

نام کتاب: مشکاة الانوار در اسرار ائمه اطهار پدیدآور: نیر بروجردی، علی اصغر بن علی اکبر، ۱۲۳۱-۱۳۱۳ ه.ق

(موضوع - زبان): کلام و اعتقادات - فارسی کاتب: خط: نستعلیق زیبا

تاریخ کتابت: تالیف سده ۱۳ و ۱۴ محل کتابت: نامعلوم

مذهب حضرت مولانا جعفر علیه و علی آباءه
صلوات الله الملك الاکبر ابن علی اکبر علی اصغر
البروجردی ...

آغاز: بسمله حمد بی حد و ثنای بی حد مخصوص
ذات عظیم المثالی است که چنگال طایر قیاس
خرد ... اما بعد خادم شرع انور و ساعی ترویج



انجام: دین آن حضرت ناسخ همه دین هاست چنانچه خود آن حضرت خاتم همه پیغمبران است چنانچه خداوند می‌فرماید: «مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

کتابشناسی: کتاب حاضر چنانچه مؤلف در مقدمه می‌فرماید، در اسرار ائمه علیهم السلام است. مؤلف در مقدمه کتاب می‌گوید: «که چون در این زمان میانه علماء اعلام و فضلاء الکرام در چند مسئله از مقامات ائمه انام علیهم سلام الله الملك العلام مباحثات و مناظرات واقع شد، به حدی که منجر به تفسیق و تکفیر بعضی مر بعضی را شد؛ لهذا لازم دانسته که با کثرت اشتغال بال و اختلال احوال با عدم مشوق بال در این عصر پر ملال مشغول به جمع آوری آیات و روایات این مقامات شوم و من الله الاستعانة و این مجلد سیم از کتاب مشکوة الانوار در اسرار ائمه علیم سلام الله الملك الغفار است و در آن بیان مین‌مایم که آیا امیر المؤمنین و ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین قاسم الارزاقند یا نه، علم ایشان حضوری است یا حصولی، آیا به همه چیز آگاهند، آیا علل اربعه خلقت اشیاء می‌باشند یا علت غائی، طینت ایشان با سایر خلق یک است، ایشان حجت خدا بر همه عوالم می‌باشند یا بر این عالم، مقام نبوت بالاتر است یا ولایت، خون و مدفوع ایشان پاک است یا نه، صفات نورانیه و جسمانیه ایشان چگونه است، آیا خالق اشیائند، محیی و ممیتند، آیا صفات فعلیه خداوند از ایشان ظهور می‌نماید و غیر از اینها از مقامات عالییه و مراتب متعالیه، از ذکر عوالم متعدده و مسائل مشکله مختلفه غیر معنونه و اخبار و آثار نورانیه منوره...» سپس آیه دوم از سوره فرقان را بیان می‌کند؛ برای آنکه بگوید سلطنت و پادشاهی در حقیقت از آن خداوند تبارک و تعالی است. از مباحثش بر می‌آید که در رد شیخیه است.

موجودی نسخه: نسخه اصل است.

منابع: الذریعة ۲/۵۵، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مدرسه مروی

تصحیح و حاشیه‌نویسی: متن توسط مؤلف در حاشیه تصحیح شده است (صح)، حواشی از مؤلف دارد.

عناوین: شنگرف

یادداشت‌های مربوط به کتابخانه: سجع مهر مستطیل (اموال دولتی وزارت معارف شماره ۳۱۹۹)، قیمت دو تومان پنج هزار است، صفر المظفر ۱۳۰۷ ق.ه.

برافزوده: در یادداشت‌های ابتدایی کتاب نکاتی در مورد تناسخ و روح از شیخ بهایی و فخر رازی و سید نعمت الله جزائری آمده است.

رکابه‌دار

جزو: ۸ برگی

برگ: ۲۳۳ ورق، ۴۶۵ ص

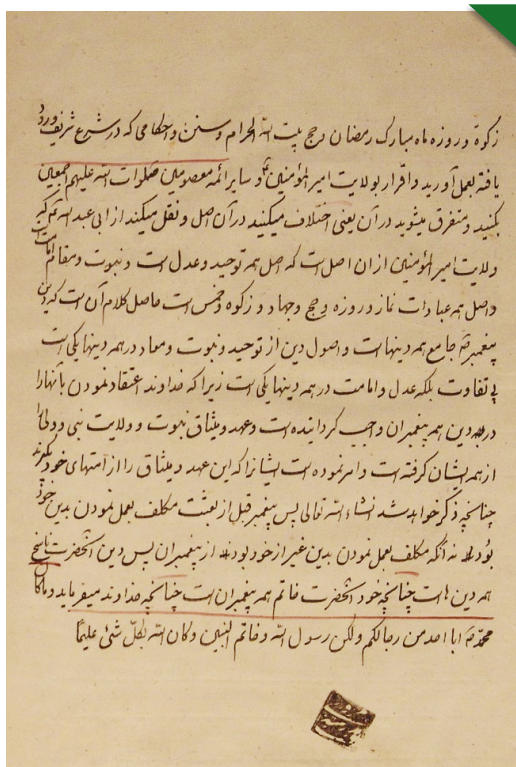
سطر: ۲۰ سطر

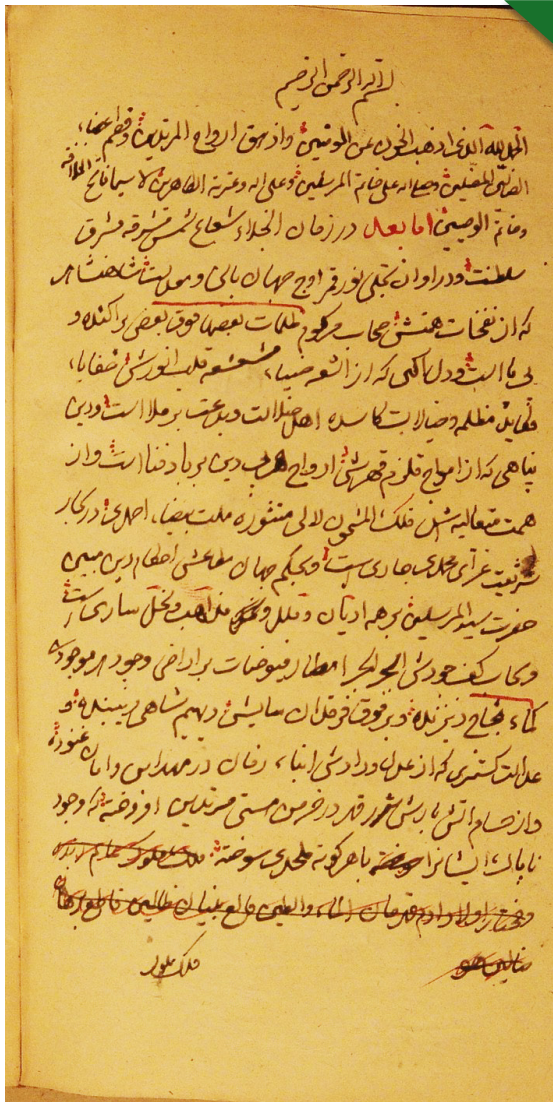
جلد: قطع رقعی تیماج قهوه‌ای با ترنج و سرترنج و مجدول اندازه

اندازه جلد: ۲۱×۳۱

تعداد عکس با جلد: ۲۳۶ فریم

واقف مؤلف است. سجع مهر مربع خط نستعلیق (وقف مدرسه مروی)





نسخه شماره {۹۳۲} (نسخه اصل) قرن ۱۳ و ۱۴

نام کتاب: نور الانوار فی آثار الظهور و رجعة الائمة الاطهار
پدیدآور: نیر بروجردی، علی اصغر بن علی اکبر، (۱۲۳۱-۱۳۱۳ ه.ق)
(موضوع- زبان): کلام و اعتقادات- فارسی
کاتب: مؤلف
خط: نسخ و تحریری، آیات اعراب گذاری شده
تاریخ کتابت: ۱۲۶۸ ق محل کتابت: نامعلوم

آغاز در فریم ۲۱۴: بسمله، الحمد لله الذي ابدعنا من العدم .. اما بعد در زمان ظهور اشعه نور مهر آسمان معدلت و در اوان بروز فروزنده، اختر فلک سلطنت پادشاه دین پناه، جمجاه ملك سپاه شاهنشاهی که از هلهله شوکتش غلغله اذا زلزلت الارض زلزالها در مرز و بوم... بدانی که وعده خدا حق و راست است و لکن اکثر مردم نمی دانند و در خبر دیگر است که چون آن حضرت متولد شد، به سجده افتاد و بعد از او برخواست و به دو زانو نشست و انگشت ستابه خود را به جانب آسمان بلند نموده...

انجام: بعضی از ارباب تصوف مهدی را شخص نمی دانند؛ بلکه می گویند نوعی است که باید در هر زمان یک نفر مهدی باشد و در هر یک از مرشدین جلوه و ظهور می کند نور مهدویت. این اقوال باطل است /نور هشتم در بیان علامات/ ظهور موفور السرور

کتابشناسی: کتاب حاضر سرگذشت و علائم ظهور حضرت حجة (عج) و شامل ۱۷ مطلب و هر مطلب دارای چند نور است. مؤلف این کتاب را به نام ناصرالدین شاه قاجار نوشته است. زندگی حضرت صاحب الامر از تاریخ ولادت و وقایع غیبیت صغری تا علائم ظهور و شهادت حضرت صاحب الامر و روایات مرتبط با آن را آورده است. شروع کتاب از نحوه ولادت با سر سعادت آن حضرت، صفات، معجزات، شمایل، وکلاء اربعه، امتحانات و ابتلائات، وجوب وجود امام، طول عمر آن حضرت، علامات ظهور ۶۰ علامت، مکان آن حضرت، لشکریان آن حضرت و تعداد آنان، شصت امر

عجیب در زمان رجعت، شهادت حضرت، آیات رجعت، مدت عمر دنیا، شکایت نمودن ائمه (ع)، مدت سلطنت سید الشهدا، رجوع جمیع انبیاء به دنیا و خاتمه در برقراری عدالت به دست حضرت است. سپس سلطان را دست خدا بر سر ملت می داند و او را از موهبت های الهی برای مردم می شمارد و حفظ پادشاه را واجب می داند. در انتهای کتاب در اعتقادات اهل کتاب در مورد وجود صاحب الامر آورده اند. صفحه آخر نوشته نور هشتم و کتاب را ادامه نداده و کتاب را ناقص رها کرده است. فریم ۲۱۴ صفحه اول جابه جا صحافی شده است. ابتدای کتاب نیز بعضی روایات در علائم ظهور را افزوده است (در سنه ۱۲۷۴). فریم ۷۷ در علائم خروج دجال نوشته:...



همه این علائم مذکوره در سال تحریر این عجاله که سنه ۱۲۶۸ است، باعلا درجه ظهور رسیده است. این اثر به ناصرالدین شاه قاجار (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) اهدا شده است.

موجودی نسخه: این کتاب در طهران چندین بار توسط کارخانه کربلایی محمدحسین باسمه‌چی و به اهتمام حاجی اسدالله، ۱۳۲۸ق چاپ سنگی شده است.

منابع: الذریعة ۲۴/۳۶۰

تصحیح و حاشیه‌نویسی: متن توسط مؤلف در حاشیه تصحیح شده است. (صح)

عناوین: شنگرف یادداشت‌های مربوط به کتابخانه: سجع مهر مستطیل (اموال دولتی وزارت معارف شماره ۲۸۲۷)، ورق ۱۷ پنج هزار [دینار] است ۱۳۰۷.

رکابه‌دار **جزو:** ۸ برگ **آسیب‌دیدگی:** ورق ۲۳ تا ۳۴ رطوبت خورده کمی جوهر بهم ریخته بعضی کلمات پاک شده است. **برگ:** ۲۱۹ ورق، ۴۴۰ ص **سطر:** ۱۸ سطر **جلد:** قطع رقعی تیماج قهوه‌ای مجدول با لایه مقوایی

اندازه جلد: ۱۱×۱۷ **تعداد عکس با جلد:** ۲۲۳ فریم واقف مؤلف است سجع مهر مربع خط نستعلیق





در نزد بعضی معروف و مشهور باشند و در نزد عامه نامی بغیر این که کم دور باشند
در سبب همین اسمی باشند بغیر تغییر و تبدیل لکن چون از بلاد بعیده و دگات
متفرقه در اطراف عالم از صحرا و دریا و کوستان میباشند این اسمی در نزد
اهل خود معروف باشند و این ولایات و دگات باین اسمی معروف و مشهور
باشند و لکن مردم دنیا هم چیزی از آنها ندارند و اسمی آنها نوشته باشند بآنجهت
دوری از بلاد از این ریزه که در هر مکان و رفاه انسانی و اهمیت این اسمی
بلاد و قیافه است دارد که اهل مکان دیگر او را نشینده ببلکه بنظر این
بسیار عزیز و عجیب میباشد و چون این واقع میشود میان الخفت و سایر
مردم و بعضی اخبار احوال الخفت را می بیند اصحاب و بطریق رؤوف
و انشاه و التعماره و کنایات و تشبیهات و تمثیلات وارد شده است
از خبری و کلی لهذا ما آتشی بعضی آنها در چند ورقه نمودیم نه علی سبیل
الاجمال کسی معرفت باحوال الخفت بهم رساند و الله هو الموفق

تم بالخیر ۱۲ مهر ۱۲۷۵

المستدرک ۱۲۷۵

آموزش





روش‌های پارافریز کردن مقاله

حجت الاسلام شمس آبادی

❖ سوال اصلی این است که آیا خود پارافریز کردن مقاله مصداق سرقت علمی نمی‌شود؟

بعضی از موسسات این کار را سرقت علمی نمی‌دانند.

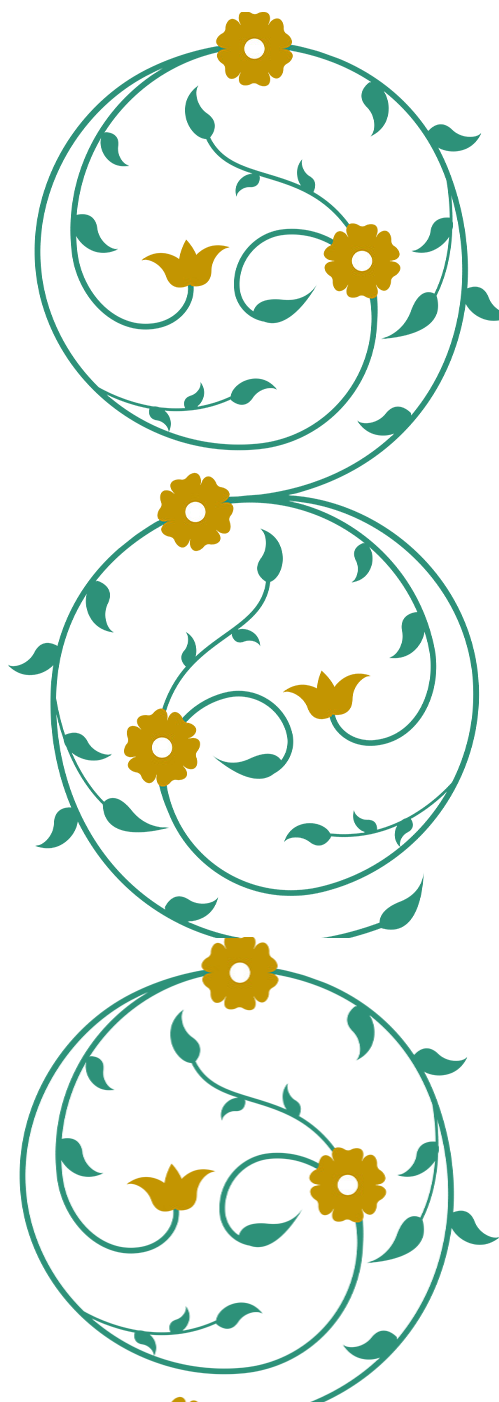
یکی از مهم‌ترین و ارزشمندترین تخصص‌ها در دنیای نویسندگی، توانایی انجام پارافریز است. انجام پارافریز و بازنویسی درست و استاندارد متن مقاله یا کتاب، یکی از بهترین راه‌های رفع سرقت علمی است. در پارافریز مقاله شما باید متن را طوری تغییر دهید که معنا و مفهوم جمله ثابت بماند و با کلمات دیگری بار معنایی را به خواننده انتقال دهید. در پارافریز فراموش نکنید تنها تغییر و جایگزینی کلمات انجام نمی‌شود، بلکه در آن مفهوم اصلی انتقال میابد. مخصوصاً در نوشتن مقالات علمی این مورد باید دقت شود تا سرقت علمی حل شود. در حالت ساده‌تر اگر بخواهیم بیان کنیم، این است که شما متنی را دقیق می‌خوانید و سپس آن را کنار می‌گذارید و چیزی که درک کرده‌اید را به زبان خودتان می‌نویسید.

کمتر محقق و نویسنده‌ای پیدا می‌شود که با موضوع سرقت علمی آشنا نباشد. سرقت علمی یعنی ایده‌های یک نویسنده دیگر را به نام خودمان ثبت کنیم. این کار علاوه بر اینکه عملی غیر اخلاقی است، از نظر قانونی هم مجازاتی را در پی دارد. این سرقت گاهی به صورت مستقیم و گاهی به صورت نقل قول بدون ذکر منبع آن و گاهی به صورت موزاییکی (قرضی و کپی پیست) اتفاق می‌افتد.

در این میان، در بعضی از موسسات تحقیقاتی برای برون رفت از سرقت علمی پارافریز کردن (Paraphrasing)، ریوردینگ (Re-wording) و ریریتینگ یا بازنویسی (Re-writing) را پیشنهاد می‌دهند که بیشتر واژه پارافریز استفاده می‌شود؛ به معنای باز نویسی مجدد یک متن به گونه ای که مطلب و ایده در جای خود باقی بماند. این کار گاهی با استفاده کردن از کلمات مترادف و شرح و بسط دادن نوشته اولی حاصل می‌شود یا با جابه‌جایی کلمات و نگهداشتن مفهوم یا با تغییر گرامر به دست می‌آید.

❖ پس کاربرد پارافریز کجاست؟

پارافریز کردن موجب از بین رفتن سرقت ادبی نمی‌شود، اما میتواند کمک کند تا مقاله شما در پذیرش اولیه رد نشود به این معنا که تمامی مجلات و ژورنال‌ها اولین کاری که انجام می‌دهند این است که مقاله را مشابهت یابی می‌کنند و در صورت مشابهت زیاد مقاله را قبل از داوری رد می‌کنند؛ لذا شما می‌توانید با روش پارافریز کردن مقاله این مرحله را پشت سر بگذارید؛ اما حتما یادتان باشد که در پارافریز مقاله حتما مرجع ایده را بیان کنید تا از سرقت علمی جلوگیری شود.



(موسسه آذرگان <https://book-pub.ir/.post/parafriz-pharaphrase-chist>)

موسسه پژوهش برتر در این باب می‌نویسد: «نباید عین مطالب را کپی کنید و در مقاله خود بیاورید، بلکه می‌توانید مقاله را مطالعه کنید و خلاصه آنچه که برداشت کرده‌اید را از زبان خودتان بنویسید و بازنویسی کنید. از نوشته‌های دیگران ایده بگیرید و سعی کنید که از ایده‌ها و طرز فکر نویسندگان دیگر استفاده کنید. اگر بدون استناد و یا بدون نقل قول و ویرایش مطالب مقاله را استفاده کنید در این صورت سرقت ادبی به حساب خواهد آمد و مقاله حتما ریجکت خواهد شد.

بنابر تمامی اطلاعاتی که در حوزه بازنویسی مقالات مطالعه فرمودید، پارافریز یا بازنویسی کردن یک مقاله در واقع برطرف ساختن سرقت ادبی یا تشابهات ادبی مقاله به منظور پذیرش راحت و بدون دردسر در مجلات علمی و معتبر در کل دنیا می‌باشد. [سایت](#)

(- <https://isipaper.org/.post/paraphrase-> magale-chist)

شبکه مترجمین اشراق در این مورد می‌نویسد: پارافریز مقاله انگلیسی به جهت رفع سرقت ادبی و افزایش چشمگیر رسایی و شیوایی و هم‌چنین حفظ اصالت نوشته، یک امر تخصصی و ضروری است. مقاله‌ای درخشان و تاثیرگذار خواهد بود که از اصالت کامل برخوردار باشد و مصداق سرقت علمی در مقالات علمی نباشد.

رفع سرقت ادبی مقالات معمولا با حساسیت و دشواری‌های زیادی همراه است؛ چرا که حاصل فعالیت، تحقیق و پژوهش یک فرد با صرف هزینه و زمان زیادی است.

نظر نگارنده: به نظر می‌رسد پارافریز کردن مقاله نوعی سرقت علمی محسوب می‌شود؛ چرا که شما ایده و نظرات دیگران را سرقت کرده و با تغییر کلمات و گرامر آن را به خواننده تحویل داده‌اید که همانند سرقت ادبی موزاییکی هست.

حوزه علمیه مروی / فروردین ۹۱



امام خمینی (ره): روضه سیدالشهدا (ع) برای حفظ مکتب سیدالشهدا (ع) است. آن کسانی که می‌گویند روضه سیدالشهدا (ع) را نخوانید اصلاً نمی‌فهمند مکتب سیدالشهدا (ع) چه بوده و نمی‌دانند این گریه‌ها و روضه‌ها حفظ کرده این مکتب را، حرف سیدالشهدا (ع) حرف روز است همیشه حرف روز است... و مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، گریه‌کن نباشد، تا پایش توی سر و سینه زدن نباشد حفظ نمی‌شود.

(صحیفه نور، ج ۸)

